

انتشارات انصار امام مہدی علیہ السلام عدد (۲۱-آ)

شُرَائِعُ الْاِسْلَامِ

(جزء اول)

(عبادات)

سید احمد الحسن علیہ السلام

وصی و فرستادہ و یمانئ امام مہدی علیہ السلام

چاپ اول

۱۴۳۴ هـ. ق - ۲۰۱۳ م

۱۳۹۲ هجری شمسی

جهت اطلاعات بیشتر در مورد دعوت مبارک سید احمد الحسن علیه السلام

لطفاً از وبسایت ما بازدید فرمایید:

<http://almahdyoon.co>

<http://mahdyeen.org>

<http://mahdyeen.org/ir>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليما
این کتاب:

این کتاب شرائع الاسلام در مسائل حلال و حرام نوشته ی دانشمند فاضل و پیرو ناصح محمد ابو القاسم نجم الدين جعفر بن الحسن (ره) است، که در آن معرفت احکام شریعت اسلام از روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ را ذکر کرده است، گر چه گاهی در مقام تردید و گاهی از روی کوتاهی غیر عمدی خطاهایی در بیان احکام داشت که از آنها چاره ای نبوده است.

بنده این کتاب را بر اساس آنچه از امام مهدی عليه السلام فرا گرفتم تصحیح نموده و احکام آن را بیان نمودم، و بر اساس دستور امام مهدی عليه السلام بیان ساختم آنچه را که اهل آن و کسانی که لیاقت دریافت آن را دارند حاضر گشته اند و زمان بیان آنها رسیده است و آنچه زمان آن نیست را به وقتش موکول می کنم. هر کس با این احکام مخالفت کند با امام مهدی عليه السلام مخالفت کرده است.

ای خداوند عظیم گناهان بزرگ مرا ببخش چرا که خطائی بزرگ را جز تو ای عظیم نخواهد بخشید.

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا * لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾،

(ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم * تا خداوند گناهان

گذشته و آیندای را که به تو نسبت می دادند ببخشد (و حقانیت تو را ثابت نموده) و نعمتش را بر

تو تمام کند و به راه راست هدایت فرماید) . الفتح: ۲-۱.

بنده مقصر در پیشگاه خدا

احمد الحسن

۱۵ / شعبان / ۱۴۲۶ هـ. ق - ۱۵ / تیر ماه / ۱۳۸۴ هـ. ش

شُرَائِعُ الْإِسْلَامِ

(جزء اول)

- احكام طهارت
- احكام نماز
- احكام روزه
- احكام اعتكاف

احکام طهارت

طهارت: نامی برای وضوء، غسل یا تیمم است، به گونه ای که نماز با آن جائز شود. و هر کدام از آنها به دو بخش واجب و مستحب تقسیم می شود.

وضوء واجب: برای نماز واجب و طواف واجب و لمس کلمات قرآن می باشد. و وضوء مستحب برای آنچه غیر از این امور باشد.

غسل واجب: برای امور سه گانه (نماز واجب، طواف واجب و لمس کلمات قرآن) یا برای ورود به مسجد الحرام یا مسجد النبی یا خواندن عزائم یعنی سوره هایی که سجده ی واجب دارند اگر واجب شوند، و برای روزی که روزه آن واجب باشد و روزه دار به اندازه ی یک غسل جنابت تا طلوع سپیده دم همان روز وقت داشته باشد غسل واجب می گردد، و برای روزه ی زن مستحاضه که از او به مقدار خیس شدن یک پنبه خون خارج شود غسل واجب گردد. غسل مستحب برای امور غیر از این موارد است.

تیمم واجب: برای اقامه نماز واجب است اگر وقت آن تنگ گردد، و برای خروج شخص جُنب از مسجد الحرام و مسجد النبی، و تیمم مستحب رای امور غیر از این است. ضمناً طهارت با نذر^(۱) و شبه آن نیز واجب می گردد.

این احکام چهار رکن دارند:

رکن اول: اقسام آبها

مورد اول: امطاه آب مطلق.

هر چیزی که اسم آب به آن اطلاق می گردد بدون اضافه شدن هرگونه مایعی دیگر، و همه آن پاک باشد و نجاست را بر طرف می کند، و از جهت وقوع نجاست به سه گروه تقسیم می شود: جاری، محقون و آب چاه.

۱. نذر یعنی واجب نمودن کار مطلوب یا ترک کار غیر مطلوب بر خود برای رضای خدا.

آب جاری: با تغییر یکی از اوصاف سه گانه اش (رنگ، بو و مزه)، نجس می شود و با اضافه کردن آب جاری فراوان به طور مستمر بر آن تا تغییر (رنگ، بو، مزه) از بین برود آب پاک می شود و آب حمام نیز حکم آب جاری را دارد مادامی که تغییر دهنده ای بر آن اضافه نشود و اگر ماده ی پاک ی با آن مخلوط شد و آن را تغییر داد یا به خودی خود تغییر کرد از حالت پاک بودن خارج نمی شود.

اما آب **محقون:** آبی است که از آب کر کمتر است و با تماس با نجاست نجس می گردد، و اگر آب نجس شده را به حد نصاب کر برسانیم پاک نمی شود مگر با اضافه کردن یک حجم آب کر (۴۵۷ لیتر) پاک می شود.

مگر یکی از اوصافش (رنگ، بو و مزه) تغییر کند. و با اضافه کردن حجم کر و بیشتر از آن تا تغییر رفع شود پاک می شود. این آب به خودی خود و با وزیدن باد و با انداختن اجسام پاک در آن پاک نمی شود.

آب کر: معادل (۴۵۷) لیتر است؛ یا آبی که طول و عرض و عمق محل آن هر کدام سه وجب و نیم باشد، این حکم در مورد آب حوض ها و غدیر [محل جمع شدن آب باران] و ظرفها صدق می کند.

اما **آب چاه:** اگر کر نباشد در تماس با نجاست نجس می شود، اگر آب آن از تراوش زمین باشد. اما اگر چاه مستقیم به چشمه زیر زمینی متصل باشد و از چشمه بجوشد یا اگر آب آن کر یا بیشتر از آن باشد در تماس با نجاست نجس نمی گردد مگر یکی از اوصافش (رنگ، بو و مزه) تغییر کند. طریقه پاک کردن، کشیدن آب نجس بر حسب چیزی که در آن افتاده بدین شرح است:

۱- از مردار گنجشک تا مرغ (یا آنچه هم حجم آنها باشد) کشیدن بین (۱۰ تا ۱۰۰) لیتر متناسب با حجم حیوان و بر حسب وضعیت مردار و از مردار عقرب و مار و وزغ (مارمولک) بین (۳۰ تا ۷۰ لیتر) متناسب با حجم حیوان.

- ۲- مردار گوسفند و سگ (یا آنچه هم حجم آنها باشد) کشیدن بین (۱۰۰ تا ۴۶۰ لیتر) متناسب با حجم حیوان و بر حسب وضعیت مردار.
- ۳- از سقوط خون و ادرار و مدفوع و منی و مایعات مست آور بین (۷۰ تا ۴۶۰ لیتر) متناسب با حجم نجاست باید آب از چاه کشید. اگر نجاست مایع باشد یا در آب تحلیل شده و از بین رفته است باید (۴۰۰ لیتر) آب کشید و اگر نجاست جامد باشد و تحلیل نشده باشد باید بعد از خارج کردن آن (۱۰۰ لیتر) آب کشید تا آب چاه پاک شود.
- ۴- از مردار الاغ و گاو و شتر و شبیه آنها بین (۴۶۰ تا ۷۰۰ لیتر) متناسب با حجم حیوان آب باید کشیده، و بر حسب وضعیت مردار آب کشید.
- ۵- از جسد انسان (۷۰۰ لیتر) آب باید کشیده و بیرون ریخت. اگر بعد از دور ریختن آب به اندازه های گفته شده باز در آب، رنگ و بو یا طعم نجاست از متلاشی شدن مردار یا خون یا مسکر مایع بماند، باید آن قدر از آب آن دور بریزند تا رنگ، بو و یا طعم نجاست از بین برود.

سه مبحث فرعی:

- ۱- در افتادن جسد انسان در چاه جسم کودک و بزرگسال یک حکم دارد.
- ۲- اگر چند نجاست با هم در چاه بیفتند مقدار آبی که باید دور ریخته شود مضاعف می گردد (اگر دو حیوان مشابه در چاه بیفتند برای هر کدام به مقدار تعیین شده آب کشیده شود).
- ۳- اگر مردار حیوان (سگ و بزرگتر از آن) در آب چاه تکه تکه یا تحلیل شود، تمام آب چاه باید دور ریخته شود و اگر این کار مشکل بود باید صبر کرد تا آب در اثر جوشیدن آب های پاک، علائم نجاست (رنگ، بو و مزه) از بین برود یا به مدت یک روز از صبح تا شب آب پاک بدان افزوده شود. بهتر است که در مورد مردار کوچک تر از سگ نیز همین عمل انجام شود.

مستحب است بین چاه و فاضلاب پنج ذراع^(۱) فاصله باشد، اگر زمین سفت باشد و چاه در بالای فاضلاب قرار گیرد در غیر این صورت باید فاصله هفت ذراع در نظر گرفته شود. و

۲. ذراع واحد طول می باشد و آن عبارت است از ابتدای ساعد دست (مرفق) تا سر انگشتان.

حکم به نجاست چاه نمی توان داد مگر مطمئن شوند که آب فاضلاب به چاه رسیده است و اگر حکم به نجاست دادند پاک کردن با آن آب و مصرف برای خوردن و آشامیدن مجاز نمی باشد مگر در موارد ضرورت.

اگر میان چند ظرف آب معلوم نباشد آب کدام یک نجس است واجب است همه آنها را ترک کرد و در صورت نبودن آب غیر از آنچه درون ظرف ها است باید تیمم نمود.

مورد دوم: آب مضاف.

آب مضاف آن است که از جسم دیگری فشرده شده و یا با مایع دیگری مخلوط شده باشد به گونه ای که نام خود را کلاً از دست بدهد [مانند آب میوه و گلاب و...].

آب مضاف پاک است اما پاک کننده و مطهر نیست و استفاده از آن در موارد دیگر جایز است و در صورت تماس با نجاست نجس می شود چه مقدار آن کم باشد یا زیاد، و استفاده نجس شده ی آن برای خوردن و آشامیدن جایز نیست. اگر با آب مطلق مخلوط شود، اگر موجب تغییر نام آب نمی شود (یعنی همان آب مطلق است) طهارت با آن جایز است.

طهارت با آبهای زیر مکروه است:

آبی که به وسیله خورشید داغ شده باشد.

آبی که برای غسل میت با آتش گرم شده باشد.

آبی که برای شستشوی نجاست به کار رود نجس است، چه در تماس با نجاست تغییر کند یا تغییر نکند.

غیر از آبی که در حین استنجاء (تطهیر محل خروج ادرار و مدفوع) به کار می رود پاک است مگر این که در تماس با نجاست تغییر کند یا نجاست از بیرون با آن تماس پیدا کند. آب استفاده شده در وضوء هم پاک است و هم پاک کننده است ولی آبی که برای بر طرف کردن مدفوع به کار می رود گر چه پاک است اما پاک کننده نخواهد بود.

مورد سوم: آب باقی مانده از آشامیدن.

همه آب نیم خورده انسان ها و حیوانات پاک است به جز نیم خورده ی سگ و خوک (گراز) و کافر و بهتر است از نیم خورده ی موجودات مسخ شده (مار مولک، میمون، خرس و...) از آن استفاده نشود، و بهتر آن است که نیم خورده ی گروه های زیر ترک شود:

خوارج (آنان که به عقیده ی خوارج نھروان و شبیه به آن معتقدند).
غلات (آنان که به الوهیت مطلق مخلوقی معتقد هستند).
نواصب (آنان که با ائمه و مہدیین علیہم السلام و شیعیان دشمنی می نمایند).
غیر از این ها جسم و آب نیم خورده همه مسلمانان پاک است.
آب نیم خورده (حیوان) نجاست خوار و مردار خوار اگر محل تماس آن با آب عین نجاست را نداشته باشد (در صورت وجود عین نجاست آب نجس می شود) و نیم خورده زن حائض که ایمان ندارد مکروه است، و آب نیم خورده قاطر و الاغ و موش و مار و عقرب و وزغ نیز مکروه است.

مسائل متفرقه:

مردار حیوانی که خون جھنده دارد آب را نجس می کند و اگر خون جھنده ندارد آب را نجس نمی کند.
خون حتی اگر به چشم دیده نشود نیز آب را نجس می کند.



رکن دوم: طہارت با آب

طہارت با آب یعنی وضوء و غسل.

فصل اول: احکام وضوء.

اول: مواردی کہ در آنها وضوء واجب می گردد.

و آنها شش مورد می باشند:

۱- خروج ادرار یا مدفوع یا باد از شکم از محل معمول آنها، اگر مدفوع از اعضای ظریف شکم خارج شود باطل کننده نیست اما اگر از اعضای بزرگ تر باشد باطل کننده است. اگر مدفوع از غیر مجرای عادی خود خارج شود همچنین وضوء (و غسل) را باطل می کند. اگر ادرار و یا مدفوع و باد شکم از جای زخمی کہ بعدها به محل دائمی خروج تبدیل شود بیرون بیاید، نیز باطل کننده طہارت است.

- ۲- خواب، به گونه ای که بر دو حس دیدن و شنیدن غلبه کند (انسان نه چیزی ببیند و نه چیزی بشنود) و هر چیز دیگری که عقل را زایل کند مانند اغماء و بیهوشی و جنون و مستی.
- ۳- استحاضه (خون دیدن زن) استحاضه قلیله (خون دیدن زن).

آنچه موجب بطلان نمی شود:

خروج مذی و ودی و ودی^(۳) خونی که از مجرای ادرار و مدفوع خارج می شود به جز خون خون حیض و نفاس و استحاضه و استفراغ و خلط انداختن و ناخن گرفتن و موی بدن را اصلاح کردن، دست زدن به آلت مرد و زن و لمس کردن زن و خوردن آنچه آتش به آن خورده باشد.

خروج هر چیز دیگر از مجرای ادرار و مدفوع اگر به نجاست آغشته نباشد و یکی از مبطلات وضوء را همراه نداشته باشد.

دوم: احکام تفلّی.

و آنها سه تا می باشند:

اول: چگونگی تفلّی:

پوشاندن عورت واجب است و پوشاندن کل بدن مستحب است. رو به قبله یا پشت به آن تخلّی حرام است چه در صحرا و چه در ساختمان. در صورتی که محل تخلّی ساختمان طوری بنا شده که یا رو به قبله یا پشت به آن است باید از آن محل به قدری منحرف شد که این عمل رو به قبله و یا پشت به آن صورت نگیرد.

دوم: استنجاء.

شستن مجرای ادرار با آب واجب است. در صورت امکان غیر آن کفایت نمی کند و کمترین مقدار شستن مجرای ادرار دو بار است.

مجرای مدفوع نیز تا از بین رفتن عین نجاست و اثر آن باید شسته شود ولی بو اعتباری ندارد. اگر اثر نجاست از مقدار مخرج بیشتر شد شستن آن با آب واجب است و غیر از آب

۳. مایعات غیر از منی.

کفایت نمی کند. اما اگر از مخرج تجاوز نکرد بین شستن و پاک کردن با سنگ خود مختار است گر چه آب بهتر است و جمع بین هر دو کامل تر است. و کمتر از سه سنگ کفایت نمی کند. گذراندن هر سنگ به تنهایی بر محل نجاست واجب است و با از بین رفتن عین نجاست و باقی ماندن اثر آن کفایت می کند. اگر با سه سنگ پاک نشد باید ادامه دهد تا پاک شود ولی اگر با کمتر از سه سنگ پاک شد واجب است تا سه سنگ ادامه دهد. استفاده از یک سنگ از سه جهت کفایت نمی کند.

مواردی که نباید برای استنجاء به کار رود عبارتند از:

۱- سنگی که قبلاً برای استنجاء استفاده شده است.

۲- عین نجاسات، استخوان، سرگین و پهن حیوانات، خوراکی ها.

۳- سنگ صاف که نجاست روی آن بلغزد.

استفاده از این موارد موجب پاکی و طهارت نمی شوند.

سوم: سنت در تخلی.

مستحبات: بستن صورت و پوشاندن سر بهتر است.

استعاذه و به خداوند پناه بردن.

خدا را به نیکی یاد نمودن.

تقدیم پای چپ هنگام ورود.

استبراء [پاک کردن مجرای ادرار برای مردان].

دعاء کردن هنگام استنجاء و دعاء بعد از استنجاء.

تقدیم پای راست هنگام خروج و دعاء بعد از خروج.

مکروهات:

قضای حاجت در خیابان و محل عبور و مرور و ساحل و محل آبیگری از رودخانه قضای

حاجت زیر درختان میوه دار و ثمره دار و محل جنگها و محل هایی که موجب لعنت است (جاهایی که مورد لعنت دیگران است).

بیرون آوردن عورت رو به خورشید و ماه.

ادرار کردن رو به باد و روی زمین سفت و در سوراخ و لانه حیوانات و در آب ساکن یا جاری.

خوردن و آشامیدن و مسواک کردن در حین تخلی.

استنجا با دست راست و استنجا با دست چپ اگر انگشتی در دست باشد که نام خدا (یا پیامبر ﷺ و یا یکی از اوصیاء علیهم السلام) یا حضرت زهرا (س) یا آیات قرآن و آیه الکرسی و حرف زدن در حین تخلی مگر ذکر خدا.

سوء: نحوه وضوء گرفتن.

وضوء پنج عمل واجب دارد:

اولاً: نیت.

و آن اراده ای قلبی است. چگونگی آن به این ترتیب است که برای نزدیکی به خداوند و برای پاکی باطن خود وضوء می گیرد. نباید هدف از وضوء رفع ناپاکی و عین نجاست باشد یا مباح شدن چیزی که در آن پاکی شرط است یا واجب یا مستحب بودن. برای پاکی لباس نیت کردن لازم نیست و برای از بین بردن نجاست از بدن احتیاجی به نیت نیست اما اگر نیت کند علاوه بر تقرب و طهارت، بدنش نیز خنک شود و مشابه آن وضوء صحیح است. وقت نیت با شستن کفهای دست آغاز می شود و نهایت وقت آن هنگام شستن صورت است و تا آخر اعمال وضوء نیت باید حفظ گردد.

تبصره: اگر چند علت مختلف موجب وضوء باشند یک وضوء از همه آنها کفایت می کند،

همین گونه در غسل.

ثانیاً: شستن صورت.

در طول صورت از محل رشد موی سر تا آخر چانه و در عرض آنچه میان انگشت شصت و انگشت وسط کف دست هنگام شستشو واقع می شود و هر چه که خارج آن باشد جز صورت نیست. در مورد تعیین محل صورت نباید فردی را که صورتی باریک دارد یا صورتی پهن و گشاده یا سری طاس داشته باشد قیاس قرار داد و نه حتی کسی که انگشتانش کوتاه

است، این گروه افراد باید هر کدام به موجب خلقت خود عمل کنند و هر آنچه را که ممکن است شست و شو دهند.

صورت را باید از بالا به پایین تا چانه شست و اگر عکس آن عمل شود جایز نیست. وضوء ناقص است و نیز شستن قسمت های پایینی ریش که خارج از صورت است واجب نیست و نیازی به گذر آب از میان آن نیست، و واجب شستن ظاهر آن است. اگر در صورت زنی مو به قدری بود که ریش حساب گردد باز گذراندن آب از میان آن لازم نیست و واجب، شستن و خیس کردن ظاهر آن کفایت می کند.

ثالثاً: شستن دستها.

در شستن دستها واجب شستن دو آرنج و دو ساعد است. و آغاز در شستن آرنج است و شستن بر عکس آن از پایین به بالا جایز نیست. واجب در آغاز شستن دست راست است و پس از آن دست چپ. اگر فردی قسمتی از دستش قطع شده است اگر زیر آرنج باشد شستن آن واجب است اما اگر محل قطع شدن بالای آرنج باشد وجوب شستن دست از او ساقط می شود.

اگر فردی بعد از آرنج دو ساعد یا گوشت اضافه یا انگشتان اضافه داشته باشد شستن همه آنها واجب است اما اگر این اضافه ها بالای آرنج باشند شستن واجب نیست. اگر کسی دست سومی داشته باشد شستن آن نیز واجب است.

رابعاً: مسح سر.

واجب در مسح سر آن است که گفته شود مسح است و مستحب مسح سر به عرض سه انگشت می باشد. مسح مخصوص قسمت جلوی سر می باشد و باید با رطوبت آب وضوء صورت گیرد و تجدید آب دست برای مسح جایز نیست. و اگر آب دست خشک شد از آب روی ریش و مژه ها می توان برای مسح استفاده کرد. اگر هیچ رطوبتی از وضوء باقی نمانده که با آن مسح کند باید مجدداً وضوء بگیرد.

بهرتر است که مسح رو به قبله باشد و پشت کردن به قبله هنگام مسح مکروه است. بهتر است که مسح کردن از بالای سر به پایین انجام شود و مکروه است از ابتدای سر به سمت بالا انجام شود.

شستن محل مسح سر جایز نیست و کفایت نمی کند.

مسح آنچه موی قسمت جلوی سر و پوست سر نامیده می شود مجاز است ولی اگر از دیگر قسمتهای سر مو را جمع کند و بعد روی آن مسح نماید صحیح نیست. همچنین مسح بر عمامه و کلاه و آنچه موجب پوشاندن محل مسح سر باشد، صحیح نیست.

خامساً: مسح پاها .

واجب در آن مسح روی پاها است از آغاز انگشتان تا برجستگی های مفصل یا همان قوزک پا [خود برجستگی نیز باید مسح گردد]، مسح پا به صورت بر عکس جایز است و میان پاها در مسح ترتیب خاصی نیست. اگر قسمتی از پا که باید مسح شود، قطع شده باشد باید باقی مانده آن مسح گردد ولی اگر پا از مفصل قطع شده باشد مسح آن ساقط است. واجب در مسح این است که نباید میان دست و پوست پا مانعی باشد. مسح بر کفش و جوراب و شبیه آنها جایز نیست.

واجب است در حد امکان که مسح با همه کف دست باشد بگونه ای که کف دست بر تمام محل مسح پا بگذرد. واجب نیست که تمام اعضای کف دست بر روی محل مسح قرار گیرند بلکه به صورت گذرا مسح انجام شود.

هشت مسئله:

اول: ترتیب واجب در وضوء این است که وضوء را با شستن صورت آغاز کند و بعد دست راست و بعد دست چپ و بعد سر را مسح نمود و پس از آن پاها را مسح کرد. اگر وضوء گیرنده عمدی و یا غیر عمدی ترتیب را رعایت نکند وضوء باطل است و باید مجدداً وضوء بگیرد. اگر آب محل وضوء خشک شد حتی اگر آب کمی باقی بماند وضوء بر حسب ترتیب تکرار می شود.

دوم: موالات در وضوء واجب است یعنی نباید بین شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها چنان فاصله بیندازد که از عرف یک عمل واحد خارج گردد. پس اگر صورت را شست باید برای شستن دست راست و پس از آن دست چپ مبادرت کند و بعد سر و پاها را مسح نماید و این کار باید بدون وقفه انجام گیرد و اهمالی در آن نباشد.

سوم: در شستن صورت و دستها بار اول واجب است و بار دوم سنت است و بار سوم بدعت و در مسح تکرار وجود ندارد.

چهارم: در غسل اگر گفته شود غسل نموده است کفایت می کند حتی اگر به مقداری باشد که گویی بدن با آب مالیده شده باشد. اگر کسی در دست خود بند یا انگشتری داشته باشد واجب است که آب را به زیر آن برساند و اگر گشاده و فراخ باشد حرکت دادن آن برای رساندن آب مستحب است.

پنجم: بر کسی که بر اعضای بدنش که باید در وضوء شسته و یا مسح شوند جبیره^(۴) وجود داشته باشد اگر بیرون آوردن و شستشو ممکن باشد واجب است که آب را به پوست بدن برساند اما اگر ممکن نباشد مسح بر جبیره کفایت می کند چه زیر آن پاک باشد و چه پاک نباشد ولی اگر سبب جبیره از میان رفت باید وضوء بگیرد.

ششم: هیچ فردی با اختیار اجازه وضوء دادن غیر را ندارد و وضوء باطل است ولی وضوء دادن غیر در هنگام اجبار ممکن است.

هفتم: کسی که وضوء ندارد نباید به کلمات قرآن کریم دست بزند اما لمس کردن قرآن به غیر از نوشته ها اشکالی ندارد.

هشتم: دائم الحدث^(۵) اگر آن قدر زمان داشته باشد که نماز بخواند باید وضوء بگیرد و نماز بخواند اما اگر نتواند باید برای اقامه نماز دوباره وضوء بگیرد و اگر نتواند خبث و ناپاکی را زایل کند باید از حدث که باعث از بین رفتن وضوء می شود طاهر گردد و وضوء بگیرد.

۴. چیزی که با آن زخم و شکستگی را می بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می گذارند.

۵. کسی که از مجرای ادرار و یا از مجرای شکم او همیشه و ناخواسته ادرار یا باد خارج می گردد.

سنت های وضوء:

آن است که اگر از ظرفی آب بر می دارد آن را در سمت راست خود بگذارد و با دست راست آب بردارد، بسم الله بگوید و دعاء کند، دستها را اگر خواب بود و یا ادرار کرده بود یک بار و اگر استنجا کرده بود دو بار بشوید، آب را در دهان خود بگرداند و مضمضه کند و با بینی استنشاق کند و در همه اجزای وضوء دعا کند، مستحب است مرد در هنگام شستن ساعدهای خود نخست قسمت بیرونی را بشوید و بعد قسمت داخلی دست را، برای زن این مستحب عمل بر عکس مرد است، مستحب است با یک مد (نیم لیتر) وضوء بگیرد.

مکروهات وضوء: کمک گرفتن از دیگران برای وضوء و خشک کردن اعضای شسته شده در وضوء مکروه است.

چهار: احکام وضوء.

اگر کسی از وقوع حدث و امر باطل کننده وضوء یقین حاصل کند و به صحت طهارت خود شک کند و یا از طهارت یقین حاصل کند و بعد از آن در وقوع مبطل شک کند باید مجدد وضوء بگیرد. همان گونه که اگر در شستن یکی از اعضاء بعد از شستن عضو بعد از آن شک کند اگر آب وضوء خشک شده باشد باید مجدداً وضوء بگیرد، اما اگر در حال وضوء به یکی از اعمال خود شک کند نخست امری را که در آن شک دارد باید انجام دهد و بعد دیگر اعمال را دنبال کند.

اگر کسی از طهارت خود یقین حاصل کند و بعد از اتمام عمل در وقوع حدث و یا فراموش کردن یکی از اعضای خود شک کند نباید دوباره وضوء بگیرد.

اگر کسی غسل محل خروج مدفوع و یا ادرار را ترک کند و نماز بخواند عمداً باشد یا فراموش کند و یا ندانسته این عمل را انجام دهد باید نماز را مجدداً بخواند.

اگر کسی برای استحباب تجدید وضوء کند و بعد از نماز بیاد آورد که در یکی از اعمال وضوء اشتباه نموده است هم وضوء و هم نماز صحیح است. اما اگر با هر وضوء یک نماز بخواند باید نماز اول را مجدداً بخواند، اما اگر نداند در طهارت کدام یک از نمازها اشکال بوده است باید هر دو نماز را مجدداً بخواند حتی اگر دو نماز از نظر تعداد رکعات اختلاف داشته باشند، و اگر از نظر تعداد رکعات یکسان باشد (ظهر و عصر) ادای یک فریضه به نیت آنچه بر ذمه

اوست بخواند. حکم کسی که وضوء بگیرد و نماز بخواند و بعد از نماز حدثی کند که وضوء باطل گردد و بعد دوباره وضوء بگیرد و نماز دیگری بخواند و بعد بیاد آورد که در یکی از وضوءها یکی از واجبات را به جا نیاورده است، حتی اگر نماز های پنج گانه را با پنج وضوء انجام داد و بعد یقین حاصل کرد که بعد از یکی از طهارت ها حدثی باطل کننده وضوء از او واقع شده تکلیف او این است که سه نماز را تکرار کند یک نماز سه رکعتی و یک نماز دو رکعتی و یک نماز چهار رکعتی.

اما احکام غسل: در آن واجب و مستحب وجود دارد.

شش غسل واجب است: غسل جنابت، حیض، استحاضه ای که خون آن پنبه را سوراخ کند، نفاس بعد از زایمان، دست زدن به مرده ای که قبل از غسل بدنش سرد شده باشد، غسل مردگان.

بیان احکام غسل در پنج بخش خواهد آمد.

بخش اول: جنابت.

در جنابت سه امر وجود دارد: سبب جنابت، احکام جنابت و غسل آن.

سبب جنابت دو مورد است:

خارج شدن منی: اگر کسی بداند که از او منی خارج شده است یعنی مایعی از بدن او با فشار و همراه با لذت و سستی بدن خارج شود غسل بر او واجب می گردد. اگر فرد بیمار باشد لذت و سستی کفایت می کند و آنچه خارج شده منی است. و اگر با فشار و لذت همراه نباشد حتی اگر احتمال دهد منی است غسل واجب نمی گردد.

اگر فرد روی بدن و یا لباس خود منی بیابد در صورتی که کسی در پوشیدن آن با او شریک نیست غسل واجب می گردد. زن نیز اگر از او منی خارج شود غسل بر او واجب می گردد.

جماع: اگر کسی با زنی از فرج آن زن جماع کند با ورود آلت تا محل ختنگاه غسل بر هر دو واجب می گردد حتی اگر زن مرده باشد. اگر از مقعد نزدیکی کند حتی بدون خارج

شدن منی غسل واجب می شود. اگر العیاذ بالله کسی عمل قوم لوط (که لعنت خدا بر آنان و هر کس که عمل آنها را مرتکب می شود، باد) را انجام داد بدون خارج شدن منی غسل بر او واجب می گردد. اگر کسی با حیوانی نزدیکی کند نیز بدون خارج شدن منی غسل بر او واجب می گردد.

تبصره: غسل بر کافر هنگام وجود سبب واجب می گردد اما انجام آن در حالت کفر صحت ندارد اما اگر مسلمان شد بر او اعمال غسل واجب می شود و صحیح است. و اگر غسل نمود و دوباره مرتد شد سپس دوباره مسلمان شد غسل صحیح است.

و اما حکم: بر فرد جنب حرام است که: خواند همه یا بخشی از یکی از سوره های عزائم (سوره هایی که سجده ی واجب دارند) حتی بسم الله اگر نیتش این سوره ها باشد. دست زدن به قرآن و نوشته های آن و لمس کردن آنچه نام خدا یا یکی از پیامبران و یا اوصیاء بر آن نوشته شده باشد، نشستن در مسجد و یا گذاشتن چیزی در آنها، عبور کردن از مسجد الحرام و مسجد پیامبر ﷺ در مدینه، اگر فردی در مسجد الحرام و یا مسجد النبی جنب شد باید تیمم کند بعد از آنها خارج گردد.

برای جنب مکروه است که بخورد و بیاشامد و کراهت خوردن و آشامیدن با مضمضه و شستن دهان کمتر می شود. خواندن بیش از هفت آیه از قرآن غیر از سوره های دارای سجده واجب، مکروه است. خواندن بیش از هفتاد آیه کراهت را شدید می کند. لمس کردن کتاب قرآن و خواب بدون وضوء و تیمم برای جنب مکروه است، همچنین خضاب کردن.^(۶)

و اما غسل: در غسل پنج مورد واجب است: نخست نیت و باقی ماندن بر نیت تا پایان اعمال غسل، شستن پوست بدن بدان گونه که به آن شستن گفته شود و رساندن آب به جایی که به خودی خود آب به آنجا نمی رسد، ترتیب یعنی این که نخست سر را بشورد بعد باقی بدن و بهتر است که سمت راست بدن را بشورد و بعد سمت چپ ولی ترتیب میان آنها واجب نیست، ترتیب با یک بار ارتماس یعنی فرو رفتن در آب ساقط می شود.

۶. حنا بستن و رنگ کردن ریش و موی سر.

سنت های غسل: نخست نیت هنگام شستن دستها و وقت نیت با شستن سر تنگ می شود. گذراندن دست بر بدن در هنگام غسل برای رساند آب بر تمامی اعضای بدن، ادرار کردن قبل از غسل و استبراء نمودن.

استبراء نمودن بدین ترتیب است: با دست از مقعد تا ریشه آلت مرد سه بار مالیده شود بعد از آن از پایین آلت تا حشفه و سر آلت سه بار دست مالیده شود و بعد از آن آلت را سه بار بکشد و تکان دهد.

دیگر مستحبات غسل شستن دستها سه بار، مضمضه، استنشاق و غسل نمودن با یک صاع (سه لیتر آب) است.

سه مسئله:

اول: اگر غسل کننده بعد از غسل رطوبتی ببیند، اگر قبل از غسل ادرار کرده و استبراء نموده غسل را تکرار نمی کند ولی اگر بول و استبراء نکرده بود باید مجدداً غسل کند.

دوم: اگر مقداری از بدن را غسل نمود و حادثی واقع نمود که غسل را باطل می کند باید مجدداً از سر شروع کند، دائم الحدث باید بعد از غسل برای طهارت وضوء بگیرد اگر آنقدر وقت نداشته باشد که مجدداً غسل کند و حادثی از او صادر نگردد.

سوم: کسی نمی تواند دیگری را غسل کند و غسل دادن دیگری باطل است مگر در حالت اجبار. کمک گرفتن در غسل مکروه است.

بخش دوم: حیض.

مشتمل بر بیان حیض و آنچه به سبب آن واجب می گردد، می باشد:

نخست: حیض خونی است که به سبب تمام شدن مدت معین در زن دیده می شود (خون عادت ماهیانه) و برای کم آن حد وجود دارد. خون حیض معمولاً تیره بوده و با سوزش خارج می شود و ممکن است خون حیض و بکارت اشتباه گرفته شوند لذا زن باید به پنبه ای که در مجرا قرار می دهد بنگرد اگر خون به شکل حلقه بود خون بکارت است.

آنچه دختر قبل از سن نه سالگی ببیند حکم خون حیض را ندارد.

کمترین مقدار حیض سه روز و بیشترین آن ده روز است. کمترین میزان طهارت نیز سه روز است و حدی برای بیشتر از آن نیست. در حیض متوالی بودن سه روز شرط است. آنچه زن بعد از یائسگی می بیند حیض نیست. زن اگر قریشی بود تا شصت سالگی یائسه می گردد و دیگر زنان در پنجاه سالگی.

خونی که زن کم تر از سه روز ببیند حیض نیست چه اولین بار باشد و چه زن صاحب عادت ماهانه باشد. آنچه را زن بین سه روز تا ده روز ببیند اگر ممکن باشد که حیض است همانا حیض فرض می گردد و باید احکام حیض را به جا بیاورد و فرقی نمی کند که شکل خون شبیه هم باشد یا فرق کند.

زن این گونه صاحب عادت می شود که یک بار خون ببیند و بعد تا کمترین مدت طهارت پاک شود و بعد دوباره با همان فاصله زمانی خون ببیند. اختلاف در شکل و رنگ خون دلیل بر حیض نبودن نیست.

پنج مسئله:

اول: زن دارای عادت معین با دیدن خون باید نماز و روزه را ترک کند. دختری که برای اولین بار حیض می بیند اگر مطمئن شد حیض است باید عبادات را ترک کند ولی در غیر این صورت باید صبر کند تا سه روز بگذرد بعد عبادات را ترک نماید.

دوم: اگر سه روز خون ببیند و بعد قطع گردد و قبل از روز دهم دوباره خون ببیند همه این مدت یک حیض حساب می گردد، ولی اگر از ده روز بیشتر شد باید به تفصیلی که ذکر خواهیم کرد مراجعه کند. اگر ده روز بگذرد و خون ببیند همانا که ده روز اول یک حیض منفرد است و آنچه در بیش از ده روز دیده ممکن است حیض دیگری باشد.

سوم: اگر خون قبل از ده روز قطع شد بر زن است که با پنبه خود را استبراء کند، اگر پنبه پاک بود باید غسل کند و اگر به خون آغشته شد دختر مبتدئه^(۷) باید صبر کند تا ده روز کامل گردد. زن صاحب عادت مشخص تا سه روز بعد از عادت خود صبر کند بعد غسل کند اگر تا ده روز خون دیدن استمرار بیابد و بعد قطع شد روزه آن روز را باید قضاء کند. و اگر بیش از این بود هر آنچه را که به جا آورده است کفایت می کند.

۷. کسی که برای اولین بار حیض می بیند.

چهارم: اگر زن از حیض پاک شد شوهر می تواند قبل از غسل با او نزدیکی کند گر چه این عمل مکروه است.

پنجم: اگر وقت نماز داخل شود و زن حیض ببیند اگر به مقدار طهارت و اقامه نماز باشد قضاء بر او واجب می گردد. و اگر قبل از ورود وقت نماز باشد قضاء واجب نیست. اگر زن در آخر وقت نماز پاک شود به گونه ای که از وقت نماز به مقدار طهارت و یک رکعت نماز باقی مانده باشد ادای نماز واجب است و اگر انجام ندهد باید قضای آن را به جا آورد.

متعلقات حیض، هشت مورد است:

اول: هر آنچه در آن طهارت واجب باشد، بر زنی که حیض می بیند، حرام می گردد، مانند نماز و طواف و لمس نوشته های قرآن. حمل کردن مصحف و حاشیه قرآن برای زنی که حیض می بیند مکروه است. این زن حتی اگر وضوء بگیرد و یا غسل کند نیز پاک نمی شود.

دوم: روزه زنی که حیض می بیند صحیح نیست.

سوم: زنی که حیض می بیند نباید در مسجد بنشیند اما گذشتن او از مسجد مکروه است.

چهارم: چنین زنی نباید سوره های عزائم (سوره هایی که سجده ی واجب دارند را) بخواند و خواندن باقی آیات و سوره های قرآن برای او مکروه است. چنین زنی اگر آیه ای که سجده دارد را بخواند یا بشنود باید سجده کند.

پنجم: بر شوهر زنی که در حیض است نزدیکی با او حرام است تا زمانی که پاک شود. اما لذت بردن از دیگر اعضای او جز فرج اشکالی ندارد. اگر مرد عمداً با زن نزدیکی کند باید کفاره دهد. کفاره نیز در اوایل ایام حیض یک دینار طلا (معادل یک مثقال طلا ۱۸ عیار) و در وسط روزهای عادت ماهانه نصف دینار و در آخر ایام دیدن خون ربع دینار است اگر در زمانی نزدیکی را تکرار کند که کفاره تکرار نشود، دادن کفاره تکرار نمی شود اما اگر نزدیکی را در زمانی تکرار کند که مقدار کفاره تغییر می کند کفاره دادن را باید تکرار کند. (یعنی اگر در اوایل ایام عادت ماهانه دوبار نزدیکی کند فقط یک کفاره می دهد ولی اگر یک

بار در اوایل ایام حیض نزدیکی کند و باز در آخر ایام حیض باز نزدیکی کند هر دو کفاره را باید بدهد).

ششم: طلاق دادن زنی که در حال حیض است و از سوی شوهر در او دخول واقع شده است و شوهرش حاضر است، صحیح نیست و باطل است.

هفتم: اگر زن از خون حیض پاک شد باید غسل کند و کیفیت آن مانند غسل جنابت است. مستحب است که یا قبل و یا بعد از غسل وضوء بگیرد. قضای نماز های روزانه بر زن در حال حیض واجب نیست ولی قضای روزه واجب است.

هشتم: مستحب است که زن در حین عادت ماهیانه خود به هنگام وجوب نماز وضوء بگیرد و به اندازه زمانی که در حالت عادی به نماز می ایستد در محل نماز و سجاده خود بایستد و ذکر خدا کند. خضاب بر زن در حالت حیض مکروه است.

فصل سوم: در استحاضه.

مشمول بر انواع استحاضه و احکام آن.

اولاً: خون استحاضه - غالباً - زرد رنگ، سرد، رقیق و به آرامی خارج می شود. خون حیض هم ممکن است همین اوصاف را داشته باشد. اگر در ایام حیض اوصاف خون چنین باشد حیض حساب می شود و اگر در ایام پاکی باشد پاکی است.

هر خونی که زن کمتر از سه روز ببیند و دلیل آن زخم نباشد خون استحاضه است. همین گونه است خونی که بیشتر از عادت و بیشتر از ده روز باشد. خونی که بیشتر از ایام نفاس باشد و علائم حیض را نداشته باشد، خونی که همراه حمل و بارداری باشد و خونی که قبل از بلوغ و بعد از یائسگی خارج شود همه استحاضه است.

زنی که خون دیدنش بیشتر از ده روز باشد و از آن دسته زنانی است که عادت ماهیانه دارد، ایام حیضش و ایام پاکیش با هم مخلوط شده است یا مبتدئه است یا دارای عادت مستقر است و یا مضطربه.

زن مبتدئه: به رنگ خون و علائم آن بنگرد، آنچه دارای علائم خون حیض است برای او حیض حساب می شود و آنچه شبیه استحاضه باشد، استحاضه است، به شرطی که آنچه شبیه

خون حیض است از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد. اگر این مقدار کم و زیاد شود و یا رنگ آن تغییر نکند، و یا یکی از شرطهای حیض در آن تحقق نیابد به زنان فامیل نزدیک خود بنگرد اگر شبیه او بودند مانند آنها عمل کند و اگر شبیه آنها نبود مقدار حیض خود را در هر ماه هفت روز قرار دهد.

زن دارای عادت مستقر: عادت ماهیانه خود را حیض قرار دهد و ما بقی را استحاضه قرار دهد. اگر میان حیض و استحاضه او در هم خوردن پیش آمد باید بر عادت خود عمل کند.

در این مورد مسائل وجود دارند:

اول: اگر زنی که داری عادت ماهیانه مستقر است ببیند که عدد روزهای حیض بر زمان آن تأخیر یا پیشی یابد حیض خود را بر عدد ایام قرار دهد و به زمان آن اعتناء نکند چون ممکن است عادت زودتر و یا دیرتر اتفاق بیفتد چه خون را به رنگ حیض ببیند یا نبیند.

دوم: اگر قبل از ایام عادت ماهانه خون ببیند و بعد عادت واقع شود، اگر از ده روز بیشتر نباشد همه را حیض قرار دهد. اما اگر بیشتر بود عادت همیشگی خود را حیض قرار دهد و ایام قبل از آن را استحاضه قرار دهد. اگر زن عادت ماهانه خود را ببیند و بعد از آن نیز خون ببیند نیز همین حکم را دارد. در صورتی که تعداد ایام از ده روز بیشتر قبل و بعد از عادت ماهانه خون ببیند عادت هر ماه خود را حیض، و قبل و بعد از عادت ماهانه را استحاضه قرار دهد.

سوم: اگر عادت ماهانه زن در هر ماه یکبار تعداد ایام معینی باشد اگر در یک ماه دو بار به تعداد ایام معین شده خون ببیند و بین این دو کمترین مدت پاکی یا بیشتر از آن این دو حیض می باشد و اگر در هر بار بیشتر از مدت معین باشد هر دو حیض می باشد. به شرطی که از ده روز بیشتر نباشد. اگر از مدت معین بیشتر شود به اندازه عادت همیشگی حیض حساب می شود و ما باقی ایام را استحاضه بشمارد.

اما مضطربه: عادت زن مضطربه باید بر اساس تمیز عمل کند، اگر مطمئن شود که خون حیض است باید عبادت را ترک کند و گرنه نباید نماز را تا گذشتن سه روز و اطمینان از حیض ترک کند، اما اگر تمیز از بین برود، سه مسئله وجود دارد:

اول: اگر تعداد ایام حیض را بیاد داشته باشد ولی زمان هر ماه را فراموش کند اولین روز خون دیدن خود را روز اول حیض قرار دهد و به تعداد ایام خود بشمارد و ما بقی را استحاضه حساب کند.

دوم: اگر وقت عادت ماهانه خود را بیاد داشته باشد ولی تعداد ایام را فراموش کند، اگر اولین روز خون دیدن خود را بیاد بیاورد باید خود را با زنان نزدیک خود (فامیل) مقایسه کند و عادت خود را کامل کند و اگر شبیه آنها نبود هفت روز حیض بگیرد. بقیه ی ایام را استحاضه بشمارد و به تکلیف خود عمل کند. این زن باید روزه ی خود را فقط در مورد روزهایی که حیض قرار داده قضاء کند.

سوم: اگر هر دو را هم عدد و هم وقت عادت خود را فراموش کند این زن را با زنان نزدیک خود (فامیل) مقایسه کند و عادت خود را کامل کند، اگر شبیه آنها بود مانند آنها عمل کند و اگر نبود هفت روز را حیض حساب کند مدام که این امر ادامه دارد.

اما احکام خون استحاضه، می گوئیم:

خون استحاضه ممکن است پنبه را آغشته نکند و از آن نگذرد و یا از پنبه می گذرد ولی جریان پیدا نمی کند و یا هم از پنبه می گذرد و هم جریان می یابد.

در نوع اول: بر زن تکلیف است که برای نماز پنبه را عوض کند و برای هر نماز تجدید وضوء کند. می تواند با یک وضوء دو نماز را با هم بخواند.

در نوع دوم: بر این زن لازم است هم پنبه داخل مجرا و هم پارچه بیرون را تغییر دهد و برای نماز صبح غسل کند.

نوع سوم: دو غسل بر چنین زنی واجب است یک غسل برای نماز ظهر و عصر که باید هر دو نماز را با هم جمع کند و بدون فاصله بخواند و یک غسل برای نماز مغرب و عشاء که باید آنها را با هم بخواند، اگر چنین کند در حکم پاک بودن است. اگر در غسل ها اشتباه کند نماز و روزه او باطل می شود.

بخش چهارم: نفاس.

نفاس: خون هنگام زایمان است و برای مقدار کم آن حدی نیست و ممکن است یک لحظه باشد. اگر زن زایمان کند و خون نبیند برای این زن نفاس نیست. و اگر قبل از زایمان خون ببیند پاک است و نهایت مدت خون نفاس ده روز است. اگر زن به دو قلو یا بیشتر بار دار بود و با فاصله زایمان کرد با تولد اولین فرزند احکام نفاس بر او واجب می گردد ولی باید ده روز را از تولد آخرین نوزاد بشمارد.

اگر زن زایمان کند و خون نبیند و روز دهم خون ببیند این خون نفاس خواهد بود. اگر بعد از زایمان خون ببیند سپس پاک شود و بعد در روز دهم یا قبل از آن دوباره خون ببیند کل این مدت نفاس است.

اگر خون بعد از ده روز ادامه یابد اگر اوصاف استحاضه داشته باشد، استحاضه است و گر نه خون حیض است. اگر عادت مشخص داشته باشد باید حیض بگیرد و اگر نه باید به زنان شبیه خون بنگرد یا یک هفته حیض بگیرد. اگر باز خون دیدن ادامه بیابد سه روز صبر کند سپس استحاضه بگیرد.

هر چه بر زنی که حیض می بیند حرام است بر زن در حال نفاس نیز حرام است، همچنین مکروهات، زنی که در حال نفاس است را نمی شود طلاق داد. احکام غسل آن نیز مانند حیض است.

فصل پنجم: احکام اموات.

پنج حکم دارد:

اول: احتضار:

واجبات احتضار این است که فرد محتضر را رو به قبله قرار داد روی کمرخوابانده شود به گونه ای که صورت و کف پاها رو به قبله باشد و آن واجبی کفائی^(۸) می باشد.

۸. واجب کفایی، واجبی است که در مورد آن غرضی وجود دارد که باید آن غرض با انجام دادن شخص یا گروهی تأمین شود و چنانچه آن غرض تأمین شد و برخی افراد آن کار را انجام دادند، از دیگران ساقط می شود؛ مانند نماز میت و کفن و دفن میت.

تلقین شهادتین و اقرار به پیامبر ﷺ و امامان ﷺ و مهدیین ﷺ و کلمات فرج و انتقال او به محل نماز و گذاشتن چراغ و منبع نور اگر شب باشد و قرائت قرآن برای فرد محتضر مستحب است.

اگر محتضر بمیرد باید چشمانش و دهانش را بست و دست هایش را دراز نمود و با پارچه ای او را پوشاند. در آماده کردن مرده باید تعجیل نمود مگر این که امری مشتبّه باشد. برای تأکید از مرگ باید علامات مرگ را واری نمود یا این که سه روز صبر کرد بعد او را دفن نمود، و گذاشتن فلز روی شکم آن. و حضور جنّب و زن در حال حیض نزد مرده مکروه است.

دوم: در احکام غسل.

غسل و تکفین و نماز میت و دفن از وجه کفایت واجب است. مقدم ترین فرد به انجام واجبات میت نزدیک ترین فرد به او از جهت میراث است. اگر صاحبان میراث هم مرد و زن باشند مردان از زنان مقدم ترند تا امور مرده را انجام دهند. زوج نیز نسبت به زوجه خود در همه امور از دیگران مقدم تر است.

جایز است که کافر، مسلمانی را غسل دهد اگر هیچ مرد مسلمانی یا هیچ زن محرم مسلمانی نزدش نباشد. همین گونه است که زن کافر زن مسلمانی را غسل دهد اگر زن مسلمانی و یا مرد محرم مسلمانی نزدش نباشد.

مرد می تواند زنان محرم خود را از پس لباس غسل دهد. اگر زن مسلمان نباشد می تواند هنگام غسل صورت و ظاهر و باطن پاها را ببیند. زن مسلمان هم می تواند مانند مرد عمل کند و اگر مسلمان نباشد زن می تواند از ناف تا سینه و از زانو به پایین را هنگام غسل مرد ببیند.

مرد نا محرم نمی تواند زنی را غسل دهد مگر این که سن مرده زیر سه سال باشد و زن نا محرم هم نمی تواند مردی را غسل دهد مگر عمر مرده زیر پنج سال باشد، در این حالت می توان هنگام غسل تمام بدن مرده را دید.

هر کس که شهادتین را بر زبان جاری می کند حتی اگر پایبند به حق نباشد نیز باید غسل داده شود، جز خوارج، غلات و نواصب، این سه گروه را نباید غسل داد.

شهیدی که در میدان جنگ و در حضور امام کشته شود غسل داده نمی شود و کفن نمی شود اما باید بر او نماز خواند. همچنین کسی که باید کشته شود و محکوم به مرگ است باید قبل از مرگ غسل کند و بعد از مرگ غسل داده نمی شود.

اگر از جسد مرده مقداری باقی مانده باشد که سینه جز آن است یا فقط سینه باقی مانده باشد باید غسل داده شود و کفن گردد و بر آن نماز گذارده شود و دفن شود. اگر این گونه نبود و سینه یافت نشد اجزاء یافت شده را باید در پارچه ای پیچید و دفن کرد. جنین سقط شده نیز اگر روح داشت یا از چهار ماه بیشتر داشت باید غسل و کفن و نماز بر آن خواند در غیر این صورت یعنی اگر روح نداشت یا کم تر از چهار ماه بود اما در بدنش استخوان بود باید در پارچه ای پیچیده شود و دفن گردد.

اگر نزد مرده مرد مسلمان یا کافر یا زن نا محرمی نبود زن کافر نباید او را غسل دهد و زن مسلمان نا محرم فقط می تواند بر او آب بریزد و بر قسمت ناف تا زانوها از پس لباس آب بریزد سپس او را با کافور حنوط کند و دفن نماید.

اما زن مسلمان اگر مسلمان نا محرم خواست او را غسل دهد فقط باید آب را بر صورت و دستها و پاهایش (آنچه در وضوء شسته می شود) بریزد و او را با کافور حنوط کند و دفن نماید.

و باید: هر گونه نجاست از بدن میت از بین برده شود، بعد از شستن میت با آب مخلوط با سدر است و باید همانند غسل جنابت از سر میت آغاز نمود و بعد سمت راست بدن و بعد سمت چپ بدن را شست. کمترین مقدار سدر در آب آن است که به آن مخلوط آب و سدر بتوان گفت. بعد باید با آب و کافور مرده را به همان ترتیب غسل داد. بار سوم باید با آب خالص مرده را غسل نمود. وضوء دادن مرده مستحب است. جایز نیست هیچ کدام از مراحل غسل را کم نمود مگر ضرورتی باشد. در صورتی که سدر و کافور موجود نباشد مرده را یک بار با آب خالص باید غسل داد، ولی سه بار شستن میت بهتر است.

اگر به دلیل سوختگی و یا بیماری احتمال داده شود که پوست مرده متلاشی شود نباید مرده را غسل داد بلکه مانند زنده عاجز از وضوء و غسل، باید او را تیمم داد.

سنت های غسل میت: مستحب است که مرده را بر تخت و جای بلند و رو به قبله غسل داد. نیز مستحب است که در سایه مرده را غسل داد. پس آب غسل میت را نیز مستحب است در گودالی جمع نمود. و انداختن آب غسل به توالی مکروه می باشد. انداختن آب غسل به فاضلاب اشکالی ندارد. باز کردن لباس و خارج کردن آن از قسمت پایین بدن و پوشاندن عورت میت و نرم نمودن انگشتان نیز مستحب است.

مستحب است قبل از غسل، سر میت را با کف سدر شست و عورت میت و آلت تناسلی او باید با سدر و شنان^(۹) یا با صابون بدون عطر شسته شود. شستن دستان قبل از غسل نیز مستحب است.

مستحب است غسل را از سمت راست سر آغاز نمود و هر عضو را سه بار شست. مستحب است سه بار دست بر شکم میت کشیده شود (تا فضولات داخل شکم خالی شود) مگر این که مرده زن باردار باشد (در این صورت نباید دست بر شکم کشید).

مستحب است که غسل دهنده میت نیز در سمت راست مرده قرار بگیرد و با هر بار غسل دهنده دست های خود را بشوید بعد بدن میت را بعد از اتمام غسل با پارچه ای خشک کند.

مکروه است هنگام غسل مرده را بنشانند، یا مرده میان پاهای شخص شوینده قرار بگیرد، نیز چیدن ناخن مرده و موی سر او و در جهت خلاف بدن شستن میت مکروه است.

اگر غسل عادی ممکن نباشد در صورت اجبار غسل دادن میت مانند اهل خلاف (اهل سنت) مجاز است.

کفن کردن:

میت واجب است در سه قطعه پارچه کفن گردد. یک قطعه برای دور عورت از ناف تا زانو و یک قطعه برای پوشاندن تن و یک قطعه برای کل بدن، در صورت اجبار یک قطعه کفایت می کند. کفن کردن میت با حریر جایز نیست.

واجب است بر مساجد (مواضع هفتگانه سجود) به میت به قدر امکان کافور مالیده شود، مگر این که مرده مُحرم (در احرام حج) باشد، در این صورت نباید کافور بر بدن او مالید.

کمترین مقدار کافور یک درهم است و بهتر از آن چهار درهم کافور بر بدن میت مالیده شود، اما کامل ترین مقدار کافور سیزده و یک سوم درهم است. در هنگام ضرورت مرده را بدون حنوط یا همان مالیدن کافور دفن کرد. حنوط کردن جز با کافور یا ذریره^(۱۰) صحیح نیست.

و سنت های کفن کردن: مستحب است غسل دهنده میت قبل از کفن کردن، غسل کند یا وضوء بگیرد. به کفن مرد می توان حبره^(۱۱) اضافه نمود هم چنین پارچه ای برای بستن ران ها که باید طول آن حد اقل سه ذراع و نیم باشد در عرض تقریباً یک وجب. نخست باید میان ران ها و آلت مرد مقداری پنبه گذاشت بعد از بالای مثانه به سمت پایین را با آن پارچه محکم بست. اگر احتمال خروج چیزی از مقعد مرده را می دهد باید با مقداری پنبه مقعد را پر کرد. می توان پارچه ای را به عنوان سر بند و عمامه به کفن مرد افزود به گونه ای که پارچه را دور سر بست بعد از زیر چانه گذراند و صورت را با آن پیچاند تا دو طرف پارچه را روی سینه قرار داد. به کفن زن نیز می توان پارچه ای برای بستن سینه و پستان هایش اضافه کرد. به جای عمامه می توان برای زن رو بند اضافه کرد.

کفن باید از پنبه باشد و روی آن و بالا پوش میت یا همان حبره ذریره ریخت. می توان روی بالا پوش و پیراهن کفن و دو ساقه نخل همراه میت نام او و شهادتین را نوشت. بهتر است روی بالا پوش کفن با خاک کربلاء و در صورت موجود نبودن مهر کربلاء با رنگ شهادتین و اعلام حقانیت اهل بیت و مهدیین علیهم السلام و تعداد آنها و نام امام زمان خود که با اوست که جزء مسلمانان محسوب می شود را بنویسد. در صورت نبودن حبره از پارچه دیگری استفاده شود.

برای بستن کفن باید از خود کفن ریسمان و بند درست کرد. نباید بندهای کفن با آب دهان (هنگام بستن) آغشته شود. همراه میت می توان دو شاخه نخل و اگر نبود دو شاخه از درخت سدر و اگر نبود دو شاخه سبز و مرطوب گذارد بدین صورت که در سمت راست

۱۰. نوعی عطر.

۱۱. یک پارچه بلند که زر بافت نباشد و بعد از کفن دادن، مرده را باید با آن کاملاً پوشاند.

مرده شاخه را به شانه بچسباند طوری که با پوست بدن میت تماس داشته باشد و دیگری در سمت چپ بین پیراهن کفن و ازار^(۱۲) قرار گیرد.

مستحب است کافور را با دست خورد کنند و باقی مانده کافور بعد از حنوط را بر سینه میت بریزد. مستحب است بالاترین قسمت کفن را نخست از چپ به راست و بعد از راست به چپ بست.

مکروه است: که کفن از کتان باشد، یا برای کفن آستین گذارد و یا با رنگ مشکی چیزی روی کفن نوشت و یا این که روی گوش و چشم مرده کافور مالید.

سه مسئله:

اول: اگر از مرده بعد از غسل، نجاست خارج شد اگر با بدن و یا کفن تماس یافت باید با آب شسته شود و اگر هنگام گذاشتن میت در قبر از او نجاست خارج شد و کفن را آلوده کرد فقط همان قسمت نجس را باید برید [و نیاز به شستن ندارد].

دوم: کفن زن به گردن شوهر است حتی اگر مال فراوان داشته باشد. آنچه بر مرد لازم است واجبات کفن است. برای مرد نیز باید از اصل مال او قبل از دادن بدهی و انجام وصیت (و تقسیم ارث) او برداشت.

اگر مرده مالی نداشته باشد که با آن کفن تهیه نمود نمی توان او را بصورت عریان دفن کرد و بر مسلمانان واجب می گردد تا برای او کفن تهیه کنند. مستحب است که سدر و کافور را نیز آنان تهیه کنند.

سوم: اگر مو یا چیزی از بدن میت بیفتد واجب است که همراه میت در کفن گذارده شود.

چهارم: احکام دفن

این کار مقدماتی دارد که مستحب هستند:

این که تشییع کننده پشت جنازه حرکت کند یا در کنار آن، و این که میت را از چهار سو حمل کنند به گونه ای که نخست سمت راست را بلند نمایند بعد از آن از پشت جنازه بگذرد و سمت چپ را نیز بلند کنند.

مستحب است مؤمنین از مرگ مؤمن با خبر شوند.

اگر فردی جنازه را ببیند باید بگوید: الحمد لله الذي لم يجعلني من السواد المخترم، یعنی سپاس خداوند را که مرا جز سیاهی نابود شده قرار نداد.

مستحب است مرد را هنگام رسیدن به قبر از سمت پا بر زمین بگذارند و زن را از سمت قبله و جنازه را در سه مرحله وارد قبر کنند. مرد را باید از سمت سر وارد قبر نمود و زن را از عرض بدن.

کسی که جنازه را در قبر قرار می دهد باید پا برهنه باشد و کفن از قسمت سر و تمام بندها را باز کند. مکروه است این کار را نزدیکان میت انجام دهند مگر این که مرده زن باشد که باید همسر یا یکی از محارم او جنازه اش را وارد قبر کند و مستحب است هنگام گذاشتن میت دعاء کرد.

واجبات خاک سپاری: میت را در زمین خاک کنند و اگر در دریا بود باید مرده را در ظرفی مناسب مانند چلیک و شبیه آن گذاشت و آن را سنگین کرد و به دریا انداخت اگر رسیدن به خشکی مشکل باشد.

واجب است میت را رو به قبله و بر پهلوی راست دفن شود و اگر زنی غیر مسلمان از مسلمانی بردار باشد و بمیرد باید پشت به قبله در قبر گذارده شود (تا جنین رو به قبله قرار گیرد).

مستحبات دفن: مستحب است که عمق قبر به اندازه قامت مرد باشد یا حد اقل تا شانه باشد و لحد به سوی قبله قرار گیرد. مستحب است بند کفن را از قسمت سر و پا باز کرد. مستحب است مقداری مهر نماز از خاک کربلاء همراه میت قرار داد. تلقین کردن و دعاء برای میت مستحب است.

مستحب است روی قبر میت را با خشت (یا بلوک و شبیه آن) بست و گل گرفت. دفن کننده باید از سمت پاهای میت از قبر خارج شود.

مستحب است حاضرین با پشت دست ها خاک را در قبر بریزند و هنگام این کار انا لله و انا الیه راجعون بگویند.

مستحب است ارتفاع قبر چهار انگشت از سطح زمین باشد و خاک اطراف قبر جمع گردد و بصورت چهار گوش باشد.

مستحب است از سمت سر بر قبر آب ریخت و دور آن را مرطوب کرد اگر چیزی از آب باقی ماند مستحب است بر وسط قبر آب ریخته شود.

مستحب است دست بر قبر نهاد و بر مرده ترحم نمود. مستحب است ولی و قیم میت بعد از رفتن مردم از کنار قبر او را با صدای بلند دوباره تلقین کند.

مراسم فاتحه خوانی قبل از خاکسپاری و بعد از آن مستحب است و کمترین مقدار آن این است که به صاحب عزاء تسلیت گفت.

مکروه است که قبر را با ساج (چادر سبز و یا سیاه معمولاً ابریشمی) فرش کرد مگر در حالت ضرورت.

مکروه است که نزدیکان میت هنگام دفن خاک را بر جنازه بریزند.

تجدید بنای قبر و گچ کاری و دفن دو مرده در یک قبر مکروه است. منتقل کردن مرده از جایی به جایی دیگر مکروه است مگر به یکی از مشاهد ائمه علیهم السلام.

تکیه دادن و راه رفتن روی قبر هم مکروه است.

پنجم: در ملحقات آن.

و آن چهار مسئله هستند:

اول: نبش قبر و منتقل کردن میت بعد از خاک سپاری جائز نیست. پاره کردن لباس مگر بر پدر و برادر مجاز نیست.

دوم: شهید با لباس هایش چه به خون آغشته باشند یا نباشند دفن می شود ولی لوازم زره و مشابه (پای پوش و بالا پوش) آن را باید از او جدا نمود.

فرقی نمی کند که شهید با اسلحه کشته شده باشد یا چیزی دیگر.

سوم: حکم کودک و دیوانه اگر شهید شوند حکم بالغ عاقل است.

چهارم: اگر جنین در شکم مادر بمیرد باید او را تکه تکه نمود و جسمش را خارج نمود. اگر زن باردار بمیرد باید سمت چپ شکم زن را شکافت و بعد از خارج کردن نوزاد محل شکاف را دوخت.

غسل های مستحب:

غسل های مستحب سی غسل هستند:

هفده غسل زمان معین دارند: غسل روز جمعه که وقت آن از طلوع فجر تا زوال آفتاب است. و هر چه به زوال نزدیک تر باشد بهتر است. می توان در غسل تعجیل کرد و به دلیل ترس از نداشتن آب در روز پنج شنبه غسل نمود و یا قضای آن را در شنبه به جا آورد. شش غسل در ماه رمضان: شب اول و شب نیمه ی ماه و شب هفدهم و شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم، شب عید فطر و روز عید فطر. غسل روز عرفه و روز عید قربان، روز غدیر و روز مباحله و روز ترویبه و شب نیمه ماه رجب و شب بیست و هفتم آن و غسل شب نیمه شعبان، نیز مستحب هستند. هشت غسل که به خاطر عملی مستحب می گردند: غسل احرام و غسل زیارت پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام، غسل کسی که بخواهد نماز آیات را قضاء کند در صورتی که عامل وجوب را دیده باشد و به موقع نماز را اقامه ننموده است، غسل توبه چه از گناه باشد چه از کفر، غسل نماز حاجت و نماز استخاره و نماز طلب باران.

پنج غسل هم به دلیل مکان مستحب است:

غسل درود به حرم و مسجد الحرام و کعبه و مدینه و مسجد النبی ﷺ.

چهار مسئله:

اول: غسلی که به دلیل عمل و مکان مستحب می شود باید قبل از عمل انجام شود. غسلی که به دلیل زمان مستحب می گردد باید بعد از وارد شدن در وقت آن انجام شود.

دوم: اگر چند غسل مستحب با هم، همزمان شوند همه را با نیت قربت به خدا و با یک بار غسل باید به جا آورد.

سوم: کسی که از روی عمد برود تا به دار آویخته شدن کسی را ببیند مستحب است بعد از سه روز غسل کند.

چهارم: غسل دادن نوزاد نیز مستحب است. بعد از این غسل دیگر احتیاجی به وضوء گرفتن نیست. و بهتر است هنگام غسل و بعد از آن این ذکر را بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد الأئمة و المهديين الطيبين الطاهرين و طهر قلبي من الشک و الشرك و الظلمه و الخبائث.



رکن سوم: طهارت با خاک (تیمم)

این احکام چهار قسمت دارد:

اول: آنچه تیمم را واجب می کند.

اول: در دسترس نبودن آب. در این صورت اگر زمین هموار باشد باید تا یک کیلو متر در هر چهار جهت به دنبال آب برود. اگر زمین ناهموار باشد پانصد متر در هر جهت باید برود. اگر در جستجوی آب کوتاهی کرد تا وقت نماز تنگ شود خطاء کرده است ولی باز تیمم و نماز او صحیح است. فرقی نمی کند که شخص اصلاً آب نداشته باشد یا مقدار آب برای یک طهارت کافی نیست.

دوم: عدم توان به دست آوردن آب از جهت خریدن. همانند نداشتن آب است. اگر خریدن آب در حال به او ضرر بزند نباید آب بخرد اما اگر تهیه آب در حال به او ضرر نزند باید آب را تهیه کند حتی اگر قیمت آن چندین برابر قیمت واقعی آن باشد. همچنین این حکم در مورد وسایل استخراج آب نیز صحیح است.

سوم: ترس. فرقی بین جایز بودن تیمم به دلیل ترس میان ترس از دزد و یا حیوان درنده و نابودی مال نیست. همچنین ترس از بیماری شدید و پاره شدن و ترک خوردن پوست و

التهاب آن به سبب سرمای شدید آب تیمم را مجاز می کند. همچنین اگر مقدار آبی که همراه دارد به مقداری باشد که اگر وضوء بگیرد بترسد که از تشنگی به او آسیبی برسد باید تیمم کند.

قسمت دوم: آنچه تیمم بر آن صحیح است.

هر آنچه که نام زمین به آن اطلاق می شود برای تمم کفایت می کند. تیمم بر فلزات و خاکستر و گیاهان پودر شده و آرد و خاک غصبی و نجس مجاز نیست. می توان بر زمین آهک و گچ و خاک قبر و خاکی که با آن تیمم شده باشد، تیمم بر خاک مخلوط با فلزات به شرطی که خاک بیشتر باشد مانعی ندارد. در صورتی که خاک وجود داشته باشد نمی توان با لجن و شبه آن تیمم کرد. تیمم بر شوره زار و شن زار مکروه است. مستحب است که بر ارتفاع و تپه تیمم نمود و در صورت نبود خاک فروان می توان بر گرد لباس و یا خاک زیر زین اسب و یا غبار یال اسب تیمم نمود در صورت نبود این ها می توان بر لجن تیمم کرد.

سوم: چگونگی تیمم.

تیمم قبل از داخل شدن وقت صحیح نیست، و با تنگ شدن وقت صحیح و مجاز می شود. صحت تیمم در هنگام وسعت وقت صحیح نمی باشد مگر اینکه از فراهم آوردن آب نا امید باشد یا طهارت با آب برای فرد بیمار ضرر داشته باشد.

واجب در تیمم: نخست نیت است و دوام بر آن تا پایان انجام عمل. دوم ترتیب است، یعنی باید دست ها را بر زمین بگذارد و بعد از محل رویش مو تا انتهای بینی دست ها را بر صورت بکشد، بعد دوباره دست ها را بر زمین بگذارد و پشت دست ها را با خاک مسح کند.

حتماً دو ضربه بر زمین زند یکی برای مسح صورت و یکی برای مسح دست ها هم در تیمم بجای وضوء هم در تیمم بجای غسل.

اگر کف دست ها قطع شده باشد مسح کف دست ها ساقط می شود و باید فقط پیشانی را مسح کند ولی اگر مقداری از کف دست قطع شده باشد باید باقی مانده کف دست را مسح نماید.

واجب است که توجه کند، اعضایی که باید در تیمم مسح گردند کاملاً با خاک مسح گردند در غیر این صورت تیمم باطل است.

مستحب است که دست ها را بعد از ضربه زدن بر زمین تکانید.

اگر تیمم کند و بر بدنش نجاست باشد، تیمم صحیح است. همان گونه که اگر با آب طهارت کند و بر بدن نجاستی باشد، وضوء صحیح است. اما در تیمم تنگی وقت باید لحاظ گردد.

چهارم: احکام تیمم.

تیمم ده حکم دارد:

اول: کسی که با تیمم نماز بخواند نمازش را تکرار نمی کند چه در سفر باشد و چه در محل زندگی خود.

دوم: جستجوی آب برای او واجب است، اگر در جستجوی آب کوتاهی کند و با تیمم نماز بخواند بعد نزد همراهان خود آب بیابد باید وضوء بگیرد و نماز بخواند.

سوم: در صورت نبود آب و یا عدم وجود آن چه بر آن تیمم نمود به دلیل زندانی بودن در مکانی نجس اداء و قضای نماز واجب از وی ساقط می شود و به جای آن باید در زمانی که نماز واجب می شود دعاء نمود.

چهارم: اگر فرد قبل از ورود به نماز آب بیابد باید وضوء بگیرد، اما اگر بعد از اتمام نماز آب بیابد لازم نیست نماز را از نو بخواند.

اگر به نماز ایستاد و آب یافت، اگر توانست بدون قطع نماز وضوء بگیرد باید طهارت کند و نماز را کامل کند اما اگر نتواند باید نماز را کامل کند حتی اگر فقط تکبیرة الإحرام را گفته باشد.

پنجم: هر آن چه با وضوء مباح می شود، با تیمم نیز مباح می گردد.

ششم: اگر مرده ای و کسی که نا پاک باشد وجنب با هم جمع گردند و آب موجود فقط یکی از آنها را کفایت می کند، اگر آب ملک یکی از آنها باشد به او اختصاص می یابد. اما اگر آب ملک همه آنها باشد و یا ملک کسی نباشد و یا این که مالک آن را بخشیده باشد، باید آب را به مرده و غسل آن اختصاص داد.

هفتم: شخص جنب اگر به جای غسل جنابت تیمم کند بعد حدثی اصغر از او واقع گردد باید دوباره به جای وضوء تیمم کند اگر نتواند وضوء بگیرد.

هشتم: اگر فرد بتواند از آب استفاده کند تیمم نقض می گردد ولی اگر دوباره آب را از دست دهد باید مجدداً تیمم کند. تیمم با تمام شدن وقت عبادت تا زمانی که از فرد حدثی سر نزند صحیح خواهد بود یا تا زمانی که آب بیابد.

نهم: اگر کسی بعضی از اعضایش بیمار باشد و نتواند آن ها را با آب بشورد و یا مسح کند می تواند تیمم کند ولی نباید گاهی اوقات وضوء بگیرد و گاهی تیمم کند.

دهم: می توان برای نماز جنازه با وجود آب، به نیت استحباب تیمم نمود ولی اقامه دیگر نماز ها ممکن نیست.



رکن چهارم: نجاسات و احکام آنها

انواع نجاستها:

نجاست ده نوع است:

اول و دوم: ادرار و مدفوع. ادرار و مدفوع هر حرام گوشتی نجس است اگر خون جهنده داشته باشد فرقی ندارد که نوع آن حرام گوشت باشد مانند شیر و پلنگ و یا صفت حرام گوشت بودن آن به علت باشد مانند حیوان نجاست خوار. فضله و ادرار آن چون خون جهنده ندارد نجس نیست.

سوم: منی. منی همه حیوانات نجس است چه حرام گوشت و چه حلال گوشت. منی حیوانی که خون جهنده ندارد پاک است.

چهارم: مردار. مردار هر موجودی که خون جهنده دارد نجس است. اگر عضوی از حیوان دارای خون جهنده قطع شود، چه حیوان زنده باشد و چه مرده آن عضو نجس خواهد بود. آنچه دارای روح نیست مانند استخوان و مو، پاک است مگر خود حیوان ذاتاً نجس باشد مانند سگ و گراز و کافر. لمس کردن میت، قبل از تطهیر و بعد از سرد شدن بدن در اثر مرگ، غسل واجب می گردد. همان گونه اگر به عضوی دارای استخوان دست بزند غسل واجب است و بر کسی که با دست مرطوب قطعه ای که در آن استخوان نباشد و یا مرداری که خون جهنده داشته باشد را لمس کند شستن دست واجب است.

پنجم: خون ها. خون حیواناتی که دارای رگ می باشند، نجس است اما حیوانی که خون جهنده نداشته باشد مانند ماهی و شبیه آن نجس نیست.

ششم و هفتم: سگ و گراز (خوک). هم جسم و هم آب دهان سگ و گراز نجس است. اگر سگ با حیوان دیگری آمیزش کند باید در تعیین جنس آن و اطلاق اسم ها که چه از این آمیزش متولد می شود دقت نمود جز این دو حیوان بقیه ذاتاً پاکند. یعنی روباه و خرگوش و موش و وزغ همه نجس نیستند. اما آب قلیلی که موش و موش صحرائی و وزغ و عقرب و مار در آن مرده باشد نباید مصرف شود.

هشتم: مست کننده ها. همه ی مایعات مست کننده نجس هستند حتی آب انگور اگر بجوشد و غلیظ شود حتی اگر مست کننده نباشد، ولی اگر در اثر جوشیدن، دو سوم آن بخار شود، پاک می شود.

نهم: آب جو (فقاع).

دهم: کافر. کافر کسی است که از اسلام خارج شده باشد یا در ظاهر مسلمان باشد ولی ضروریات دین را انکار کند مانند خوارج و غلاة و کسانی که در مقابل اهل بیت علیهم السلام دشمنی ورزند. و غیر از آنها نجس نمی باشند.

مکروهات: ادرار قاطر، الاغ و جانداران اهلی و عرق جنب از حرام و عرق شتر نجاست خوار، میمون، خرس، مارمولک و فضله مرغ مکروه هستند.

احکام نجاست:

برطرف کردن نجاست از بدن و لباس برای نماز و طواف، و وارد شدن به مساجد و از ظرف برای استفاده آن ها. بر طرف کردن آنچه را که دوری جستن از آن ناممکن است مانند خون زخمی که ترشح نمی شود حتی اگر زیاد باشد لازم نیست. اگر قطر لکه خون کمتر از یک سانتیمتر باشد زایل نمودن آن لازم نیست مگر این که از خون های سه گانه (حیض، استحاضه، نفاس) باشد. آنچه بیشتر باشد برطرف کردن آن واجب است چه در یک جا جمع باشد و چه متفرق باشد و خواندن نماز جماعت با لباسی که برای نماز فرادا است به دلیل نجاست جایز نمی باشد.

در هنگام شستن محل نجاست باید به لباس فشار وارد نمود تا نجاست از آن جدا گردد مگر ادرار نوزاد که فقط ریختن آب روی آن کفایت می کند، اما اگر محل نجاست معلوم باشد باید شسته شود، اما اگر محل نجاست معلوم نباشد هر جایی که گمان شود که نجس است باید شسته شود. لباس و بدن را از ادرار باید دو بار با آب شست.

اگر لباس انسان با بدن مرطوب سگ و گراز و کافر تماس حاصل کرد، شستن محل تماس واجب است و اگر خشک بود پاشیدن آب بر محل تماس مستحب است و اگر با بدن تماس حاصل کرد غسل و غسل بدن مستحب است.

اگر نماز گذار در از بین بردن نجاست از لباس و بدن خود کوتاهی کند چه در همان وقت و چه در خارج آن باید نماز را تکرار کند. اما اگر بعد از فراق از نماز بفهمد مطلقاً واجب نیست نماز را تکرار کند.

اگر در حین نماز فهمید که لباس نجس است اگر خارج کردن آن لباس موجب باطل شدن نماز نمی شود و عورت نیز مستور می ماند باید لباس را در آورد، در غیر این صورت نماز را باید کامل کرد.

زنی که از نوزاد مراقبت می کند اگر فقط یک لباس داشته باشد باید هر روز یک بار آن لباس را آب بکشد و اگر این کار را قبل از نماز ظهر انجام دهد بهتر است تا بتواند نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با لباس پاک بخواند.

اما اگر دو لباس دارد و نداند کدام نجس است، هر نماز را با هر کدام از آن ها جدا جدا بخواند. اگر لباس های فراوانی داشته باشد و فقط یکی پاک باشد و نداند کدام یک پاک است نیز باید با هر کدام جدا نماز بخواند مگر هنگام تنگی وقت در این حال باید لخت و بدون لباس نماز بخواند. واجب است لباس نجس را دور نمود و عریان نماز خواند اگر کسی غیر از او نباشد. اگر نتواند با همان لباس نجس نماز بخواند و لازم نیست نماز را تکرار کند.

تاییدن خورشید باعث طهارت ادرار و دیگر نجاست ها از روی زمین و حصیر و آنچه که انتقال آن ممکن نیست مانند درختان و ساختمان به شرط از بین رفتن نجاست است، بهتر است بر موضع ادرار آب ریخته شود بعد خورشید بر آن بتابد.

آتش هم فقط چیزی را که استحاله^(۱۳) می دهد پاک می کند. خاک کف پا و زیره کفش و پای پوش را پاک می کند. زمین قسمت های دیگر زمین را پاک می کند. آب باران در حال نزول و نیز در حال جریان از ناودان و شبیه آن نجس نمی شود مگر در اثر نجاست تغییر کند.

آبی که با آن عین نجاست شسته می شود نجس است چه بار اول شستن باشد چه بار دوم و یکسان است که با نجاست مخلوط باشد یا نه. اگر عین نجاست بر چیز شسته شده باقی بماند نجس است اما باقی مانده آب کشی شی نجس که در آن عین نجاست نیست پاک است. حکم ظرفها نیز این گونه است.

انگاره ظروف ها:

خوردن و آشامیدن با ظروف طلا و نقره جایز نیست. همین گونه دیگر استفاده از آنها نیز جایز نیست.

استفاده از ظرف نقره کوب در خوردن و آشامیدن مکروه است. اما در دیگر موارد استفاده از آن مجاز است. استفاده از ظرف های ساخته شده از دیگر فلزات و یا معادن و جواهرات اشکالی ندارد هر چقدر که گران قیمت باشند. ظروف مورد استفاده مشرکین پاک است تا زمانی که علم به نجاست آن ها حاصل شود.

۱۳. تبدیل شدن شی بصورت دیگر.

استفاده از پوست هر حیوان صحیح نیست مگر این که در حیات و هنگام ذبح پاک و طاهر بوده باشد. دوری کردن از استفاده پوست حیوانی که گوشتش خورده نمی شود مستحب است مگر این که بعد از ذبح دباغی شود.

به کار بردن ظرف های خمر و مسکر اگر قیر اندود یا روغن اندود باشند، بعد از شستن اشکال ندارد اما استفاده ظروف خمر و مسکر چوبی و سرامیکی و شیشه ای غیر روغن اندود مکروه است.

ظرفی که آب دهان سگ در آب باشد باید سه بار شسته شود و اولین دفعه باید با خاک پاک گردد. از خمر و مسکرات و از مرده موش و گرزه ظرف باید سه بار شسته شود ولی هفت بار بهتر است. از دیگر نجاسات غیر از آب کشی برداشتن عین نجاست، یک بار شستن کفایت می کند اما سه بار بهتر است.



احکام نماز

بخش اول: مقدمات نماز

مقدمه اول: تعداد نماز.

نماز های واجب نه نماز هستند:

نماز های شب و روز (نماز های یومیه)، نماز جمعه، نماز عید قربان و عید فطر، نماز کسوف، زلزله، نماز آیات، نماز طواف، نماز میت و نمازی که انسان با نذر و شبیه آن واجب می شود. غیر از این بقیه نماز ها مستحب و سنت است.

نماز یومیه: هفده رکعتند در هنگام سکونت، نماز صبح دو رکعت، نماز مغرب سه رکعت، نماز ظهر و عصر و عشاء چهار رکعت. در سفر از هر نماز چهار رکعتی دو رکعت کسر می شود.

نوافل نماز در هنگام سکونت: سی و چهار رکعت است. قبل از نماز ظهر هشت رکعت (۴ نماز ۲ رکعتی)، قبل از نماز عصر هشت رکعت (۴ نماز ۲ رکعتی) بعد از نماز مغرب چهار رکعت (۲ نماز ۲ رکعتی)، بعد از نماز عشاء دو رکعت نشسته که یک رکعت حساب می شود. یازده رکعت نیز نماز شب به همراه نمازهای شفع و وتر، دو رکعت هم قبل از نماز صبح. در هنگام سفر نوافل ظهر و عصر ساقط می شوند. اما نماز وتیره ساقط نمی گردد. نوافل همه دو رکعت با تشهد و سلام است الا آنچه که در مورد آنها تصریح شده که کمتر یا بیشتر از دو رکعت هستند مانند نماز وتر و نماز اعرابی. هر کدام از این نمازها را در جای خود شرح خواهیم داد.

مقدمه دوم: مواقیب و زمان نماز.

اول: وقت نماز ظهر و عصر از زوال آفتاب تا غروب آن است. وقت مختص نماز ظهر از آغاز زوال تا مدت ادای آن [اقامه چهار رکعت] است، وقت مختص نماز عصر مدت زمان اقامه آن تا غروب است (مدت زمان اقامه چهار رکعت مانده تا غروب آفتاب)، ما بقی زمان بین ظهر و عصر مشترک است. همین گونه نماز مغرب از غروب به مدت اقامه سه رکعت وقت آن

است بعد از آن تا نیمه شب با نماز عشاء مشترک خواهد بود. وقت نماز عشاء چهار رکعت مانده تا نیمه شب برای مختار و چهار رکعت مانده به فجر برای فرد مضطر (ناچار). بین طلوع فجر دوم - فجر نمایان در افق - تا طلوع خورشید وقت نماز صبح است.

زوال آفتاب از زیاد شدن سایه شاخص بعد از رسیدن به کم ترین حد آغاز می شود. غروب نیز هنگام ناپدید شدن قرص خورشید است اما انتظار از بین رفتن سرخی افق مشرقی برای اطمینان از ناپدید شدن خورشید بهتر است. از بهترین اعمال نماز اول وقت است. تأخیر نماز عشاء پس از بین رفتن سرخی مغربی افضل تر است.

اول وقت نماز عصر یک یا دو ساعت بعد از زوال است بر حسب کوتاهی یا بلندی زمان روز (در فصل های مختلف سال).

وقت نمازهای نافله:

نافله ظهر از لحظه زوال تا نیم ساعت، نافله نماز عصر یک ساعت و نیم یا دو ساعت و نیم بر حسب بلندی روز، اگر اقامه نافله در حال تنگ شدن وقت نماز واجب باشد باید در عدد رکعات نافله آن یک رکعت تخفیف نمود، و اگر از نافله چیزی نخوانده و اول وقت اقامه نماز واجب تنگ شد باید اول نماز واجب را بخواند و بعد از آن نافله را. اقامه نافله ظهر قبل از زوال جایز نیست مگر در روز جمعه چهار رکعت نافله که دو رکعت آن برای زوال می باشد.

نافله نماز مغرب بعد از آن است یعنی بعد از نماز مغرب تا مدت از بین رفتن سرخی افق مغربی به مقدار خواندن نماز است. اگر سرخی از بین رفت و فرد نافله را نخوانده بود باید اول، نماز واجب مغرب و عشاء را اداء کند سپس دو رکعت نشسته نافله نماز عشاء بخواند تا بعد از ادای نماز واجب ادامه می یابد و باید پایان نوافل قرار گیرد.

وقت نماز شب بعد از نیمه گذشتن آن است و هر چه به فجر نزدیک تر باشد بهتر است. تقدیم آن قبل از نیمه شب مجاز نیست مگر برای مسافر که ممکن است خستگی مانع آن شود یا جوانی که بداند به خاطر سر سنگینی جوانی (مسائل احتلام و...) نتواند به موقع بیدار شود در این صورت می توان قبل از نیمه شب نماز نافله شب را اقامه کرد گر چه قضای آن بهتر است. آخر وقت نماز نافله شب طلوع فجر دوم است.

اگر فجر دوم شروع شود و نماز گزار وارد نافله چهار رکعتی نشده بود دو رکعت فجر را قبل از نماز واجب بخواند تا سرخی مشرقی آغاز شود و مشغول فریضه واجب گردد. اما اگر

وارد چهار رکعت شد بقیه را سبک بخواند هر چند که فجر طلوع نماید. وقت دو رکعت نماز فجر بعد از طلوع فجر اول است، و می شود آن ها را قبل از آن خواند ولی اعاده آنها بعد از طلوع فجر اول بهتر است. وقت نافله تا آغاز سرخی افق می باشد بعد از آن نماز صبح واجب می گردد و ادای آن لازم است.

قضای نمازهای پنجگانه واجب در هر زمان ممکن است به شرطی که در وقت اقامه نماز واجب حال حاضر تنگی ایجاد نکند. قضای نوافل هم بدین ترتیب است:

احکام نماز قضاء:

اول: اگر به خاطر دلیل خاصی مانند جنون و حیض وقت طهارت در تنگی وقت و اقامه نماز واجبی بگذرد، قضای آن واجب می گردد. اگر عذر به اندازه انجام طهارت و اقامه یک رکعت باقی بماند واجب است بخواند و در این صورت نماز او اداء می شود و قضاء نیست و اگر کوتاهی کند نماز قضاء می شود. اگر این اتفاق قبل از غروب (برای نماز ظهر و عصر) و قبل از فجر (برای نماز مغرب و عشاء) واقع شود به گونه ای که تا انتهای زمان فقط به اندازه طهارت و اقامه پنج رکعت وقت دارد باید نماز را واجب و اداء بخواند [یک چهار رکعتی یا سه رکعتی کامل و نماز بعد از آن یک رکعت از نماز بعد از آن همان گونه که توضیح داده شد]. و اگر فقط زمان طهارت و اقامه یکی از دو نماز را داشت همان را باید بخواند.

دوم: نوجوانی که خود را ملزم به وقت نماز دارد اگر در حالت طهارت بالغ گردد و وقت را از دست ندهد نمازش واجب است و صحیح می باشد ولی اگر از وقت نماز کمتر از یک رکعت مانده نیت را بر نافله بگذارد و نباید تجدید نیت به نماز واجب کند.

سوم: اگر کسی راهی برای تعیین وقت نماز داشته باشد و به سببی آن طریق را از دست دهد باید به ظن خود عمل نکند و اگر دانش آن را نداشته باشد اجتهاد کند و اگر در گمان خود بر وارد شدن وقت غالب باشد نماز را اقامه کند و اگر برای او وارد شدن وقت روشن گردد و غیر صحیح بودن گمان خود محقق شود نماز را مجدداً اقامه کند، اگر وقت داخل شود و او در حال نماز است حتی اگر قبل از سلام نماز باشد نیازی به تکرار آن نیست.

اگر کسی قبل از وارد شدن وقت نماز نادانسته یا عمداً یا به سبب فراموشی نماز بخواند نمازش باطل است.

چهارم: در مورد قضاء در نمازهای یومیه باید ترتیب قضاء را در یک روز به جا آورد بدین نحو که اگر در نماز واجبی وارد شد بعد فهمید نمازی از امروز را هنوز به جای نیاورده تا وقتی که ممکن باشد باید نیت را تغییر دهد و گر نه باید نماز را کامل کند. (مثلاً اگر فردی در نماز ظهر وارد شد از تکبیر تا رکعت دوم وقت دارد به نیت نماز صبح قضاء شده خود عدول کند اما بعد از رکعت سوم دیگر این عدول ممکن نیست). اما در قضای نمازهای یومیه دو روز مختلف ترتیب لازم نیست و مثلاً می توان نماز صبح یک روز را قبل از به جا آوردن نماز ظهر روز قبل از آن به جا آورد.

پنجم: اقامه نوافل هنگام طلوع خورشید و غروب و بعد از نماز صبح و عصر و دیگر اوقات مکروه نیست.

ششم: مستحب است که نوافلی را که در شب انجام نداده در هنگام روز به جای آورد و نوافل روز را در همان شب به جا آورد و منتظر روز نماند.

هفتم: بهتر آن است که هر نماز را در اول وقت به جا آورد، مگر نماز مغرب و عشاء کسی که از عرفات افزای کند و خارج گردد، اگر بتواند نماز را در مزدلفه به جای بیاورد بهتر است هر چند که ربع شب نیز گذشته باشد.

نماز عشاء در حالت کلی مستحب است که بعد از بین رفتن سرخی غروب اقامه گردد. کسی که نافله را می خواند نیز بهتر است نماز ظهر و عصر را تا اقامه نوافل به تأخیر اندازد و زن در حال استحاضه نیز باید نماز ظهر و مغرب را تأخیر دهد. (تا پاک گردد غسل کند).

هشتم: اگر به گمان خواندن فریضه نماز ظهر، نماز عصر را شروع کند اگر در حال نماز خواندن عصر به یاد آورد که نماز ظهر را نخوانده است نیت خود را به نماز ظهر تغییر دهد. و اگر به یاد نیاورد و نماز عصر خود را تمام کرد، اگر اقامه نماز در اول وقت بود دو فریضه نماز ظهر و عصر را تکرار می کند و اگر در وقت مشترک دو نماز بود و یا اگر در حال خواندن نماز وقت مشترک فرا رسد نماز عصر خوانده شده صحیح است و نماز ظهر خود را به جا می آورد.

مقدمه سوم: احکام قبله.

که در آن به احکام قبله و مستقبل^(۱۴) و واجبات و احکام آن خواهیم پرداخت:

اول: قبله.

منظور از قبله کعبه برای کسی که در مسجد است و مسجد برای کسی که در حرم است و حرم برای کسی که خارج از آن به سر می برد.

مراد از قبله جهت آن است نه خود ساختمان و اگر ساختمان از بین رفت به سوی آن باید نماز گذارد. همان گونه که در ارتفاع بالاتری از کعبه و مسجد قرار دارد به سوی آن و در جهت آن نماز می گذارد و نمازش صحیح است. اگر کسی درون کعبه نماز بگذارد باید به سوی یکی از دیوارها بایستد گر چه این کار در نماز واجب مکروه است. اگر کسی بالای کعبه نماز بگذارد لازم نیست چیزی روبروی خود قرار دهد و به سوی آن نماز بخواند بلکه رو به آن چه روبروی اوست باید بایستد. اگر به سوی در کعبه در حالی که باز باشد نماز بخواند همین طور باید عمل کند.

اگر صف نماز گزاران در مسجد چنان قرار گیرد که تعدادی از آنان خارج از جهت کعبه نماز بخوانند، نمازشان باطل است.

مردم هر سرزمین باید به سوی رکن رو به سرزمینشان نماز بخوانند. اهل عراق به سوی رکن عراقی همان رکنی که حجر (اسود) در آن است، مردم شام به سوی رکن شامی و مردم مغرب به سمت رکن مغربی و مردم یمن به سوی رکن یمنی. پس قبله مردم عراق بین جنوب و مغرب کعبه واقع می شود اگر بتواند ستاره قطبی را تشخیص دهد شمال را خواهد یافت و جنوب را تشخیص خواهد داد. اگر به سوی جنوب بایستد همانا که قبله بین صورت و دست راست او قرار خواهد گرفت.

دوم: مستقبل.

به سوی کعبه ایستادن با وجود علم به جهت آن واجب است. اگر نتوانست جهت را تشخیص دهد باید به علائمی که در دسترس دارد توجه نماید.

۱۴. کسی که به سوی کعبه نماز می خواند.

اگر سعی کند که جهت را بیابد و فردی دیگر خلاف گمان او را به او خبر داد باید به گمان خود عمل کند و اگر راهی برای یافتن نیافت جز پرسیدن از کافر باید به خبر او عمل کند اگر گمان کند که حقیقت را می گوید. اگر علم به صحت جهت قبله نداشته باشد باید به سمت قبله مردم آن شهر نماز بخواند. شخصی که خودش امکان تشخیص قبله را ندارد مانند نابینا، به تشخیص دیگران اعتماد کند. کسی که آگاهی با یقین و حتی گمان را از دست دهد اگر وقت داشت به هر کدام از چهار جهت یک بار نماز بخواند و اگر وقت تنگ شد به هر اندازه می تواند باید به جهات مختلف نماز بخواند و اگر فقط به اندازه اقامه یک نماز وقت دارد به هر جهت که خواست می تواند نماز بگذارد. مسافر هنگام نماز باید به سمت قبله بایستد ولی در صورت ضرورت می تواند بر پشت مرکب (یعنی اسب و قاطر و شتر و شبیه آن) نماز واجب را به سمت قبله بخواند. اگر نتواند همه نماز را به سمت قبله بخواند تا حد امکان نماز را به سمت قبله بخواند و هر گاه مرکب از جهت قبله منحرف شود تا حد امکان به سوی قبله منحرف شود، اگر نتواند فقط تکبیرة الاحرام را به سمت قبله بگوید و بقیه نماز را بخواند، اگر نتواند این کار را بکند به هر سو که نماز بخواند کفایت می کند. هم چنین کسی که پیاده در حال سفر است و وقت نماز بر او تنگ گردد می تواند در حین حرکت نماز را تا حد امکان به سوی قبله بخواند. هم چنین وقتی کسی بر مرکب سوار باشد و وقت نماز بر او تنگ گردد باید تا جایی که امکان دارد افعال نماز مانند رکوع و سجود را با اختیار به جا آورد.

سوم: آنچه برای آن باید رو به قبله ایستاد.

ایستادن به روی قبله در نمازهای یومیه در صورت امکان واجب است. هنگام ذبح حیوان و پرنده، هنگام احتضار و خاک سپاری میت، و نماز بر آن نیز ایستادن رو به قبله واجب است. اما در نوافل رو به قبله ایستادن بهتر است. نماز بر پشت مرکب در سفر و حضر رو به قبله مجاز است اما به غیر قبله در حضر کراهیت مؤکد دارد تا زمانی که پشت به قبله نگردد، اگر پشت به قبله شد نمازش باطل می شود.

وجوب استقبال در هنگام اقامه نماز مطارده (در حین جنگ و جدال جنگ) و هنگام ذبح حیوانی که گریز پا و رام ناشدنی است و نمی توان آن را رو به قبله نمود، ساقط می گردد.

چهار: در احکام قصور در استقبال.

در این امور مسائلی است:

اول: فرد نابینا باید در یافتن قبله بر راهنمایی دیگران اتکاء کند اما اگر بر رأی خود به خاطر داشتن دلیلی به یک سمت نماز بخواند در حالی که فرد بینا وجود دارد باز نماز او صحیح است و در غیر این صورت بر اوست که نماز را تکرار کند.

دوم: اگر نماز گزار نماز را به حکم گمان خود و یا به دلیل تنگی وقت به سمتی بخواند که بعداً معلوم شود به سوی قبله نیست، اگر انحراف او از قبله در سمت چپ و راست بوده و پشت به قبله نباشد نماز او صحیح است و نیازی به تکرار آن ندارد، اما اگر پشت به قبله بود اگر وقت نماز تمام نشده باشد باید نماز را تکرار کند و اگر وقت نماز گذشته بود نیاز به تکرار نیست، اما اگر در حین نماز بفهمد که اشتباه نموده باید به سمت قبله بایستد و نیاز به تکرار نماز نیست.

سوم: اگر برای یافتن جهت قبله تلاش کند و نماز بخواند و وقت نماز دیگری وارد شود و نماز گزار به صحت جهت قبله شک کند باید پرس و جو کند تا یقین یابد در غیر این صورت بر همان جهت نماز قبلی نماز بخواند.

مقدمه چهارم: احکام لباسی نماز گزار.

اول: نماز خواندن با پوست مردار هر چند که حلال گوشت باشد صحیح نیست. چه دباغی شده باشد و چه نشده باشد.

پوست حیوانی که گوشت آن خورده نمی شود- آنچه در حین حیات ذاتاً پاک باشد و ذبح شرعی گردد- پاک است ولی در نماز نباید از آن استفاده گردد. و در غیر از نماز بدون دباغی کردن نباید از آن استفاده نمود چرا که مکروه است بدون دباغی از آن بهره برد.

دوم: پشم و مو و پر آنچه حلال گوشت است پاک است چه جزو حیوان زنده باشد و چه ذبح شده و چه مردار، و نماز خواندن با آن صحیح است. و اگر از مردار قطع شده باشد فقط محل اتصال آن با بدن حیوان باید شسته شود. همین گونه است حکم هر چیزی که در هنگام حیات حیوان پاک به شمار می رود. و هر چه که در حیات حیوان نجس باشد پس از

ذبح تمام موارد ذکر شده آن نجس است در صورت ذبح کردن اگر حرام گوشت باشد نماز خواندن با آن صحیح نیست. مگر خز خالص که با آن خواندن نماز صحیح است. اما خزی که در آن خز روباه و خرگوش به کار رفته باشد، نماز خواندن با آن مجاز نیست.

سوم: نماز با پوست سنجاب صحیح است ولی پوست روباه و خرگوش مجاز نیست.

چهارم: پوشیدن ابریشم خالص برای مردان حرام است و نماز خواندن با آن نیز صحیح نیست مگر در هنگام جنگ که مستحب است تکه ای از پارچه ابریشمی بر سینه گذارد و هنگامی که سرمای شدید مانع از تن در آوردن آن باشد، در این دو حالت نماز گزاردن با لباس ابریشمی مجاز می شود. و پوشیدن لباس حریر خالص و نماز گزاردن با آن برای زن ها مجاز است. همچنین استفاده مردان از ابریشم برای بند لباس و یا کلاه خود نیز جایز نیست. اما نماز خواندن روی آن و فرش نمودنش جایز است. نماز خواندن با لباسی که با حریر لبه دوزی شده باشد نیز مکروه است. اما اگر مقدار حریر در لباس با نوع دیگری از پارچه ها به گونه ای باشد که از حالت حریر خالص خارج گردد نماز خواندن با آن صحیح است. چه مقدار حریر بیشتر باشد یا کمتر که در این حالت مکروه است.

پنجم: نماز گزاردن با لباس غصبی جایز نیست، اگر صاحب لباس به غاصب و غیر او اجازه استفاده دهد نماز گزاردن اشکال نخواهد داشت گر چه غصب محقق گشته است ولی اگر مطلق اجازه استفاده را دهد برای غیر از غاصب جایز است.

ششم: نماز خواندن با آنچه ظاهر پا را می پوشاند جایز نیست ولی نماز خواندن با آنچه ساق دارد مانند جوراب اشکال ندارد. نماز خواندن با نعل عربی مستحب است.

هفتم: نماز خواندن با غیر از امور ذکر شده صحیح می باشد، به شرطی که یا ملک باشد یا در مورد استفاده از آن اجازه گرفته شده باشد، و پاک باشد و حکم نجاست لباس تبیان شد. برای مرد مجاز است که با یک پوشش و یک پیراهن نماز بخواند اما زن باید با دو تکه لباس نماز بخواند یک تکه بعنوان پیراهن و یکی به عنوان روسری به گونه ای که تمام بدن او جز صورت و کف دست ها و ظاهر کف پاها. برای مرد با وجود کراهت مجاز است که عریان نماز بخواند به شرطی که عورتین را بپوشاند. اگر چیزی برای پوشش نداشته باشد می تواند حتی با برگ درختان عورت خود را بپوشاند. اگر چیزی برای پوشاندن نداشته باشد اگر مطمئن باشد که

کسی او را نمی بیند می تواند ایستاده نماز بخواند و اگر مطمئن نباشد باید نشست نماز بگذارد و در دو حالت به جای رکوع و سجود اشاره کند. کنیز و دختر غیر بالغ می تواند بدون شال و روپوش نماز بخواند، اگر کنیز در حین نماز عتق شود و از بندگی خارج گردد باید سر خود را بپوشاند اما اگر برای این کار باید عمل فراوانی انجام دهد باید نمازش را از نو بخواند. همان گونه دختر اگر در حین نماز بالغ گردد به آنچه باعث ابطال نماز نگردد باید موی سر خود را بپوشاند.

هشتم: مستحب است لباس نماز گزار سفید باشد. اما نماز خواندن با لباس سیاه مکروه نیست. مکروه است لباس نماز گزار مرد نازک باشد اگر لباس نماز گزار آنقدر نازک باشد که زیر آن معلوم باشد نماز خواندن با آن صحیح نیست.

مکروه است که بالای پیراهن بالا پوش بسته شود و یا اینکه خود را با پارچه بزرگ (لباس افغان های امروز) پوشاندن به طوری که دو سر آن بر روی یک کتف قرار گیرد و با دست گرفته شود و با عمامه بدون زیر چانه ای (حنک) گر چه مطلق پوشیدن عمامه بدون حنک مکروه است، پوشیدن رو بند برای مرد و پوشینه و نقاب برای زن در نماز مکروه است و اگر مانع صحت قرائت باشد حرام است. نماز با قبای بسته شده مکروه است مگر در حال جنگ. همچنین امامت نماز بدون رداء مکروه است. همراه داشتن شی آهنی که بارز باشد نیز مکروه است. نماز با لباسی که صاحبش را (به امری) متهم می دارد نیز مکروه است. نماز خواندن زن با خلخال و پا بندی که صدا داشته باشد مکروه است. هم چنین پوشیدن لباس نقش دار دارای تصاویر و انگشتی که تصویر داشته باشد مکروه است.

مقدمه پنجم: محل نماز گزار.

نماز در همه اماکن مجاز می باشد به شرط ملکیت یا داشتن اجازه. اجازه نیز می تواند در عوض اجرت و شبیه آن باشد و یا با مباح نمودن بدین گونه یا صریح باشد مانند گفتن: در آن نماز بخوان یا با مضمونی دارای همان معنا یا با وجود علامتی که دلالت کند مالک اکراهی در نماز نداشته باشد. نماز خواندن در مکان غصبی برای غاصب و کسی که علم به غصبی بودن مکان بیابد صحیح نیست. و اگر عمداً و با آگاهی در مکان غصبی نماز بخواند نماز باطل است ولی در صورت فراموشی یا جهل به غصبی بودن نماز بخواند،

نماز صحیح است ولی اگر نماز گزار جاهل به حکم حرمت نماز در مکان غصبی باشد معذور نیست.

اگر وقت نماز تنگ گردد و او در حال خارج شدن باشد نماز صحیح است ولی اگر در حال خارج شدن از مکان غصبی نباشد نماز صحیح نیست.

اگر در ملک غیر با اجازه نماز بگذارد سپس بگوید که باید خارج گردد واجب است که خارج شود. و اگر در این حال نماز بخواند نماز باطل است.

اما اگر وقت تنگ باشد و در حال خارج شدن نماز بخواند نماز صحیح است. در حین نماز نباید کنار یا جلوی مرد، زنی نماز بخواند فرقی ندارد که هر دو یک نماز بخوانند و یا زن نماز دیگری بخواند چه زن محرم او باشد چه نامحرم باشد ولی حکم حرام بودن با وجود حائل یا پرده و یا داشتن فاصله ده ذراع از بین می رود. نماز زن پشت سر مرد به گونه ای محل سجودش کنار پای مرد باشد حرمت را ساقط می کند. اگر در مکانی باشند که نتوانند از هم دور شوند اول مرد باید نماز بخواند و بعد زن نماز بخواند. نماز در مکان نجسی که نجاست به لباس و بدن نماز گزار نرسد و محل سجود پاک باشد منعی ندارد.

نماز در حمام و محل قضای حاجت و محل نگه داری شتر و مسکن مورچه ها و مجرای آب و زمین شوره زار و روی یخ مکروه است. نماز در میان قبرستان مکروه است مگر این که میان او و گورستان حائلی باشد حتی اگر حائل یک چوب بلند باشد و یا ده ذراع فاصله داشته باشد. هم چنین نماز در آتشکده و مشروب فروشی و مشروب خوری اگر نجاست به بدن و لباس سرایت نکند و کناره جاده و خانه های مجوس مکروه است اما در دیرها و کلیساها اشکال ندارد.

همچنین در مقابل آتش افروخته یا تصاویر، نماز مکروه است. نماز واجب خواندن در داخل کعبه و بر بام کعبه نیز مکروه است. خواندن نماز در اسطبل اسب و الاغ و استر نیز مکروه است، اما در آخور گوسفندان مکروه نیست. همچنین خواندن نماز در خانه ای که در آن مجوسی باشد مکروه است اما وجود یهودی و مسیحی مشکلی ندارد. اگر نماز بخواند و قرآن گشوده در پیش داشته باشد مکروه است. نماز خواندن کنار دیواری که از چاهی که در آن فاضلاب دارای ادرار رطوبت گرفته باشد مکروه است. رو در روی یک انسان نماز خواندن

نیز مکروه است مگر این که حجت بر مردم باشد مانند امام، همچنین رو به در باز نماز خواندن مکروه است.

مقدمه هشتم: در آنچه می توان بر آن سجده نمود.

سجده بر آنچه از زمین نیست مانند پوست و پشم و مو پشم شتر صحیح نیست، همچنین سجده بر آنچه از زمین است اما معدن به شمار می رود مانند نمک و عقیق و طلا و نقره و قیر نیز مکروه است مگر در حال ضرورت، همچنین آنچه از زمین سبز می گردد و خوردنی است مانند نان و میوه ها یا پوشیدنی است مانند پنبه و کتان. سجود بر گل و لای مجاز نیست ولی در حالت اجبار باید اشاره کند، سجده بر کاغذ مجاز است ولی اگر در آن نوشته باشد مکروه است. نباید نماز گزار بر بدن خود سجده کند، اگر به دلیل گرما نتواند بر زمین سجده کند می تواند بر لباس خود سجده کند و اگر نتواند بر پشت دست خود سجده کند.

آن چه گفته شد در مورد پیشانی است نه بقیه مساجد بدن، در مواضع دیگر سجده باید ملکیت یا داشتن اجازه و خالی بودن از نجاست رعایت گردد. اگر نجاست در مکان محصورى مانند خانه باشد و نداند محل نجاست کجاست نباید بر جایی از آن سجده کند. سجده در مکان های دارای وسعت برای دفع مشقت مجاز است.

مقدمه نهم: در اذان و اقامه.

اول: آنچه برای آن اذان و اقامه گفته می شود:

اذان و اقامه در نماز های واجب پنجگانه و اداء و قضاء و فرادا و جماعت و برای مرد و زن واجب است، به شرطی که زن باید آرام اذان و اقامه بخواند و برای مرد اجماع لازم است و بیشترین اجماع در نماز ظهر و مغرب است.

اذان برای نوافل واجب نیست همچنین برای نماز های واجب دیگر جز نماز های پنج گانه نیز واجب نیست و مؤذن برای آنها باید سه بار بگوید: الصلاة.

قضاء کننده ی نماز های روزانه باید برای هر کدام از آنها اذان و اقامه بخواند اما اگر برای اولین نماز اذان گفت و برای نماز های بعدی اقامه بخواند کفایت می کند اما فضیلت کمتری

دارد. در روز جمعه هنگام نماز جمعه باید اذان و اقامه خوانده شود و برای نماز عصر اقامه خوانده شود. همچنین نماز ظهر و عصر روز عرفه. اگر امام جماعت نماز بخواند و کسانی بیایند که جداگانه نماز جماعت بخوانند مکروه است اذان و اقامه بگویند مادام که صف های نماز اول متفرق نشده و اگر متفرق شدند می توانند اذان و اقامه بخوانند. اگر نماز گزار برای نماز فرادا اذان و اقامه بخواند و بخواهد به جماعت ملحق شود مستحب است مجدداً اذان و اقامه بخواند.

دوم: مؤذن.

مؤذن باید: عاقل باشد، مسلمان باشد، مؤمن باشد، مرد باشد، اما بلوغ شرط نیست و تمیز کفایت می کند. مستحب است که عادل باشد و دارای صدایی رسا، آگاه، و اوقات نماز یومیه را بشناسد و با طهارت باشد و بر ارتفاع بایستد. زن می تواند برای زنان اذان بگوید. اگر نماز گزار در نماز فرادا سهواً اذان نگوید و نماز را آغاز کند باید ادامه دهد. اگر کسی یافت نشود که بدون اجرت اذان بگوید باید اجرت مؤذن از بیت المال داده شود.

سوم: کیفیت اذان.

اذان بعد از وارد شدن در وقت باید خوانده شود. هنگام صبح می شود قبل از طلوع فجر اذان گفت ولی هنگام طلوع باید دوباره تکرار شود. بخش های اذان عبارت اند از: چهار تکبیر (الله اکبر)، شهادت به توحید (أشهد أن لا اله إلا الله)، بعد رسالت پیامبر (أشهد أن محمداً رسول الله)، و بعد ولایت ائمه (أشهد أن علیاً و الأئمة من ولده حجج الله)، بعد به هدایت (أشهد أن المهدي و المهديين من ولده حجج الله). سپس بگوید (حی علی الصلاة)، (حی علی الفلاح)، بعد (حی علی خیر العمل)، و تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) که هر بخش دو بار باید تکرار شود. اقامه همین بخش هاست به صورت دوبار دوبار به علاوه (قد قامت الصلاة) و از تهلیل های آخر یکی ساقط می شود. و ترتیب شرط اذان و اقامه است.

در اذان و اقامه هفت چیز مستحب است:

این که رو به قبله بایستد، و در آخر صف ها بایستد، و در اذان درنگ کند و آرام آرام اذان بگوید، و اقامه را شتاب دهد، و بین اذان و اقامه سخن نگوید، و بین اذان و اقامه با یک نماز دو رکعتی یا با یک نشستن یا سجده فاصله اندازد الا در نماز مغرب که با یک گام یا یک سکوت بین آنها فاصله بیندازد. اگر مرد اذان بگوید بایستی با صدای بلند اذان بگوید و ترجیح دادن صدا مکروه است مگر برای اطلاع دادن به دیگران باشد. گفتن: (الصلاة خیر من النوم) در اذان حرام است.

چهارم: احکام اذان.

و در آن مسائلی است:

اول: اگر کسی هنگام خواندن اذان یا اقامه بخوابد و بعد بیدار شود مستحب است که اذان یا اقامه را ادامه دهد ولی می تواند بنا را بر خواندن آنها بگذارد، کسی که از هوش برود نیز همین حکم را دارد.

دوم: اگر کسی اذان بگوید و مرتد شود و باز گردد، می تواند به اذان او اکتفاء کرد و دیگر اقامه بجای آورد ولی اگر در حین خواندن نماز مرتد شود و باز گردد می تواند ادامه دهد.

سوم: مستحب است کسی که اذان را بشنود خود نیز آن را زمزمه کند.

چهارم: اگر مؤذن بگوید: قد قامت الصلاة حرف زدن مکروه می گردد مگر در آنچه به تدبیر نماز گرازان متعلق باشد.

پنجم: مکروه است مؤذن به چپ و راست رو برگرداند و لازم است به سوی قبله بایستد.

ششم: اگر چند نفر بخواهند اذان بگویند باید فرد اعلم و پرهیزگارتر پیش رود و در صورت تساوی افراد با استخاره به وسیله قرآن مؤذن انتخاب گردد.

هفتم: اگر نماز جماعت باشد جایز است همه با هم اذان بگویند. در صورت داشتن وقت بهتر است یکی پس از دیگری اذان بگویند.

هشتم: اگر امام جماعت صدای مؤذنی را از جماعت بشنود برای آغاز نماز کفایت می کند هر چند مؤذن نیت فرادا داشته باشد.

نهم: اگر کسی در حین اذان گفتن یا اقامه حدثی کند باید از نو طهارت کند و همه در مورد اذان و همه در مورد اقامه بنا را بر خواندن بگذارد اما در مورد اقامه بهتر است بعد از طهارت، دوباره اقامه بجای آورد.

دهم: اگر کسی در حین نماز حدثی کند باید مجدداً طهارت کند و نماز را نیز مجدداً بجای آورد و نیازی به تکرار اقامه نیست مادامی که سخن نگفته باشد.

یازدهم: اگر کسی پشت سر امام جماعتی که به او اقتداء نکرده باشد بخواند نماز بخواند، باید برای خود اذان و اقامه بخواند، اگر برسد که نماز را از دست دهد می تواند با دو تکبیر و دو قد قامت الصلاه نماز بجای آورد. و اگر امام جماعت در بخشی از اذان اشکال داشته باشد مستحب است مأموم صحیح آن را بخواند.



رکن دوم: در اعمال نماز

اعمال نماز واجب و مستحب دارد، واجبات هشت مورد است:

اول: نیت.

نیت در نماز از ارکان است، و اگر نماز گزار عمداً و یا سهواً در نیت خللی ایجاد کند نماز منعقد نمی شود. حقیقت و اصل نیت حصول حضور صفت نماز در ذهن است و قصد از آن چهار امر است: واجب و مستحب، قصد قربت، و تعیین این که نماز اداء است یا قضاء و تأکیدی بر تلفظ زبانی آن نیست. وقت نیت در هنگام انجام اولین جزء از تکبیرة الاحرام است و مستحب است که تا آخر نماز نیت ادامه بیابد بدین صورت که نیت اول نماز نقض نگردد. اگر نیت کند از نماز خارج شود نیت باطل نمی شود همین طور اگر بخواند کاری مخالف نیت خود انجام دهد نیز باطل نمی شود مگر این که عمل مخالف را انجام دهد که در آن صورت باطل می گردد. هم چنین اگر قصد از اعمال نماز ریاء باشد، یا غیر نماز. نقل نیت نماز در مواردی مجاز است: نقل نماز ظهر جمعه به نماز نافله برای کسی که یادش برود نماز جمعه را خوانده است و نماز دیگری خوانده باشد، و مانند تغییر نیت نماز واجب حال بر نماز واجب سابق بر آن.

حده: تکبیرة الاحرام.

تکبیرة الاحرام در نماز رکن است و نماز بدون آن صحیح نیست همچنین اگر در جزئی از آن اختلال ایجاد شود و یا آن را فراموش کند، نماز باطل است.

نحوه آن گفتن الله اکبر است. و با گفتن معنی آن نماز منعقد نمی شود و اگر در حرفی از حروف آن خلل ایجاد شود نماز منعقد نمی شود. و اگر نتواند بطور صحیح اداء کند (اشخاص غیر عرب) شخص ناتوان از گفتن لفظ صحیح لازم است یاد بگیرد و نماز را بدون آن آغاز نکند اگر وقت کافی داشته باشد و اگر وقت نماز تنگ شد باید با ترجمه تکبیرة الاحرام وارد نماز شود.

فرد لال تا حد امکان باید آن را بگوید و اگر نتواند کلاً سخن بگوید با احساس قلبی خود آن را به جا آورد ولی باید اشاره تکبیر نماید.

و رعایت ترتیب در آن واجب است و انجام بر عکس این نحوه نماز منعقد نمی شود. واجب است بعد از تکبیرة الاحرام شش تکبیر بگوید که کلاً هفت تکبیر می گردد. و تکبیر اول تکبیر آغاز نماز می شود. اگر تکبیر کند و نیت آغاز نماز داشته باشد و دوباره تکبیر کند و باز نیت آغاز کند نمازش باطل می شود. اگر سه بار تکبیر کند و در سومین تکبیر نیت آغاز نماز کند، نماز منعقد می شود و باید بعد از آن شش بار تکبیر کند. واجب است نماز گزار ایستاده تکبیر بگوید و اگر در صورت توان (به ایستادن)، نماز گزار نشسته و یا در حال بلند شدن تکبیر بگوید نماز منعقد نمی شود.

سنت در تکبیر چهار چیز است:

این که لفظ جلاله (الله) را بدون مد بین حروف آن بگوید و لفظ (اکبر) را بر وزن أفعل بگوید. امام جماعت طوری تکبیر کند که نماز گزاران صدای او را بشنوند. و این که نماز گزار دستانش را هنگام تکبیر به گونه ای بالا برد که انگشت وسطی کف دست تا زیر لاله گوش برسد و انگشت شصت باز باشد به گونه ای که تا جلوی گلو برسد.

سوم: قیام.

قیام در صورت توانایی از ارکان است و اگر نماز گزار سهواً و یا عمداً در آن خلل ایجاد کند نماز باطل است. اگر بتواند بر پا بایستد قیام واجب می گردد و اگر نتواند به تنهایی

بایستد واجب است که از هر وسیله ممکن کمک بگیرد و کمک گرفتن از دیوار با وجود قدرت مجاز است. اگر بتواند مقداری از نماز را ایستاده بخواند باید به قدر قدرت ایستاده نماز بخواند و اگر نتواند باید نشسته نماز بخواند. اگر فردی که نشسته نماز می خواند بتواند فقط برای رکوع برخیزد واجب است برخیزد در غیر این صورت نشسته رکوع کند. و اگر نتواند نشسته بخواند باید بر پهلو بخوابد و نماز بخواند و اگر نتواند باید بر پشت بخوابد و نماز بخواند و این دو فرد اخیر باید با اشاره رکوع و سجود کنند.

اگر فردی در حین نماز نتواند بر حالتی باشد باید به کمتر از آن منتقل شود و در نماز مستمر باشد. اگر ایستاده باشد و نتواند بایستد، باید بنشیند و اگر نشسته باشد و نتواند ادامه دهد باید به پهلو بخوابد و اگر بر پهلو خوابیده باشد و نتواند ادامه دهد باید بر پشت بخوابد و عکس آن صحیح می باشد. و اگر کسی نتواند سجده کند آنچه بر آن سجده می کند را باید بلند کند و بر پیشانی بگذارد و اگر نتواند باید به جای سجود اشاره کند.

سنت در این حالت دو چیز است:

این که نماز گزار چهار زانو بنشیند و در حین رکوع زانوها را خم کند، و در حین تشهد (تورک) کند یعنی کف پای راست را بر پای چپ بگذارد به طوری که کف پای چپ زیر مفصل کف پای راست باشد.

پهاره: قرائت.

قرائت واجب است و مهمترین بخش آن خواندن سوره حمد در هر نماز دو رکعتی و در دو رکعت اول از هر نماز سه رکعتی و چهار رکعتی است، و خواندن آن در همه رکعت ها واجب است. در صورت خواندن یک حرف به شکل نادرست حتی تشدید حروف به صورت عمدی نماز باطل می شود، همچنین خواندن نادرست اعراب و حرکت گذاری حروف سوره حمد نماز را باطل می کند. و بسم الله الرحمن الرحیم آیه ای از سوره حمد است و قرائت آن واجب است و نماز گزار نمی تواند ترجمه آن را بخواند. رعایت ترتیب کلمات و آیات سوره حمد همان گونه که نقل شده واجب است و اگر عمداً خلاف آن را بخواند باید از نو بخواند و اگر از روی فراموشی در قرائت اشتباه بخواند ما دام که به رکوع نرفته است باید از نو بخواند ولی اگر به رکوع رفت باید نماز را ادامه بدهد گر چه یادش بیاید.

هر کس که نتواند صحیح قرائت کند بر او واجب است یاد بگیرد. اگر وقت نماز تنگ گردد باید تا جایی که بتواند بخواند یا بسم الله حمد را ده بار بخواند. و اگر نتواند، از آنچه از قرآن بلد باشد بخواند و یا سبحان الله یا الحمد لله یا لا اله الا الله یا تکبیر بگوید به اندازه ای که معادل قرائت باشد. بعد از آن واجب است قرائت را یاد بگیرد. فرد لال باید زبان خود را حرکت دهد و در قلب خود بر خواندن نیت کند. در رکعت های سوم و چهارم که امام جماعت حمد را می خواند نماز گزار باید به تنهایی حمد را بخواند. اگر نتواند ده بار بسم الله بخواند و اگر نتواند تسبیحات بخواند.

خواندن یک سوره کامل بعد از حمد در دو رکعت اول هر نماز از نمازهای پنج گانه در صورت وسعت وقت و امکان یاد گیری نماز گزار واجب است. اگر نماز گزار سوره را مقدم بر حمد بخواند باید حمد را بخواند و دوباره همان سوره یا غیر از آن را مجدد بخواند. خواندن مقداری از سوره های عزائم یعنی سوره هایی که در آن سجده واجب است جایز نیست. همین گونه خواند آنچه بدان وقت نماز می گذرد. خواندن دو سوره در یک رکعت بعد از حمد جایز است.

اظهار و جهر در خواندن سوره حمد در نماز صبح و دو رکعت اول نماز مغرب و دو رکعت اول نماز عشاء واجب است. اما در نمازهای ظهر و عصر و رکعت سوم نماز مغرب و دو رکعت آخر نماز عشاء اخفات و آرام خواندن واجب است.

کمترین مقدار جهر آن است که فرد سالم از نظر شنوایی در نزدیکی فرد اگر گوش دهد بشنود و اخفات آن است که انسان خود صدای خویش را بشنود اگر شنوا باشد. بر زنان جهر در نماز واجب نیست.

سنت در قرائت: خواندن بسم الله حمد و سوره با اجهار در مواضع اخفات، ترتیل در قرائت، وقوف در مواقع مشخص آن و خواندن سوره بعد از حمد در نوافل است. خواندن سوره های کوتاه در نماز ظهر و عصر و مغرب مانند سوره "القدر" و سوره "الکافرون" و در نماز عشاء خواندن سوره "الأعلى" و "الطارق" و شبیه آنها، نیز خواندن سوره "المدثر" و "المزمل" و شبیه آنها در نماز صبح جزء سنت است. همچنین خواندن سوره "هل أتى" در نماز عصر روز دوشنبه و پنجشنبه و خواندن سوره "الجمعه" و "الأعلى" و سوره "قل هو الله احد" در نماز مغرب و عشاء شب جمعه و نماز صبح جمعه و خواندن همان سوره ها و سوره ی "المنافقین" در

نماز ظهر و عصر و در نوافل روز. خواندن سوره های کوتاه و خواندن آنچه می تواند بخواند، همه از سنت است. همچنین در نوافل شب خواندن سوره های طولانی با ا چهار سنت است. اگر وقت تنگ باشد سبک نمودن و خواندن سوره "قل یا ایها الکافرون" در هفت موضع از نماز نافله شب سنت است و اگر به "قل هو الله احد" آغاز نمود کفایت می کند. همچنین سنت است که در دو رکعت اول نماز شب سی بار "قل هو الله احد" بخواند و در بقیه رکعت ها سوره های طولانی قرائت شود.

در نماز جماعت نیز سنت آن است که امام جماعت به گونه ای بخواند که نماز گزاران پشت سرش بشنوند ولی نباید بلند بخواند. همچنین خواندن شهادتین با صدای واضح و رسا از سنت است. اگر نماز گزار آیات رحمت را بخواند آن را طلب کند و اگر آیات عذاب و نقت را بخواند باید از آن استعاده کند.

در این جا هفت مسأله وجود دارد:

اول: گفتن "آمین" در آخر حمد جایز نیست.

دوم: موالات و ترتیب در خواندن شرط در صحت آن است و اگر در حین خواندن سوره از غیر آن بخواند باید از نو شروع کند و همچنین اگر نیت کند که قرائت را قطع نماید و ساکت شود باید از نو سوره را بخواند. امام اگر هنگام خواندن ساکت شود و نیت قطع قرائت نداشته باشد یا نیت قطع کند ولی خواندن را قطع ننماید نمازش را باید ادامه دهد.

سوم: سوره "الضحی" و "الم نشرح" یک سوره است همچنین سوره "فیل" و "الایلاف قریش" یعنی در هر رکعت از نماز باید هر دو را با هم خواند و نباید آنها را از هم جدا نمود و نیازی به گفتن بسم الله بین آنها نیست.

چهارم: اگر در موضع ا چهار و بلند خواندن، اخفات کند یا آرام بخواند و نیز در صورت عکس این حالت، در صورت جهل یا فراموشی نیازی به تکرار نماز نیست.

پنجم: در صورت عدم توانایی بر صحیح خواندن سوره حمد یا سختی قرائت آن می توان ده بار "بسم الله الرحمن الرحیم" یا دوازده بار تسبیح گفت بدین صورت که "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر" را سه بار تکرار نمود.

ششم: اگر کسی سوره ای از عزائم یعنی سوره های دارای سجده واجب را در نافله بخواند باید در موضع سجده، سجده کند حتی اگر کسی غیر از او بخواند و او بشنود، سپس باید برخیزد و باقی مانده سوره را بخواند سپس به رکوع رود. و اگر آیه دارای سجده در آخر سوره باشد مستحب است بعد از خواندن آن و سجده برخیزد و سوره حمد را بخواند و بعد رکوع نماید.

هفتم: معوذات یعنی سوره "الفلق" و "الناس" از قرآن هستند و می توان آنها را در هر نماز واجب یا مستحب قرائت نمود.

پنجم: رکوع.

رکوع در هر رکعت نماز یک بار واجب است مگر در نماز کسوف و آیات. رکوع در نماز از ارکان است. و در صورت ایجاد خلل در آن عمداً یا سهواً به ترتیبی که خواهد آمد نماز را باطل می کند. واجبات رکوع پنج چیز است:

اول: نماز گزار به قدری خم شود که دستان خود را بر زانوها بگذارد و اگر دستان او به قدری دراز باشد که بدون منحنی شدن به زانوها برسد باید به اندازه فرد سالم خم شود. و اگر به دلیلی نتواند خم شود تا جایی که ممکن است اقدام به خم شدن کند. اگر نتواند باید اشاره کند و اگر شکل او همانند رکوع کننده باشد باید به مقدار کمی هم که شده خم شود تا فرقی بین شکل و رکوع واقع گردد.

دوم: اطمینان از این که بتواند ذکر رکوع را در صورت امکان تا پایان بخواند، اگر بیمار باشد.

و نتواند انجام دهد رکوع از او ساقط می شود. همچنین اگر عذر در اصل رکوع باشد باز انجام آن ساقط می گردد.

سوم: سر برداشتن از رکوع واجب است. جایز نیست مستقیم بعد از رکوع نماز گزار به سجده رود. مگر عذری داشته باشد و اگر برای سر برداشتن به کمک نیاز داشته باشد واجب است کمک بگیرد.

چهارم: اطمینان از سر برداشتن از رکوع یعنی اطمینان از ایستادن و سکون حتی برای مدت کمی هم که باشد.

پنجم: ذکر تسبیح رکوع، یعنی خواندن یک ذکر چه تکبیر باشد و چه تهلیل و حمد و شکر خداوند، کمترین آن یک تسبیح کامل است: سبحان ربی العظیم و بحمده یا سبحان ربی الأعلى و بحمده یا گفتن سه بار سبحان الله و در صورت ضرورت یک بار کفایت می کند. تکبیر برای رکوع واجب است.

سنت در رکوع:

در تکبیر برای رکوع نماز گزار باید دستان را تا نزدیک گوش برساند و بعد دستها را بندازد و بعد رکوع نماید و دستان را در حالی بر زانوها بگذارد که انگشتان آن ها را از هم باز نموده باشد و اگر یکی از دستان مشکل داشته باشد دست دیگر را بر زانو بگذارد.

سنت است که زانوها به عقب رانده شود و کمر راست گردد و گردن در موازات پشت باشد و قبل از ذکر رکوع دعاء کند و تسبیح رکوع را سه یا پنج یا هفت بار یا بیشتر تکرار کند. و امام جماعت صدای خود را در حین رکوع بالا ببرد. نماز گزار باید بعد از سر برداشتن بگوید: **سمع الله لمن حمده** و بعد دعاء بخواند.

مکروه است نماز گزار در حالتی رکوع کند که دستانش زیر لباس باشند.

ششم: سجود.

بعد از هر رکعت دو بار سجده واجب است و هر دو سجده با هم در نماز رکن هستند. و با ایجاد خلل در هر دو سجده سهواً یا عمداً نماز باطل می شود ولی در صورت اخلال سهوی در یکی از آن ها نماز باطل نمی شود.

واجبات سجود شش چیز است:

اول: سجود بر هفت عضو از بدن است: پیشانی، کف دستان، زانوها و انگشت شصت

پاها.

دوم: سجود بر چیزی که سجده بر آن صحیح باشد، سجده بر دنباله عمامه کفایت

نمی کند.

سوم: در سجده باید به اندازه ای خم شد که پیشانی و پاها در یک خط قرار بگیرند. اگر

در محل قرار گرفتن پا و پیشانی اختلاف کمی باشد اشکال ندارد ولی نباید این اختلاف در

ارتفاع بیشتر از ارتفاع یک خشت آجر باشد.

اگر مانعی در سجود باشد تا حد امکان باید خم شود و اگر نتواند واجب است آنچه بر آن سجده می کند را با دست بر دارد و بر پیشانی بگذارد و اگر نتواند باید اشاره کند. چهارم: ذکر سجود همان گونه که در ذکر رکوع گفتیم است اما به جای عظیم و علی باید گفت: الأعظم و الأعلى.

پنجم: اطمینان از واجبات در سجود است مگر در صورت داشتن مانع و ضرورت خاص. **ششم:** نشستن و سر برداشتن از سجده اول برای انجام سجده دوم واجب است و نیز گفتن تکبیر چه هنگام شروع سجده و چه هنگام سر برداشتن از آن واجب است.

مستحبات سجود:

برای سجود هنگام ایستادن به گونه ای تکبیر کند که سر انگشتان تا نزدیک گوش ها برسد و انگشت شصت روبروی حلق انسان قرار گیرد و این نماز ملائکه است. سپس به سمت زمین به گونه ای برود که با دستان خود زمین را بگیرد و نیز مستحب است که محل پیشانی در سجده هم سطح یا کمتر از موضع ایستادن باشد. همچنین مستحب است بینی را به خاک بمالد و دعاء کند و بر ذکر تسبیح سجود تا حد امکان بیفزاید و بین دو سجده دعاء کند و به حالت "تورک" بنشیند و بعد از سجده دوم با اطمینان بنشیند و هنگام برخاستن دعاء کند و بر دستان خود تکیه کند و بعد زانوها را بلند نماید.

اقعاء، یعنی بلند کردن زانو و پاها بین دو سجده مکروه است.

سه مسئله:

اول: اگر کسی مانعی از سجود مانند داشتن دمل داشته باشد اگر پیشانیش به زمین نرسد باید زمین را بکند به گونه ای که جز سالم پیشانی با زمین تماس بیابد و اگر نتواند بر یک طرف از صورت سجده کند و اگر نتواند و مانعی داشت بر چانه خود سجده کند.

دوم: سجده های قرآن پانزده عدد است. چهار سجده واجب، که در سوره های "الم فصلت" و "حم سجده" و "نجم" و "اقرأ باسم ربك" قرار دارند. یازده سجده دیگر مستحب است بدین ترتیب: در سوره "الأعراف" و "الرعد" و "النحل" و "بنی اسرائیل" و "مریم" و در سوره "الحج" در دو موضع و در سوره "الفرقان" و "النمل" و "ص" و سوره "الإنشاق". در

سوره های عزائم، سجده واجب هم بر خواننده و هم شنونده واجب می شود. سجده های مستحب قرآن به هر حال برای شنونده مستحب است. و در این سجده ها تکبیر و تشهد و تسلیم واجب نیست و نیز طهارت و استقبال قبله شرط نیست و اگر فراموش کرد می تواند آن را بعداً به جا آورد. سوم: دو سجده شکر هنگام تجدید نعمت و دفع بلاء و بعد از نماز، مستحب است و بهتر است که میان آنها صورت را بر خاک مالید.

هفتم: تشهد.

بر نماز گزار تشهد در هر نماز دو رکعتی واجب است همین گونه در نماز سه رکعتی و چهار رکعتی دو بار واجب می شود. و اگر در تشهد اول و یا دوم یا هر دو عمداً خلل ایجاد کند نماز باطل می شود.

و امور واجب در تشهد پنج چیز است:

نشستن به میزان تشهد، خواندن شهادتین، و صلوات بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ بدین گونه: *أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، صلوات نیز بدین گونه است: اللهم صل على محمد و آل محمد.* اگر کسی تشهد را به طور کامل نیاموخته باشد با وجود تنگی وقت هر آنچه را که بلد است باید به جا آورد بعد بر او واجب می شود تا آنچه را نیاموخته است را بیاموزد.

سنت در تشهد چنین است:

در حین نشستن به حالت (تورک) بنشینید، یعنی ظاهر کف پای چپ را روی زمین بگذارد و ظاهر راست کف پای راست روی قسمت داخلی کف پی چپ قرار دهد. دعاء و ستایش خدا را بر آنچه واجب بود بیشتر کند.

هشتم: سلام یا تسلیم.

تسلیم در نماز واجب است و آن چیزی است که با آن نماز گزار از حالت نماز خارج می شود و این گونه است: *السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.*

سنت در سلام این است که اگر نماز گزار به صورت فرادا نماز می خواند در حین سلام به سوی قبله باشد و با چشم خود به سمت راست اشاره کند. اما امام جماعت و کسی که نماز جماعت می خواند روی خود را به سمت راست برگرداند و سلام کند و اگر کسی در سمت چپ باشد باید رو به سمت چپ کند و دوباره سلام نماید.

اما سنت در نماز پنج چیز است:

اول: دعاء کردن بعد از هر کدام از دو تکبیر از تکبیرات ششگانه اضافه شده به تکبیرة الاحرام، بدین گونه که سه تکبیر کند و دعاء نماید بعد دو تکبیر کند و دعاء نماید بعد باز دو تکبیر کند و دعاء نماید و اولین تکبیر از تکبیرات هفت گانه را تکبیرة الاحرام قرار دهد و هنگام انجام آن نیت نماز کند و آن را ابتدای نماز قرار دهد.

دوم: قنوت، قنوت در هر رکعت دوم و بعد از قرائت حمد و سوره انجام می شود. مستحب است در قنوت دعاهای معتبر روایت شده ذکر شود در غیر این صورت هر دعایی که بتواند بخواند و کمترین مقدار آن گفتن سه بار سبحان الله است. همچنین قنوت بعد از رکوع چهارم و پایانی در هر نماز نیز مستحب است. نماز جمعه دو قنوت دارد، اولین قنوت در رکعت اول قبل از رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع.

اگر قنوت را نماز گزار فراموش کرد باید بعد از رکوع قضای آن را به جا آورد.

سوم: مشغول کردن چشمها به نگریستن به محل سجود در حین قیام و در حین قنوت به قسمت درونی دست ها و در حال رکوع به میان پاها و در حال سجود به قسمت جلوی بینی و در حال تشهد به پاها و بهتر است که نماز گزار حین نماز چشمان خود را در همه حال فرو گیرد.

چهارم: قرار دادن دستان در حین قیام بر ران همسان با زانوها و در حین قنوت رو بروی صورت و در حین رکوع بر روی زانوها و در حین سجود کنار گوش ها و در حین تشهد روی ران ها.

پنجم: تعقیبات، کم ترین میزان تعقیب نماز سه بار تکبیر گفتن است و نباید در هر حال ترک گردد چرا که این تکبیرها کامل نمودن ده گانه حج و کمال معرفت هستند. بهترین

تعقیب نماز تسبیح حضرت زهرا (س) می باشد و تا حد امکان بعد از آن خواندن دعاهایی که در این مورد روایت شده است.

خاتمه: قطع کُزنده های نماز.

مبطلات دو گونه هستند:

اول: باطل کننده ای که چه به عمد انجام یابند و چه سهواً باشد نماز را باطل می کند، مانند: هر چه که طهارت را باطل می کند، چه به اختیار انسان اتفاق افتد چه بدون اختیار، مانند: ادرار کردن و خروج فضولات و غائط و هر آنچه شبیه این ها باشد و واجب کننده وضوء، جنابت و حیض و آنچه شبیه آنها باشد و واجب کننده غسل.

دوم: باطل کننده ای که فقط در صورتی نماز را باطل می کند که از روی عمد باشد: مانند: گذاشتن دست راست روی دست چپ، و برگرداندن سر به پشت سر، و سخن گفتن بیشتر از دو حرف یا بیشتر، قهقه زدن، و انجام امری که خارج از نماز باشد، گریه کردن برای امور دنیوی، خوردن و آشامیدن اگر زیاد باشد، اما خوردن مقدار کم مانند آنچه از غذا در میان دندان ها باشد نماز را باطل نمی کند. خوردن آب برای کسی که نماز وتر می خواند و تشنه است و می خواهد فردای آن شب روزه بگیرد نیز نماز را باطل نمی کند به شرطی که به قبله پشت نکند.

بافتن مو برای مرد در حین نماز مکروه است.

دیگر مکروهات نماز عبارتند از:

به چپ و راست نگرستن، خمیازه کشیدن، انجام کار بیهوده، فوت کردن محل سجود، پاک کردن بینی از ترشحات، تف کردن، با فشار، صدای مفاصل انگشتان را در آوردن، و آه کشیدن و ناله کردن در حروف و قرائت و با فشار جلوی ادرار و فضولات و باد شکم را گرفتن. همچنین اگر پا پوش نماز گزار تنگ باشد مستحب است که قبل از آن را از پا خارج کند.

چهارمسئله:

اول: اگر شخص حین نماز عطسه کند مستحب است که الحمد لله بگوید، همچنین اگر کسی غیر از او عطسه کند مستحب است که تسمیت کند (یرحمکم الله).

دوم: اگر کسی به نماز گزار سلام کند با همان لفظ پاسخ دهد مثلاً اگر به او بگویند: سلام علیکم نباید بگوید: و علیکم السلام.

سوم: خواندن دعاهایی که دارای تسبیح و ستایش خداوند است یا طلب چیزی از امور مباح دنیوی و اُخروی در حین قیام و در حین نشستن و در حین رکوع و سجود اشکال ندارد. نماز گزار نمی تواند برای چیز حرام دعاء کند و اگر عمداً چنین کند و بداند خواسته اش حرام است نمازش باطل است.

چهارم: نماز گزار می تواند برای جلوگیری از تلف شدن مال و یا فرار دشمن و به خطر افتادن جان کودک و مشابه آن نماز را قطع کند ولی به صورت اختیاری نماز گزار نمی تواند نماز را قطع کند.



رکن سوم: دیگر نمازها

دارای فصل هایی است:

اول: نماز جمعه.

نماز جمعه، و بر چه کسی واجب است، کیفیت و آداب آن.

اول: نماز جمعه.

اول: نماز جمعه نماز دو رکعتی است که با اقامه آن نماز ظهر ساقط می شود و جهر در قرائت در آن مستحب است. و با آغاز زوال خورشید واجب می شود و وقت آن امتداد وقت

نماز ظهر است و اگر در حین اقامه نماز وقت آن به پایان رسد چه امام باشد و چه مأموم باید نماز را به پایان برساند.

وقت اقامه نماز با به پایان رسیدن زمان آن تمام می شود. نماز جمعه قضاء ندارد و با پایان وقت نماز باید نماز ظهر قضاء شود. اگر نماز جمعه واجب گردد و نماز گزار نماز ظهر بخواند بر او واجب است برای اقامه نماز جمعه سعی کند اگر به نماز جمعه رسید باید آن را اقامه کند و اگر به نماز جمعه نرسید باید نماز ظهر را مجدداً بخواند و نماز اول او کفایت نمی کند.

اگر یقین حاصل کند که وقت دارد که به دو خطبه و دو رکعت سبک می رسد نماز جمعه واجب می شود. و اگر یقین حاصل نکند یا گمان کند که وقت ندارد نماز ظهر بر او واجب می شود. همین گونه است اگر به خطبه نماز نرسد و فقط به یک رکعت از نماز برسد باید نماز جمعه بخواند و اگر به رکوع در رکعت دوم رسید همین گونه باید نماز جمعه بخواند. اگر تکبیر گوید و رکوع نماید و شک کند امام در حال رکوع بود یا سرش را از رکوع برداشته است نمی تواند نماز جمعه بخواند و باید نماز ظهر بجا آورد.

نماز جمعه واجب نمی شود مگر با شروطی مانند:

اول: حاکم عادل (امام معصوم) یا کسی که امام او را تعیین کرده باشد. اگر در حین نماز جمعه امام فوت کند نماز باطل نمی شود و مجاز است کسی مقدم شود که توسط او نماز پایان یابد هم چنین اگر برای شخص تعیین شده از سوی امام اتفاقی مانند بیهوشی و اغماء یا جنون یا حدیثی ایجاد شود.

دوم: عدد نماز گزاران، پنج نفر و امام پنجمین آنان باشد، اگر قبل از ورود به نماز متفرق شوند و عدد کمتر گردد و خوب نماز جمعه ساقط می شود ولی اگر تکبیر نماز گفته شد واجب اتمام نماز است حتی اگر یک نفر باقی بماند.

سوم: خطبه ها: نماز جمعه دو خطبه دارد، در خطبه باید امام ستایش خداوند را به جا آورد و بر پیامبر ﷺ و اهل بیت مطهر او ﷺ درود بفرستد و موعظه کند و یک سوره ی کوتاه یا یک آیه از قرآن را تلاوت کند.

اهل بیت ﷺ می فرمایند که: در نماز جمعه، خطیب خداوند را ستایش نماید و به پرهیزگاری دعوت نماید و یک سوره ی کوتاه بخواند سپس بر زمین بنشیند و باز برخیزد و

شکر خدواند را به جا آورد و بر پیامبر ﷺ و اهل بیت او ﷺ درود بفرستد و برای مؤمنین و مؤمنات طلب آمرزش نماید.

می توان خطبه های نماز جمعه را قبل از زوال خورشید آغاز کرد به گونه ای که وقت زوال، خطبه به پایان برسد. واجب است خطبه قبل از نماز باشد و اگر نماز را خواند و بعد خطبه گفت نماز صحیح نمی باشد. با وجود توانایی واجب است که امام جمعه خطبه های نماز را ایستاده بخواند و بین دو خطبه واجب است با نشستن فاصله بگذارد. در حین خطبه طهارت بر امام جمعه واجب است و طهارت بر دیگر نماز گزاران واجب نیست و اگر در حین خطبه حدثی از او صادر شود و طهارتش باطل گردد باید طهارت کند و باز بنا بر خطبه بگذارد. واجب است که امام جمعه صدای خود را بالا ببرد به گونه ای که عدد مشخص نماز گزاران صدای او را بشنوند.

چهارم: جماعت، نماز جمعه فرادا صحیح نیست. اگر امام معصوم حاضر باشد اقامه نماز بر او واجب می گردد و اگر مانعی برای او باشد می تواند کسی را برای اقامه نماز تعیین کند.

پنجم: این که نماز جمعه دیگری تا فاصله (۵.۵ کیلومتری) نباشد اگر با هم اقامه شوند باطل می شوند. و اگر یکی از نمازها بر دیگری پیشی بگیرد حتی اگر به اندازه یک تکبیرة الاحرام باشد نماز متأخر باطل می شود و اگر معلوم نشود کدام پیش تر بوده باید نماز ظهر بخوانند.

دوم: نماز جمعه بر چه کسانی واجب است:

این امر هفت شرط دارد: سن تکلیف، مرد بودن، آزادی، سکونت، سلامتی از نابینایی و معلولیت حرکتی، نگران نبودن به سبب امنیت و نداشتن فاصله بیش تر از (۱۱ کیلو متر) با محل اقامه نماز همه این اشخاص اگر حاضر شوند نماز جمعه واجب می شود و با آنان منعقد می گردد غیر از اشخاصی که از تکلیف خارج گشتند. اگر کافر حاضر شود نماز با او منعقد نمی شود و صحیح نیست گر چه اقامه آن بر او واجب است.

اقامه نماز جمعه بر حاشیه نشینان (نخلستان نشینان و باغداران) و روستا نشینان واجب است همان گونه که بر شهر نشینان واجب است به شرطی که تمام شرایط آن به جا آورده شود همین گونه بر چادر نشینان و صحرا نشینان اگر در حال سکونت باشند.

چند مسئله:

اول: بنده ای که مقداری از مدت بندگی او عتق گردیده و از بندگی ساقط شده باشد و برده ای که با مولای خود قراردادی بسته که یک روز در خدمتش باشد و یک روز آزاد، و روز آزادش را هم بر او واجب نیست در نماز جمعه شرکت کند، غلام و بنده مکاتب^(۱۵) و مدبر^(۱۶) نیز واجب نیست در نماز جمعه شرکت کنند.

دوم: کسی که نماز جمعه از او ساقط است می تواند نماز ظهر را در اول وقت به جا آورد و لازم نیست تا پایان وقت نماز جمعه نماز را به تأخیر اندازد این کار مستحب هم نیست مگر گمان کند که می تواند به نماز جمعه برسد و اگر به نماز جمعه رسید اقامه آن بر او واجب می شود.

سوم: اگر خورشید زوال نمود سفر برای تعیین نماز جمعه مجاز نیست، سفر بعد از طلوع فجر جمعه مکروه است.

چهارم: گوش دادن به خطبه ها واجب است و سخن گفتن نیز حرام است گر چه باعث بطلان نماز نمی شود.

پنجم: امام جمعه باید دارای عقل کامل، ایمان، عدالت، پاکی مولد و مرد باشد اگر در میان نماز گزاران مرد وجود داشته باشد. برده و شخص دارای بیماری پیسی یا جذام و یا فرد کور و نابینا میتواند امام جمعه باشد. فرد کر و لال می تواند امام جمعه شود به شرطی که با افراد کر و لال نماز بخواند و خطبه را با زبان اشاره اداء کند و حضور افراد دیگر با آنان واجب نیست.

ششم: فرد مسافر اگر نیت اقامت ده روز یا بیشتر در شهری نماید نماز جمعه بر او واجب می گردد همچنین اگر شخصی نیت اقامت نکرد و بیش از سی روز در یک جا بماند.

هفتم: اذان دوم روز جمعه بدعت است.

۱۵. شخصی که با مولای خود قراردادی مبنی بر اینکه مبلغی را پرداخت کند و آزاد بشود و هنوز آزادیش کامل نشده است.

۱۶. شخصی که مولایش به او گفته است که بعد از مرگ من آزاد می شوی.

هشتم: خرید و فروش بعد از اذان روز جمعه حرام است. اگر کسی چنین کند گناه کرده است ولی معامله صحیح است. اگر یکی از طرفین معامله نماز جمعه بر او واجب نباشد از دید او گناهی مرتکب نشده اما از طرف دیگر فرد دوم گناه کرده است.

نهم: اگر امام موجود نباشد و کسی که امام او را تعیین کرده نیز نباشد و اجتماع برای نماز جمعه ممکن باشد خواندن نماز جمعه مستحب می شود.

دهم: اگر نماز گزار به هر دلیل مثلاً شلوغی نتواند اولین سجود را همراه امام به جای آورد اگر بتواند باید سجده کند و قبل از رکوع دوم امام به نماز ادامه دهد نمازش صحیح است، اما اگر نتواند باید بدین گونه ادامه دهد تا هنگامی که امام در سجود رکعت دوم است نماز گزار در دو سجود رکعت اول باشد و اگر نیت نا دانسته و از روی سهو نیت سجود دوم نماید نمازش صحیح است.

آداب نماز جمعه:

غسل و بیست رکعت نماز نافله بدین صورت: شش رکعت هنگام بر آمدن خورشید و شش رکعت هنگام ارتفاع آن در آسمان، شش رکعت نیز قبل از زوال و دو رکعت هنگام زوال، اگر دو رکعت آخر را بعد از زوال به جای آورد مجاز است ولی قبل از زوال خواندن نافله بهتر است. خواندن شش رکعت نافله بین نماز جمعه و نماز عصر مجاز است. مستحب است نمازگزار به موقع در مسجد اعظم و محل اقامه نماز حاضر گردد و قبل از آن موی سر خود را بتراند و ناخن خود را کوتاه نماید و سیل خود را نیز کوتاه نموده باشد و با دلی آرام و با بهترین لباسی که دارد همراه با عطر و بوی خوش در مسجد حضور یابد و قبل از حرکت خود دعاء کند. خطیب جمعه نیز باید سخن ور و بلیغ باشد و بر اقامه نماز در اول وقت مداومت کند.

سخن گفتن هنگام خطبه های نماز جمعه بغیر آنچه در خطبه است مکروه است.

مستحب است که نماز گزار چه در تابستان و چه در زمستان بر سر خود عمامه ببندد و عبای یمنی بر تن کند و بر چیزی تکیه کند (مانند عصاء)، و در سلام کردن به دیگران پیشقدم باشد و قبل از شروع خطبه نماز در صف نماز بنشیند و اگر امام هنگام قرائت سوره در نماز در

رکعت اول سوره جمعه و در رکعت دوم سوره المنافقون را بخواند مگر این که امام بیشتر از نصف سوره را خوانده باشد همچنین اگر امام سوره الکافرون یا توحید را بخواند. مستحب است کسی که نماز ظهر را روز جمعه می خواند هنگام قرائت جهر کند و با صدا بلند نماز بخواند همچنین بهتر است که نماز ظهر را در مسجد اعظم و محل اقامه نماز جمعه بر پا دارد و اگر امام جمعه از کسانی باشد که نمی توان به او اقتداء کرد مأموم می تواند نماز خود را بر او پیش بردارد اما بهتر است که همراه همه به صف بایستد و بعد اتمام نماز امام، نماز گزار نماز ظهر خود را کامل کند.

فصل دوم: نماز عیدین (عید فطر و عید قربان).

چگونگی برپایی و مستحبات آنها:

اقامه نماز عید هنگام حضور امام معصوم علیه السلام با شروطی که برای نماز جمعه ذکر شد واجب است. نماز عید واجب است که به جماعت خوانده شود و تخلف از اقامه آن مجاز نیست مگر با وجود عذر در این صورت مستحب است که فرادا بر پا گردد. اگر شرایط اقامه نماز عید دچار اشکال شد اقامه آن چه به جماعت و چه فرادا مستحب می شود.

وقت نماز عید از طلوع خورشید تا هنگام زوال است و اگر وقت آن گذشت قضاء ندارد.

چگونگی اقامه ی نماز عید بدین صورت است که برای احرام هفت تکبیر بگوید و حمد و سوره بخواند بهتر است در رکعت اول سوره الأعلى خوانده شود سپس قنوت کند بدان چه مرسوم است و تکبیر بگوید تا پنج بار سپس تکبیر بگوید و رکوع و دو سجده به جا آورد بعد برخیزد و حمد و سوره بخواند. بهتر است در رکعت دوم سوره الغاشیه خوانده شود سپس چهار تکبیر بگوید و بین آنها چهار بار قنوت کند سپس تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود و بعد سجده کند پس تکبیرات نُه تکبیر می شوند یعنی علاوه بر هفت تکبیر احرام نماز و دو تکبیر هنگام رکوع و تکبیرات سجده های نماز باید در رکعت اول پنج تکبیر و در رکعت دوم چهار تکبیر بگوید.

مستحبات نماز عید:

بهرتر است در صحرا خوانده شود مگر در مکه مکرمه و بهتر است بر زمین سجده گردد. مؤذن برای نماز عید باید سه بار بگوید: الصلاة، چرا که جز برای پنج نماز واجب یومیه اذان گفته نمی شود.

همچنین از سنت است که امام نماز عید پا برهنه و پیاده با وقار و در حال ذکر خدا به سوی محل اقامه نماز برود. و نیز از سنت است که در عید فطر قبل از نماز و در عید قربان بعد از نماز طعام دهد.

از سنت های عید فطر تکبیر گفتن بعد از چهار نماز که نخستین آنها نماز مغرب شب عید فطر است و آخرینشان خود نماز عید است. سنت تکبیر در نماز عید قربان پس از پانزده نماز است برای کسی که در منی در مکه باشد و اولین نماز ظهر روز قربان است و کسی که در شهر خویش است سنت تکبیر برای او بعد از ده نماز خواهد بود و باید چنین بگوید: (الله أكبر، لا إله إلا الله، و الله أكبر، و الحمد لله على ما هدانا وله الشكر على ما أولانا) و در عید قربان این عبارت را نیز اضافه کند: (و رزقنا من بهيمة الأنعام).

خروج با اسلحه برای نماز عید مکروه است همچنین خواندن نافله قبل و بعد از نماز عید مکروه است مگر در مسجد النبی ﷺ که دو رکعت نماز قبل از خروج از مسجد خوانده می شود.

پنج مسئله:

اول: تکبیر اضافه شده در نماز عید واجب است و همچنین قنوت واجب است اما تعیین در آن نیست و می توان هر دعایی را خواند اما بهتر است این دعاء خوانده شود: (أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، و أشهد أن محمداً عبده و رسوله، و أشهد أن علياً و الأئمة من ولده حجج الله، و أشهد أن المهدي و المهديين من ولده حجج الله، اللهم أهل الكبرياء و العظمة، و أهل الجود و الجبروت، و أهل العفو و الرحمة، و أهل التقوى و المغفرة، أسألك في هذا اليوم الذي جعلته للمسلمين عيداً، و لمحمد ذخراً و شرفاً و كرامةً و مزيداً، أن تصلي على محمد و آل محمد كأفضل ما صليت على عبدٍ من عبادك، و صل على ملائكتك و رسلك، و أغفر للمؤمنين و

المؤمنات، الأحياء منهم و الأموات، اللهم إني أسألك من خير ما سألك عبادك المرسلون، و أعوذ بك من شر ما عاذ منه عبادك المرسلون).

دوم: اگر عید فطر یا قربان با روز جمعه مصادف شد هر کس نماز عید را بر پا دارد در مورد اقامه نماز جمعه مختار است و امام نماز عید، در خطبه نماز عید باید این امر را تذکر دهد.
سوم: خطبه های نماز عید فطر و قربان بعد از نماز خواهد بود و تقدیم آنها قبل از نماز بدعت است و گوش دادن به آنها واجب است.

چهارم: برای نماز عیدین منبر از مسجد به صحراء برده نشود. مستحب است از گِل چیزی شبیه منبر ساخته شود.

پنجم: اگر در روز عید فطر یا قربان خورشید طلوع کرد سفر حرام می شود تا نماز عید را به جا بیاورد، اگر از کسانی باشد که نماز بر او واجب است. سفر بعد از فجر و قبل از طلوع مجاز است ولی مکروه می باشد.

فصل سوم: در نماز خسوفه (نماز آیات).

سبب نماز و چگونگی اقامه نماز و احکام آن.

اما اول: نماز آیات در حین کسوف خورشید و خسوف ماه و زلزله واجب است. همچنین برای بادهایی که تاریکی می آورند و ترس هایی که سبب آن از سوی آسمان واقع می شوند واجب می گردد.

وقت نماز در حین کسوف از لحظه آغاز آن تا پایان کسوف است و اگر مدت زمان کسوف به اندازه اقامه نماز نباشد نماز واجب نخواهد بود. همچنین در مورد باد و دیگر امور موجب ترس از آسمان. اما در مورد زلزله واجب است حتی اگر مدت زیادی طول نکشد و نماز را به نیت اداء بخواند هر چند زمین از حرکت بایستد.

اگر کسی نداند کسوف شده و کسوف تمام شود قضاء بر او واجب نیست مگر این که خورشید گرفتگی کلی باشد و تمام قرص خورشید تاریک گردد در این صورت قضاء دارد. در غیر کسوف قضاء نیست اگر وقت آن تمام شود. اما اگر کسی بداند و از روی کم کاری و یا فراموشی نماز را اقامه نکند برای همه امور باید قضاء را به جا آورد.

کیفیت نماز آیات: اول با هفت تکبیر احرام شروع می شود (یک تکبیر برای احرام و به دنبال آن شش تکبیر واجب)، سپس سوره حمد را بخواند و یک سوره بخواند و رکوع کند. سپس سر خود را بلند کند اگر در رکعت اول بعد از حمد کل سوره را خوانده در رکعت دوم باز حمد و یک سوره بخواند اما اگر در رکعت اول بعد از حمد کل یک سوره را نخوانده است در رکعت دوم از جایی که متوقف شده تلاوت را ادامه دهد. تا پنج رکوع ادامه دهد. بعد از این کار به سجود برود و دو سجده بکند و برخیزد و حمد را بخواند و دوباره پنج رکوع مانند رکوع های اول نماز بجای آورد. بعد از آن دو سجده به جای آورد و تشهد بخواند و سلام دهد.

مستحب است که: نماز به جماعت خوانده شود و آن قدر طول بکشد که کسوف تمام شود و اگر نماز قبل از پایان کسوف تمام شد دوباره آن را به جای آورد. همچنین مستحب است مدت زمان هر رکوع به اندازه مدت قرائت حمد و سوره باشد. نیز مستحب است در صورت وجود زمان کافی سوره های طولانی خوانده شود و بعد از هر بار سر بر آوردن از رکوع تکبیر بگوید مگر در رکوع پنجم و دهم که در آنها باید بگوید: سمع الله لمن حمده، بعد از هر رکوع هم مستحب است قنوت کند. (پنج قنوت).

احکام نماز آیات:

اول: اگر نماز آیات با یکی از نمازهای واجب پنج گانه همزمان شد نماز گزار در اقامه هر کدام از آنها خود مختار است مگر این که با اقامه یکی وقت دیگری تنگ می گردد در این صورت نمازی که وقتش تنگ می گردد واجب است اول خوانده شود.

دوم: اگر وقت نماز آیات برای خسوف ماه و وقت نماز نافله شب هم زمان گردد خواندن نماز آیات سزاوارتر است و باید خوانده شود حتی اگر وقت نافله تمام شود، در این صورت قضای نافله را به جا بیاورد.

سوم: می توان نماز آیات (کسوف) را بر پشت مرکب و ابزار سفر و یا در حال راه رفتن خواند اگر در این کار اجباری باشد.

فصل چهارم: نماز بر میت.

در آن بخش هایی است:

اول: بر چه کسی باید نماز میت خوانده شود.

بر هر کسی که در ظاهر به شهادتین اقرار کند. کودکی که بالای شش سال باشد و حکم مسلمان داشته باشد و در این امر مرد و زن و غلام و آزاد فرق نمی کند. خواندن نماز بر کودک زیر شش سال اگر زنده متولد شده باشد مستحب است اما اگر نوزاد سقط شده باشد هر چند روح داشته باشد نماز میت بر او خوانده نمی شود.

دوم: چه کسی باید نماز بخواند.

هر کس که در میراث حق بیشتری دارد سزاوارتر به نماز است. همچنین پدر از فرزند سزاوارتر است. همچنین فرزند از جد و برادر و عمو، برادر از پدر و مادر از برادر ناتنی سزاوارتر است.

زوج بر زن سزاوارتر از خانواده زن است هر چند فامیل مرد هم باشند.

و اگر افراد سزاوار به نماز گروهی باشند از میان آنان مرد بر زنان سزاوارتر است و فرد آزاد از بنده و غلام سزاوارتر است.

فرد سزاوار به نماز در صورتی می تواند نماز را بخواند که شرایط امامت نماز میت را داشته باشد، در غیر این صورت فرد دیگری باید نماز بخواند.

اگر چند نفر از اولیای میت برابر شدند فقیه ترین و بعد پرهیزگارترین آنان باید نماز را بخواند. کسی حق اقامه نماز را بر میت ندارد مگر با اجازه ولی میت هر چند که ولی میت شرایط اقامه را نداشته باشد چرا که او مکلف به این امر است.

امام معصوم از همه برای اقامه نماز میت اولویت دارد همچنین فرد هاشمی از دیگران سزاوارتر است اگر ولی میت از او بخواهد و شرایط امامت نماز را داشته باشد.

مجاز است که زن نماز میت را امامت کند اگر نماز گزاران همه زن باشند ولی مکروه است از صف اول جدا شود و باید با همه در یک صف باشد، هم چنین است حکم امام اگر نماز گزاران مردانی باشند که لباس پوشیده باشند امام نباید از صف جدا شود.

در غیر از این دو حالت امام باید از صف اول کمی جلوتر بایستد هر چند که نماز گزار در پشت سرش فقط یک نفر باشد.

اگر چند زن پشت سر یک مرد نماز بخوانند باید حتماً پشت سر او بایستند اگر چند مرد نیز موجود باشند زنان باید پشت سر مردان بایستند.

اگر زنی که حیض می بیند در میان نماز گزاران زن باشد مستحب است از صف جدا بایستد.

سوم: کیفیت نماز میت.

نماز میت پنج تکبیر است و دعاء میان آنها واجب نیست بلکه مستحب است و بهتر است که به عنوان دعاء آن چه محمد بن مهاجر از مادرش _ ام سلمه _ از امام صادق علیه السلام روایت می کند خوانده شود. ایشان فرمود:

كان رسول الله إذا صلى على ميت كبر وتشهد، ثم كبر وصلى على الأنبياء ودعا، ثم كبر ودعا للمؤمنين، ثم كبر الرابعة ودعا للميت، ثم كبر [الخامسة] وانصرف. (همانا که پیامبر اگر بر میتی نماز می خواند تکبیر می گفت و به یگانگی خداوند و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله شهادت می داد و تکبیر می گفت و بر انبیاء صلی الله علیه و آله درود می فرستاد و دعاء می نمود و تکبیر می گفت و برای مؤمنین دعاء می نمود و تکبیر می گفت و برای مرده دعاء و طلب آمرزش می نمود و تکبیر (پنجم) را می گفت و نماز را پایان می داد).

اگر مرده منافق باشد نماز گزار می تواند بعد از تکبیر چهارم نماز را تمام کند یا این که بعد از تکبیر چهارم میت را نفرین کند و نماز را با پنج تکبیر تمام کند.

در نماز میت واجب است که: نیت کند و به سوی قبله بایستد و سر جنازه را در سمت راست نماز گزار بگذارند. طهارت برای نماز گزاران از شرایط نماز نیست. نباید از جنازه فاصله فراوان گرفت. جنازه را قبل از نماز باید غسل و کفن نمود، اگر مرده کفن نداشته باشد باید جنازه را در قبر قرار داد و عورتش را پوشاند و بعد از آن نماز را برگزار نمود.

سنت های نماز میت:

این است که امام مقابل کمر و میانه جسم میت قرار بگیرد و مقابل سینه برای زن میت بایستد. اگر دو میت باشند یک مرد و یک زن مرد را نزدیک امام نماز قرار دهند به شکلی که

امام مقابل کمر مرد بایستد و بعد از آن زن را به گونه ای قرار دهند که امام مقابل سینه اش باشد و فضیلت بیشتر در این حالت است اگر کودکی نیز مرده باشد در این صورت بعد از زن باید قرار داده شود.

از سنت است که امام نماز میت طهارت داشته باشد و نعل و کفش خود را از پا بیرون کند و بعد از هر تکبیر دستان خود را بالا ببرد. مستحب است بعد از تکبیر چهارم برای میت اگر مؤمن باشد دعاء کند و اگر منافق باشد علیه او دعاء کند و اگر از مستضعفین بود در خور حال او دعاء کند. اما اگر حقیقت را در مورد میت نداند دعاء کند که وی را با آن کس که در ولایت او بود محشور کند، اگر کودک باشد دعاء کند که این کودک باعث صلاح حال پدرش و شافع او باشد. پس از نماز باید امام در محل خود بایستد تا جنازه را بلند کنند. نماز میت باید در محل های عادی برای نماز خوانده شود و خواندن آن در مسجد جایز است. مکروه است بر یک جنازه دو بار نماز خوانده شود.

پنج مسئله:

اول: اگر فردی بعد از آغاز نماز به نماز گزاران ملحق شود از امام پیروی کند تا زمانی که امام از نماز فارغ گردد و فرد ملحق شده بهتر است نماز را کامل کند. اگر جنازه را برای دفن بلند نمودند بهتر است در حین دفن نماز را کامل کند.

دوم: اگر مأموم از امام نماز یک تکبیر و یا بیشتر جلو بیفتد از نو باید شروع کند و همراه امام نماز را بخواند.

سوم: اگر بر جنازه ای نماز نخوانده شد و او را دفن کردند مجاز است بر قبر او نماز خوانده شود هر چند که مدت زیادی بر آن گذشته باشد. نماز بر مؤمن نباید ترک گردد.

چهارم: نماز میت را در هر زمان می توان خواند مگر این که خواندن آن باعث تنگ شدن وقت نماز واجب دیگری گردد.

اگر بترسند که برای مرده مشکلی پیش آید اگر نماز واجب وقت کافی داشته باشد نماز میت را می توان بر نماز واجب مقدم نمود.

پنجم: اگر در حین نماز بر یک جنازه میتی دیگری را برای نماز بیاورند امام نماز مختار است که برای هر دو، نماز را ادامه دهد یا اینکه نماز را بر میت اول تمام کند و بر جنازه دوم جداگانه نماز بخواند.

فصل پنجم: نماز های مرغوبه (نماز های مستحب).

این نماز ها دو بخش هستند:

بخش اول: نماز هایی که وقت معین دارند مانند نوافل نمازهای روزانه که احکام آن ها بیان شد.

غیر از این خود دو نوع هستند: آن نمازهایی که وقت معین عینی ندارند و این شامل گروه بزرگی از نمازها می شود که مهم ترین آنها را ذکر می کنیم:

اول: نماز استسقاء (نماز طلب باران). مستحب است که هنگام کم شدن باران و خشک شدن رودها خوانده شود. کیفیت آن مانند نماز عید فطر و قربان است که البته مواضع دعاء در قنوت نمازها را باید در استعطاف خداوند و طلب رحمت الهی با فرو فرستادن باران مبدل نمود. می توان از دعاهایی که در ذهن دارد برای این کار استفاده کند در غیر این صورت می توان از دعاهایی که از اهل بیت علیهم السلام روایت شدند استفاده نمود.

سنت در نماز استسقاء:

سه روز روزه گرفتن مردم به شکلی که در روز سوم برای اقامه نماز به صحراء بروند و مستحب است که روز دوشنبه را به این کار انتخاب دهند اگر نشود روز جمعه را برای نماز برگزینند. سنت است که با پای پیاده و پا برهنه به صحراء بروند و با وقار و سکینه حرکت کنند و نماز را در مساجد اقامه کنند و همراه خود پیر مردان و پیر زنان و کودکان را ببرند. نباید از اهل ذمه^(۱۷) کسی را بیاورند.

بهرتر است کودکان را از مادرانشان جدا کنند. امام نماز بعد از اتمام نماز رداء خود را دور خود بپیچد و رو به قبله با صدای بلند صد بار تکبیر بگوید و به سمت راست خود صد بار سبحان الله بگوید و به سمت چپ صد بار لا اله الا الله بگوید و رو به مردم صد بار الحمد لله

۱۷. افراد غیر مسلمان که در شهرهای مسلمانان زندگی می کنند.

بگوید و مردم نماز گزار در همه آنها او را همراهی کنند. سپس خطبه بخواند و در خطبه در تضرع به خداوند مبالغه کند. اگر در اجابت تأخیر شد دوباره نماز را تکرار کنند تا مورد رحمت قرار بگیرند. خواندن نماز استسقاء در هنگام کم شدن باران و خشک شدن چشمه ها و چاه ها هم جایز است.

دوم: نماز استخاره، نماز حاجت، نماز شکر، نماز زیارت.

نمازهای مستحب که وقت معین دارند و پنج نماز هستند:

اول: نافله ماه مبارک رمضان، که در روایات آمده استحباب خواندن هزار رکعت نماز در این ماه اضافه بر نمازهای نافله معین روزانه بدین صورت که در هر شب بیست رکعت خوانده شود که بعد از نماز مغرب هشت رکعت و بعد از نماز عشاء دوازده رکعت و در ده شب آخر هر شب سی رکعت به ترتیب ذکر شده، و در سه شب افراد (نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم) هر کدام صد رکعت.

اگر در شبهای افراد فقط صد رکعت را بجا آورد همانا که بر گردنش هشتاد رکعت باقی می ماند که باید در هر جمعه ده رکعت نماز امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا (س) نماز جعفر علیه السلام را به جا آورد و در آخرین جمعه ماه مبارک بیست رکعت نماز امام علی علیه السلام و در شامگاه آن جمعه بیست رکعت نماز حضرت فاطمه زهرا (س) نیز بخواند.

نماز امیر المؤمنین امام علی علیه السلام بدین صورت است: چهار رکعت که هر دو رکعت یک تشهد و سلام دارد که در رکعت اول حمد یک بار و پنجاه بار سوره توحید خوانده می شود. نماز حضرت فاطمه زهرا (س) نیز دو رکعت است، رکعت اول حمد یک بار و سوره قدر صد بار و در رکعت دوم حمد یک بار و سوره توحید صد بار. نماز جعفر علیه السلام نیز چهار رکعت است هر دو رکعت تشهد و سلام دارد در رکعت اول حمد یک بار و سوره الزلزال یک بار پس پانزده بار بگوید "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر"، سپس رکوع کند و ده بار بگوید "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر"، چون سر بر آورد ده بار همان را بگوید. همچنین ده بار در سجود این ذکر را بگوید چون سر بر آورد ده بار بگوید و در سجده دوم نیز ده بار بگوید و چون سر بر آورد پس در هر رکعت این ذکر هفتاد و پنج بار گفته می شود. در رکعت دوم حمد یک بار و سوره العادیات و در رکعت سوم سوره

النصر و در رکعت چهارم سوره التوحید خوانده شود. اگر نماز تمام شد مستحب است دعای مخصوص آن نیز خوانده شود.

دوم: نماز شب عید فطر که دو رکعت است در رکعت اول حمد یک بار و سوره توحید هزار بار و در رکعت دوم حمد یک بار و سوره توحید یک بار.

سوم: نماز روز غدیر و آن روز هجدهم ماه ذی الحجه نیم ساعت قبل از زوال خورشید **چهارم:** نماز شب نیمه شعبان.

پنجم: نماز شب مبعث و روز مبعث که چگونگی آن ها در کتب عبادات آمده است. **خاتمه:** در همه نمازهای نافله گر چه افضل آن است که ایستاده خوانده شود اما خواندن نشسته جایز است. اگر هر دو رکعت نشسته را به جای یک رکعت ایستاده بشمارد بهتر است.



رکن چهارم: مشتمل بر چند فصل است

فصل اول: اشکالات واقع در نماز.

که یا از روی عمد است یا از روی سهو و یا از روی شک.

اما عمد:

هر کس که عمداً در یکی از واجبات نماز خللی ایجاد کند نمازش باطل است به شرطی که آنچه در آن اخلال ورزیده (مانند طهارت و رو به قبله بودن) یا مقداری از آن واجب که در آن اخلال ورزیده (مانند قرائت و سجده) یا در شکل واجب باشد (مانند موارد مساجد هفتگانه) یا واجبی را ترک کند یا این که آنچه را باید انجام دهد، ترک کند مانند کلام بع دو حرف و قهقهه یا آنچه را که نباید انجام دهد در نماز عمل کند اگر جاهل به وجوب این امر باشد مگر اخفات و یا جهر در نماز در محل خودشان که مبطل نماز نیست.

اگر غصبی بودن لباس یا مکان نماز یا نجس بودن لباس یا بدن یا محل سجود را نداند در این صورت نماز اعاده ندارد و تکرار نمی شود.

فروع:

اول: اگر با وجود آگاه بودن با آب غصب شده وضوء بگیرد و نماز بخواند هم طهارت و هم نماز را باید از نو بخواند ولی در صورت عدم آگاهی نیازی به تکرار وضوء و نماز نمی باشد.

دوم: اگر بر پوست حیوانی نماز بخواند و نداند که این پوست نجس است بعداً بفهمد نجس بوده اگر این پوست را از مسلمانی خریده یا از بازار مسلمانان تهیه نموده نمازش تکرار ندارد اما اگر از غیر مسلمان خریده باشد یا آن را جایی یافته است باید نماز را از نو بخواند.

سوم: اگر بر چیزی نماز خواند و جنس آن برای نماز خواندن جایز نباشد باید نماز را تکرار کند.

اما در صورت سهو:

اگر در یکی از ارکان نماز اخلال ایجاد شود نماز باید تکرار شود مانند کسی که در قیام اخلالی داشت تا هنگامی که نیت کرد و کسی که نیت کرد تا زمانی که تکبیر بگوید و کسی که تکبیر بگوید تا زمانی که قرائت را آغاز کند و رکوع کرده تا زمانی که به سجده برود و کسی که سجده را به جا آورد تا زمانی که دو باره به رکوع برود و بعد از آن در همه این حالت ها نماز باطل و باید از نو بخواند. همچنین اگر کسی به نماز یک رکعت یا فقط یک رکوع یا دو سجده اضافه کرد چه عمد و چه سهو و نادانسته نماز را باید از نو بخواند. اگر در رکوع شک کند و دوباره رکوع کند و بعد بیاد بیاورد که قبلاً رکوع کرده بود نماز باطل است. اگر یک رکعت را کم نماید و قبل از این که کاری کند که مبطل نماز باشد بیاد بیاورد باید نماز را کامل کند هر چند نماز دو رکعتی باشد اما اگر فعل مبطل نماز انجام داده باشد چه عمدی باشد و چه سهو نماز را باید تکرار کند. اما اگر عملی انجام داده باشد که فقط در صورت عمدی بودن مبطل نماز است مانند سخن گفتن باید نماز را کامل کند و دو سجده سهو به جا بیاورد. حال اگر عملی مانند سلام را فراموش کند و بعداً بیاد بیاورد تسلیم را به جا بیاورد و نماز صحیح خواهد بود حتی اگر کاری انجام دهد که چه عمداً و چه سهواً مبطل

نماز است نماز صحیح است. اگر سجده‌تین را ترک کند و انجام ندهد و نداند از دو سجده کدام رکوع را به جا نیاورده است باز باید نماز را تکرار کند، اما اگر دو سجود مربوط به دو رکوع متفاوت باشد و نداند کدام رکوع بوده نماز را تکرار نمی‌کند و باید سجده‌تین را قضاء کند و دو سجده سهو بجای آورد.

حال به صورت سهو اگر اخلال در واجب غیر رکن نماز باشد سه حالت دارد: اخلالی که لازم به، بجای آوردن آن نیست و اخلالی که بدون سجده سهو بجا آوردن آن لازم است و اخلالی که هم بجا آوردن آن و هم دو سجده سهو لازم می‌باشد.

اول: اگر کسی خواندن حمد و سوره یا جهر و بلند کردن صدا یا اخفات و آرام سخن گفتن را در محل خود فراموش کند، یا کسی که حمد و سوره را بخواند تا زمانی که رکوع کند و ذکر رکوع از اعمال خود مطمئن باشد تا زمانی که سر خود را بالا ببرد یا سر خود را بالا ببرد تا زمانی که سجده کند، یا در ذکر سجود یا گذاشتن هفت عضو سجود بر زمین از عمل مطمئن باشد و بعد سر خود را بالا ببرد همچنین تا سجده دوم یا ذکر سجده دوم را سهواً صحیح نگوید و باز سجود بر هفت عضو در سجده دوم را سهواً درست اداء نکند همه این امور نیاز به تدارک و جبران بعد از به یاد آوردن ندارد.

دوم: اگر کسی قرائت حمد را سهواً انجام ندهد و اقدام به خواندن سوره کند و بیاد بیاورد حمد را نخوانده است باید اول حمد را بخواند و بعد دوباره سوره را از اول بخواند. همچنین اگر کسی رکوع نکند و قبل از به سجده رفتن بیاد بیاورد باید برخیزد و رکوع کند بعد سجده را به جا بیاورد؛ همچنین است اگر کسی یک یا دو سجود را ترک کند یا تشهد را نگوید تا قبل از رکوع بعد از آن به یاد آورد باید نخست عمل ترک شده را انجام دهد و نمازش را ادامه دهد در این دو حالت سجده سهو لزوم ندارد. اگر کسی بعد از سلام بیاد بیاورد که بر محمد و آل محمد صلوات نفرستاده است بعد از سلام نماز می‌تواند آن را انجام دهد.

سوم: اگر کسی سجود یا تشهد را فراموش کند و بیاد بیاورد مگر بعد از انجام رکوع بعد از آنها باید اول هر دو یا یکی از آنها را به جا بیاورد و نماز را تمام کند و بعد از آن دو سجده سهو انجام دهد.

و شک در نماز:

که در آن مسائلی است:

اول: اگر کسی در نماز دو رکعتی مانند نماز صبح و نماز سفر و نماز عید فطر و قربان اگر واجب باشند و نماز کسوف (آیات) و هم چنین نماز مغرب شک کند باید نماز را از نو تکرار کند.

دوم: اگر نماز گزار در مقداری از افعال نماز خود شک کند اگر در همان حال بیاد آورد باید عمل را انجام دهد و نماز را کامل کند و اگر به عمل دیگری منتقل شده بود باید نماز را ادامه دهد هر چند که این عمل رکن باشد یا غیر رکن و فرقی ندارد که در دو رکعت اول باشد یا در دو رکعت آخر.

تبصره: اگر نیت نماز تحقق یابد و شک کند که مثلاً برای نماز ظهر نیت کرده یا نماز عصر یا نماز واجب نیت کرده یا نافله باید نماز را ادامه دهد.

سوم: اگر در تعداد رکعات نماز چهار رکعتی شک کند اگر شک در دو رکعت اول باشد نماز را باید تکرار کند همچنین اگر نداند چند رکعت نماز خوانده باید نماز را تکرار کند. اگر در به جا آوردن دو رکعت اول یقین داشته باشد و در آن چه اضافه بر آن انجام داده شک کند احتیاط بر او واجب می شود.

چهار مسئله:

اول: اگر کسی بین دو رکعت یا سه رکعت شک کند باید بنا را بر سه بگذارد و نماز را کامل کند و تشهد و سلام بخواند و بعد از آن یا یک رکعت نماز ایستاده یا دو رکعت نماز نشسته بخواند.

دوم: اگر نماز گزار بین سه و چهار رکعت شک کند باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و تشهد و سلام بخواند و بعد مانند مسئله اول باید احتیاط کند یعنی یا یک رکعت نماز ایستاده بخواند یا دو رکعت نشسته.

سوم: اگر نماز گزار بین دو و چهار رکعت شک کند بنا را بر چهار بگذارد و تشهد و سلام بگوید نماز را تمام کند و بعد باید دو رکعت نماز ایستاده بخواند.

چهارم: اگر نماز گزار بین دو و سه و چهار شک کند باید بنا را بر چهار بگذارد و تشهد و سلام بخواند و بعد دو رکعت نماز ایستاده بخواند و دو رکعت نماز نشسته. در همه حالات ذکر شده بهتر است نماز گزار تعداد کمتر را در نظر بگیرد و نماز خود را کامل نموده، اگر بنای نماز گزار بر کمتر از چهار رکعت باشد نماز را کامل کند و با سلام پایان دهد و دو سجده سهو به جا بیاورد، اگر چهار رکعت بود نماز را با سلام خاتمه دهد و دو سجده سهو نماید و اگر در رکعت چهارم بود نیز نماز را کامل کند و سلام بخواند و دو سجده سهو انجام دهد.

در این باره مسائل وجود دارند:

اول: اگر گمان نماز گزار بر یکی از طرفین شک بیشتر بود باید بر آن طرف بنا کند و ظن او در حکم علم است.

دوم: در نماز احتیاط سوره حمد باید خوانده شود.

سوم: اگر قبل از انجام نماز احتیاط عملی مرتکب شود که مبطل نماز است کل نماز باطل می شود.

چهارم: اگر در سهو و عمل غیر عمد هم سهو اتفاق افتاد نباید بدان توجه نمود و نماز را باید کامل کرد. همچنین است اگر مأموم در نماز شک کند باید نماز را با امام جماعت تنظیم کند و نماز را کامل کند. و نماز امام جماعت شک ندارد اگر نماز گزاران پشت سرش در حال ادامه ی نماز باشند.

اگر سهو زیاد باشد حکمی ندارد و کثرت به امر عادت ارجاع می شود. هر کس در روز یک بار در نماز شک کند کثیر الشک حساب می شود.

پنجم: اگر کسی در نماز نافله شک کند می تواند بر عدد بیشتر رکعات بنا کند هر چند که اگر بر عدد کمتر بنا کند بهتر است.

خاتمه: دو سجده سهو.

به جا آوردن سجدتین سهو همان گونه که گفتیم واجب است همچنین اگر کسی سهو در نماز سخن بگوید و در غیر محل سلام نماز را انجام دهد یا بین چهار رکعت و پنج رکعت شک کند باید سجدتین سهو را انجام دهد.

در نماز جماعت اگر امام جماعت سجده سهو کند مأوم هم باید سجده سهو کند اگر برای امام در این کار سببی باشد همچنین هر کدام از آنها می توانند سجده سهو را برای خود به تنهایی به جا آورد اگر انجام آن را بر خود واجب بدانند.

موضع به جا آوردن سجدتین سهو بعد سلام نماز است برای زیادی یا کم بودن اعمال نماز بدین صورت که: اول نیت کند و مستحب است که تکبیر بگوید و سجده کند و سر خود را بالا ببرد و دو باره سجده کند و باز سر خود را بالا ببرد و یک تشهد سبک بخواند و بعد از آن سلام دهد. خواندن ذکر سجود در سجده های سهو واجب نیست بلکه مستحب است. اگر کسی عمداً سجده سهو را ترک کند نمازش باطل نمی شود بلکه آن را بعداً انجام دهد هر چند که مدت طولانی شود.

فصل دوم: در قضاء نماز.

که در مورد آن علت گذشتن وقت، قضاء شدن نماز و خود قضاء و امور متعلق به این کار را بیان خواهیم نمود.

سبب قضاء شدن نماز:

اموری که موجب قضاء نمی شوند که هفت مورد هستند: کودکی، جنون و دیوانگی، اغماء، حیض، نفاس، کفر اصلی، عدم توانایی انجام اموری که با انجام آنها اقامه نماز مباح می شود مانند وضوء یا غسل و یا تیمم. در غیر این حالت ها نماز قضاء خواهد داشت مانند اخلال در نماز از روی عمد یا سهو جز در نماز جمعه و عید فطر و قربان هم چنین خواب ماندن تا وقت فریضه بگذرد. و اگر عقل مکلف به نماز به دلیل مستی یا استفاده از خواب آور وقت نماز تمام شود، قضاء نماز بر او واجب می شود اما اگر غذایی بخورد که وی را دچار بیهوشی و اغماء کند نمازش قضاء ندارد. اگر مسلمانی مرتد شود و یا کافری مسلمان شود و دو باره کفر کند قضای مدت زمان ارتداد بر او واجب است.

اما قضای نماز:

واجب است که نماز گذشته قضاء شود اگر نماز واجب باشد. گر چه قضای نماز نافله زمان دار مستحب موکد است حتی اگر به دلیل بیماری باشد که موجب زوال عقل نمی شود. و مستحب است برای هر دو یک مد بدهد و در صورت نداشتن برای هر روز یک مد بدهد. قضای نماز به محض یاد آوری واجب می شود به شرطی که باعث تنگی وقت نماز واجب که در حال حاضر وقت آن رسیده نباشد بدین ترتیب که نماز سابق را بر لاحق و پیوسته به آن بخواند مانند نماز ظهر به عصر و عصر به مغرب و مغرب به عشاء و فرقی ندارد نماز قضاء همان روز باشد یا در روز دیگری وقت آن گذشته باشد. اگر نمازی که گذشته از نماز حاضر او نباشد تقدیم آن بر نماز حاضر واجب نیست.

اگر نماز بر شخص واجب شد و او آن را فراموش کرد و او نمازی را که وقت آن رسیده را به جا آورد نباید به نماز اول برگردد. اما اگر در حین نماز بیاد آورد که نمازی از او گذشته باید به خواندن نماز اول پردازد. و اگر نماز حاضر را با دانستن گذشتن نماز قبل از آن خواند باید نماز را تکرار کند. اگر کسی در حال خواندن نماز نافله به یاد آورد که نماز واجب را نخوانده است باید فریضه و واجب را انجام دهد. قضاء نماز سفر به صورت شکسته می باشد هر چند که در محل اقامت باشد و قضای نماز واجب در حین سفر کامل است.

ملحقات نماز قضاء:

اول: اگر کسی نداند کدام یک از نمازهای یومیه را به جای نیاورده است باید یک نماز صبح و یک نماز مغرب و یک نماز چهار رکعتی برای قضاء آنچه بر گردن اوست بخواند. و اگر به تعداد زیادی چنین شود و نداند کدام نماز از او گذشته باید آن قدر این کار را انجام دهد تا گمان کند که دیگر چیزی بر گردن ندارد.

دوم: اگر نماز گزار نداند از یک نماز چه مقدار از او گذشته و قضاء آن بر وی واجب است باید آن قدر نماز را تکرار کند تا گمان ببرد که دیگر قضاء بر گردن ندارد. حال اگر چندین نماز از او فوت شده و تعداد مشخص آن ها را نداند باید چندین روز متوالی را قضاء کند تا زمانی که گمان ببرد که نمازهای واجبی که بر گردن داشته قضاء شد.

سوم: اگر کسی از روی عمد نماز خواندن را ترک کند به گونه ای که مستحل به آن باشد یعنی نخواندن آن را حلال بداند اگر مسلمان زاده باشد باید کشته شود و اگر از کفر به اسلام آمده است باید مورد توبه قرار بگیرد اگر قبول نکند و بر ترک نماز و استحلال آن اصرار کند باید کشته شود. اما اگر ادعای شبه ای محتمل برای عدم انجام نماز بیاورد دیگر حد در مورد او انجام نمی شود. اما اگر کسی نماز را ترک کند ولی مستحل نباشد یعنی ترک آن را حلال نداند مورد تعزیر قرار می گیرد اگر دوباره برای بار دوم ترک کند باز مورد تعزیر قرار می گیرد و اگر باز برای بار سوم ترک کند باز مورد تعزیر قرار می گیرد و اگر برای بار چهارم ترک کرد باید کشته شود.

فصل سوم: نماز جماعت.

اول: جماعت در تمام واجبات مستحب است.

اقامه نماز جماعت در نمازهای روزانه مستحب موکد است و جماعت فقط در نماز جمعه و عید فطر و قربان واجب نمی شود اگر شرایط وجوب آن پیش آید واجب می شود. اقامه نماز جماعت برای نوافل و مستحبات جز در نماز استسقاء یعنی نماز طلب باران و عید فطر و قربان بدون وجود شرایط وجوب، جایز نمی باشد.

می توان تا هنگام رکوع امام جماعت به نماز جماعت ملحق شد بدین صورت که مأموم باید امام را در حال رکوع در یابد. کمترین تعداد جماعت دو نفر است که امام یکی از آنها خواهد بود. در صورت وجود مانعی بین امام و مأموم طوری که مانع باعث جلوگیری از دیدن امام شود نماز جماعت صحیح نیست مگر این که مأموم زن باشد.

نماز جماعت در صورت وجود امام در مکانی مانند ساختمان باشد طوری که امام از مأموم بالاتر باشد منعقد نمی شود. جایز است که امام بر بلندی زمینی باشد که وسعت زیاد دارد. اگر مأموم نسبت به امام بالاتر باشد مثلاً بر یک بنای مرتفع باز نماز جماعت جایز است.

اگر بین مأموم و امام جماعت صف های کامل وجود نداشته باشند فاصله بین امام جماعت و مأموم در حد زیاد (یک متر بین امام و مأموم) جایز است. اما اگر صف ها کامل باشند فاصله زیاد اشکالی ندارد.

مکروه است که مأوم بعد از امام قرائت کند مگر این که نماز جهر و با صدای بلند باشد اگر هیچ صدا و همهمه ای نشنود هم چنین اگر امام جماعت از کسانی باشد که نتوان به او اقتداء کرد قرائت واجب می شود.

پیروی از امام جماعت واجب است، اگر نماز گزار بدون دانستن حالت امام سر خود را بالا بگیرد باید به حالتی که امام در آن است برگردد اگر فراموش کند که با جماعت در حال نماز است باید از حالتی که امام در آن است برگردد. اگر مأوم برای رکوع و یا سجود حرکت کند در حالی که امام هنوز به رکوع یا سجود نرفته است باید برگردد و از امام تبعیت کند. اگر مأوم از روی علم قبل از امام رکوع کند اگر بخواهد نماز را فرادا تمام کند نیت فرادا می کند و نماز را ادامه می دهد اما در غیر این صورت نمازش باطل می شود.

جایز نیست مأوم جلوی امام قرار بگیرد. در نماز جماعت نیت اقامه به جماعت و اتمام لازم است و باید به قصد اتمام از یک امام مشخص نیت کند. اگر نزد نماز گزار دو امام باشند و بگویند به قصد جماعت هر دو یا یکی از آنها نیت کند (امام جماعت خود را معین نکند) نماز منعقد نمی شود. اگر دو نفر نماز بخوانند و هر کدام بگویند من امام جماعت بودم نماز هر دو صحیح است. اما اگر هر دو بگویند که مأوم بودم نماز هر دو صحیح نیست. همچنین اگر هر دو در مورد امام بودن و یا مأوم بودن خود شک کنند نماز آنها صحیح نیست.

جایز است کسی که نماز واجب می خواند به کسی که نماز جماعت را برای نماز واجب می خواند اقتداء کند هر چند که دو نماز متفاوت باشند در بعضی از شرایط شخصی که نماز نافله می خواند می تواند به کسی که نماز واجب یا نافله می خواند اقتداء کند هم چنین کسی که نماز واجب می خواند می تواند به کسی که نماز نافله می خواند اقتداء کند.

مستحب است که در نماز جماعت اگر مأوم فقط یک نفر باشد در سمت راست امام قرار گیرد اما اگر چند مأوم باشند یا مأوم زن باشد بهتر است که پشت سر امام بایستند.

اگر امام جماعت زن باشد دیگر زنان باید کنار او بایستند. هم چنین اگر مرد عریان برای جماعتی که عریان هستند نماز بخواند باید در کنار آنان بنشینند و فقط با زانو کمی جلوتر از آنان باشد. مستحب است که اگر کسی نماز را فرادا خواند و جماعتی یافت که بخواهند نماز را به جماعت بخوانند آن نماز را تکرار کند چه امام شود و چه مأوم.

اگر مأوم قرائت خود را قبل از امام به پایان رساند مستحب است به تسبیح خداوند پردازد تا امام به رکوع برود. بهتر است اهل فضل در صف اول قرار بگیرند و قرار گرفتن کودکان در صف اول مکروه است.

مکروه است مأوم به تنهایی در جایگاه نماز بایستد تا زمانی که صف‌ها در حال کامل شدن باشند. هم‌چنین مکروه است مأوم نافله بخواند در حالی که نماز در حال اقامه باشد. وقت قیام برای نماز جماعت از گفتن: (قد قامت الصلاة) توسط مؤذن شروع می‌شود گرچه بهتر آن است که قیام بعد از گفتن شهادت چهارمی باشد.

دوم:

امام جماعت باید ایمان داشته باشد و عادل و عاقل و حلال زاده باشد. اگر مأوم بالغ باشد بلوغ در امام هم شرط است. و کسی که نشسته نماز می‌خواند نباید امام کسی گردد که ایستاده نماز می‌خواند. و نیز بیسواد نمی‌تواند برای شخص با سواد امام شود. اما غلام یا آزاد بودن در امام جماعت شرط نیست. مرد بودن در صورتی که مأومین مرد باشند یا مرد و زن باشند شرط است. زن می‌تواند فقط برای زنان امام جماعت باشد. هم‌چنین مخنث برای افراد مخنث امام می‌شود. جایز نیست زن برای مردان یا افراد مخنث امام جماعت شود.

اگر امام جماعت نتواند به شکل صحیح قرائت کند برای کسی که این کار را بلد باشد نمی‌تواند امام وی باشد هم‌چنین است کسی که صدای حروف را تغییر می‌دهد همانند کسی که لکنت دارد و شبیه به آن فرد قادر به تلاوت صحیح، نمی‌تواند امام جماعت باشد. برای امام جماعت نیت امام بودن شرط نیست.

صاحب مسجد و امیر و حاکم و صاحب خانه برای امام جماعت شدن اولویت دارند. شخص هاشمی نیز در صورت دارا بودن شرایط امامت اولویت دارد.

اگر کسی برای امامت نبود هر کس را که مأومین برای امامت نماز مقدم کنند اولویت می‌یابد. اگر بین چند نفر نتوانستند به توافق برسند هر کس عالم‌ترین آنها و پرهیزگارترین آنها بود باید برای نماز مقدم گردد.

مستحب است امام طوری شهادتین را بر زبان جاری کند که افراد پشت سر او بشنوند. اگر امام جماعت در حال نماز به حال اغماء برود یا بمیرد می‌توان به شخص دیگری از میان

همان جمع اقتداء نمود تا نماز تمام شود. هم چنین است اگر برای امام جماعت ضرورتی پیش آید می توان به فرد دیگری اقتداء نمود تا نماز تمام شود حتی اگر این فعل امام به اختیار باشد.

مکروه است کسی که در وطن خود است به مسافر اقتداء نماید. هم چنین مکروه است کسی که شخص دیگری بر او سبقت دارد در میان جمع باشد و او امام جماعت گردد. امامت جماعت برای شخص دارای بیماری جذام و پیسی و کسی که به دلیلی حد شرعی بر او جاری شده و توبه کرده باشد و هم چنین کسی که ختنه نکرده باشد، مکروه است. و کسی که نماز گزاران از او بدشان بیاید. هم چنین امامت اعرابی و صحراء گرد بر مهاجرین و شهر نشین و امامت کسی که تیمم کرده بر کسانی که وضوء گرفته اند مکروه است.

سوم: احکام نماز جماعت.

که مسائلی دارد:

اول: اگر ثابت شود که امام جماعت فاسق یا کافر یا بدون طهارت بوده اگر نماز تمام شده باشد نماز مأموم باطل نمی شود اگر نماز گزار به این امور علم داشت و نماز خواند باید نماز خود را تکرار کند و اگر در حین نماز این امور برای مأموم روشن گردد باید نیت فرادا کند و نماز را تمام کند.

دوم: اگر کسی به محل نماز وارد شد و دید امام جماعت در حالت رکوع است و بترسد که جماعت را از دست دهد می تواند رکوع کند و در حال رکوع راه برود تا به صف نماز برسد.

سوم: اگر یک مخنث (خنثی) و یک زن بخواهند پشت سر یک مرد نماز بخوانند واجب است مخنث پشت سر امام جماعت بایستد و زن پشت سر مخنث بایستد.

چهارم: اگر امام جماعت درون محراب نماز بخواند و کسی که در کنار امام است و امام را نبیند نماز او صحیح نیست، افرادی که پشت سر امام جماعت ایستاده اند نماز را آغاز نمودند جایز است صف های بعدی که بعد از صف اول هستند نماز را آغاز کنند چرا که آنان در حال دیدن کسی هستند که امکان مشاهده امام را دارد.

پنجم: مأموم نمی تواند در نماز از امام جماعت جدا شود مگر این که نیت فرادا کند.

ششم: خواندن نماز جماعت در یک کشتی یا چند کشتی هر چند که با هم متصل نباشند جایز است.

هفتم: اگر مأموم نافله را آغاز کند و امام جماعت نماز واجب را با تکبیرة الاحرام شروع کند باید مأموم نافله را قطع کند و نماز بخواند اگر بترسد که نماز را از دست خواهد داد، در غیر این صورت مستحب است دو رکعت نافله بخواند. اگر مأموم نماز واجب خواند و امام جماعت نماز نافله را خواند بهتر است نیت نماز را به نافله منتقل کند و دو رکعت بخواند. اگر امام جماعت امام اصل معصوم باشد نماز گزار باید نماز خود را قطع کند و با امام معصوم ادامه دهد.

هشتم: اگر نماز گزار مقداری از نماز را از دست داد از هر کجا که به جماعت رسید آغاز کند و آن را اول نماز قرار دهد و آنچه بر او مانده را کامل کند، حتی اگر به رکعت چهارم برسد، اگر امام برای نماز سلام داد بایستد و در رکعت دوم خود حمد و سوره بخواند و در دو رکعت آخر فقط حمد بخواند.

نهم: اگر نماز گزار وقتی به نماز برسد که امام جماعت از رکعت چهارم سر بلند کرده باشد تکبیر بگوید و سجده کند و برای ادامه نیاز به تکبیرة الاحرام مجدد ندارد. اگر نماز گزار چنان به نماز برسد که امام سر خود را از سجده دوم برداشته باشد باید تکبیر بگوید و بنشیند و صبر کند که امام نماز را سلام دهد سپس نماز گزار نماز خود را ادامه دهد و نیاز به تکبیرة الاحرام مجدد ندارد.

دهم: جایز است مأموم قبل از امام جماعت نماز را سلام دهد و برود اگر برای نماز گزار ضرورتی وجود داشته باشد، و جماعتش صحیح است.

یازدهم: اگر زنانی در صف آخر نماز ایستاده باشند و چند مرد بیایند که به نماز ملحق شوند واجب است که به عقب برگردند اگر مجالی برای مردان نباشد.

دوازدهم: اگر چند نماز گزار در حال خواندن نماز فرادا باشند و امام جماعت با تأخیر وارد نماز شود می بایست وقتی نماز گزاران به انتهای نماز خود برسند امام جماعت باید به آنها اشاره کند که تسلیم کنند و خود باقیمانده نماز خود را اتمام کند.

خاتمه: احکام مسجد .

مستحب است که مسجد را به گونه ای بسازند که رو باز باشد مگر با حصیر و ساقه درخت نخل همانند سایبانی که حضرت موسی علیه السلام بنا نموده بودند. وضوء خانه مسجد باید نزدیک درهای مسجد باشد و مناره مسجد در کناره دیوار مسجد باشد نه وسط آن.

مستحب است که هنگام ورود به مسجد پای راست را مقدم دارند. و هنگام خروج پای چپ را مقدم دارند. نعلین و کفش خود را در جای مناسب بگذارند و هنگام ورود و خروج به مسجد دعاء کند. تعمیر مسجد و بنای مجدد آنچه از آن کهنه شده جایز و مستحب است. برگرداندن وسایل قدیمی در جای خود مستحب است. می شود از وسایل مسجد برای امور دیگر بهره برد. جارو کشیدن و نورانی کردن مساجد مستحب است.

آنچه در مساجد حرام است: زیبا سازی و استفاده از زیور آلات و نقاشی کردن مساجد حرام است. فروش وسایل و بردن متعلقات مساجد در راه ها و املاک دیگر حرام است و باید به همان مسجد یا مسجد دیگر بازگردانده شوند.

اگر مسجد خراب شود و حتی آثارش از بین رود تملک آن حرام است. نجس نمودن و خالی کردن نجاست در مسجد و خارج کردن سنگ و سنگریزه از مسجد حرام است و اگر کسی چنین کند باید آن را برگرداند. باز کردن درب خانه به سوی مسجد حرام است مگر این که خانه معصوم باشد. خوردن غذا و مجلس غذا ساختن در مسجد کراهت شدید دارد.

مکروه در مسجد:

بلند ساختن مسجد و درست کردن سکو برای آن، همچنین ساختن غرفه و اتاقک در دیوارهای مسجد مکروه است. همچنین استفاده از مسجد به عنوان راه و خیابان مکروه است. هم چنین مکروه است کسی که دهانش بوی سیر یا پیاز بدهد به مسجد برود، خارج کردن خلط سینه و تف کردن در مسجد مکروه است. هم چنین سنگ انداختن و کشتن شپش در مسجد مکروه است مگر این که شپش های مرده را زیر خاک دفن نمود. و کشف عورت در مسجد مکروه است.

دوری از خرید و فروش و دور نگاه داشتن دیوانگان از ورود به مسجد.

مستحبات مسجد:

پرهیز از انجام این کارها در مسجد مستحب است: اجرای احکام، شناساندن و معرفی انسان یا حیوانات گمشده و اقامه حد و شعر خوانی و بلند کردن صدا در مسجد و صنعتگری و خوابیدن.

سه مسئله:

اول: اگر کلیسا یا دیر و محل عبادت یهود و مسیحیان از اهل ذمه خراب شود اگر از اهل آن دین کسی باشد نمی توان به محل آن تعرض نمود اما اگر این خرابه ها در میدان جنگ باشد یا از اهل آن دین کسی نمانده باشد می توان آنها را برای مسجد استفاده کرد.

دوم: اقامه نماز واجب در مسجد با فضیلت تر از خانه است. اقامه نافله بر عکس نماز واجب است و خواندن آن در خانه بهتر است.

سوم: نماز در مسجد جامع همانند صد نماز و نماز خواندن در مسجد محله مانند بیست و پنج نماز و خواندن نماز در مسجد بازار مانند دوازده نماز است.

حرمت آرامگاه های معصومین و حسینیه ها مانند حرمت مسجد است اما خوردن غذا در حسینیه ها مکروه نیست. مستحب است که امام معصوم یا کسی که از سوی امام تعیین شده است امور مسلمین را در مسجد تدبیر و پیگیری نماید.

نماز خوف و مطارحه (هنگام جنگ):

نماز خوف در هنگام سفر باید شکسته باشد و در وطن هم می توان آن را جماعت خواند و هم فرادا. نماز خوف به اختیار امام است که با گروهی نماز بخواند و دو باره با گروه دیگری نماز را تکرار کند و نماز دوم برای او مستحب است. بهتر است که نماز خوف مانند آنچه پیامبر اکرم ﷺ در غزوه ذات الرقاع انجام داد برگزار گردد.

این نماز شروط خاص و کیفیت خاص و احکام خود را دارد.

شروط نماز خوف:

دشمن باید در جهتی غیر از قبله باشد و دشمن نباید چنان نیرویی داشته باشد که بتواند یک باره بر مسلمانان بتازد. هم چنین تعداد مسلمانان آن قدر باشد که بتوانند دو گروه شوند تا گروهی نماز بخوانند و گروهی در برابر دشمن بایستند. و امام مجبور نباشد لشکر مسلمانان را بیشتر از دو گروه کند.

چگونگی اقامه نماز خوف:

اگر نماز دو رکعتی باشد امام جماعت باید یک رکعت نماز بخواند و بنشیند نماز گزاران پشت سر او باید برخیزند و نماز خود را تمام کنند و بروند و گروه دوم به صف بایستند، امام باید برخیزد و رکعت دوم خود را بخواند نماز گزاران در این حال با تکبیرة الاحرام وارد رکعت اول نماز خود می شوند وقتی امام جماعت برای تشهد بنشیند باید چنان این کار را طول دهد که نماز گزاران پشت سرش بتوانند برخیزند و رکعت دوم را بخوانند و برای تشهد به او برسند و با آنان تشهد بگویند و نماز را با سلام پایان دهد.

لذا در سه جا نماز خوف با نماز جماعت اختلاف دارد: اول در انفراد مأموم در عمل و نه در نیت چرا که نماز جماعت است، دوم توقع و منتظر ماندن امام برای پایان نماز مأمومین و اقتداء به امامی که نشسته است برای کسی که ایستاده است.

اگر نماز سه رکعتی باشد امام جماعت مختار است اول دو رکعت بخواند و بعد یک رکعت یا این که بر عکس اول یک رکعت بخواند و بعد دو رکعت. نماز خوف با هر گروه به صورت جداگانه جایز است.

احکام نماز خوف:

که در آن مسائلی است:

اول: در نماز جماعت اگر سهو اتفاق بیفتد حکمی ندارد اما اگر فرادا نماز بخواند حکم آن حکم سهو در نماز عادی است همان طور که بیان شد.

دوم: همراه داشتن اسلحه در نماز خوف واجب است هر چند که بر روی اسلحه نجاست باشد اما اگر سلاح چنان سنگین باشد که مقداری از واجبات نماز را نتوان انجام داد همراه داشتن آن جایز نیست.

سوم: اگر امام جماعت سهوی کند سجده سهو بر او واجب می شود سپس رکعت دوم او وارد شود اگر سلام نماز را بگوید و سجده کند پیروی از او واجب نیست.

اما نماز مطارده یا نماز ترس شدید هنگامی است که جنگ رو در رو و پایاپای و تن به تن شود، در این صورت است که نماز گزار در هر مکان که باشد نمازش را باید بخواند چه ایستاده باشد و چه در حال حرکت و چه سوار باشد بدین صورت که رو به قبله بایستد تکبیرة الاحرام بگوید اگر می تواند رو به قبله بماند و اگر نتواند به هر طرف که ممکن است بایستد و نماز را ادامه دهد اگر پایین آمدن از مرکب ممکن نباشد می تواند در حالت سواره نماز را بخواند. می تواند بر برآمدگی زین اسب سجده کند اگر نتواند باید با ايماء و اشاره رکوع و سجود را به جا بیاورد.

اگر این گونه هم نتواند با تسبیح نماز بخواند و رکوع و سجود ساقط می شود و به جای هر رکعت بگوید: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر.

فروع نماز خوف:

اول: اگر با ايماء یا اشاره نماز را آغاز کرد و به محل امنی رسید آنچه را که باقی مانده را باید با رکوع و سجود نماز را کامل کند. و تا زمانی که در حال نماز پشت به قبله ننموده است نیازی به از سر گرفتن نماز نیست. هم چنین است اگر نماز را عادی شروع کند و امری واقع شود که موجب خوف است می تواند با ايماء و اشاره نماز را کامل کند و نیازی به از سر گرفتن نماز نیست.

دوم: اگر کسی از دور سیاهی ببیند و گمان کند که دشمن است و بعداً خلاف آن ثابت شود نیازی به تکرار نماز نیست. هم چنین است اگر دشمن را ببیند و نماز را با ايماء و اشاره بخواند و بعد بفهمد میان او و دشمن مانعی وجود داشته باز نماز را لازم نیست تکرار کند.

سوم: کسی که از سیل یا حیوان درنده بترسد نماز خوف شدید برای او جایز است.

کسی که در باتلاق فرو رفته باشد یا کسی که در حال غرق شدن است در صورت امکان نماز را به جا بیاورند، و با ايماء رکوع و سجود کنند ولی نمی توانند تعداد رکعات را کم کنند مگر این که مسافر باشند یا در حالت خوف جنگ باشند.

فصل پنجم: نماز مسافر.

که شروط نماز مسافر و نماز شکسته و امور ملحق به آن را در آن ذکر می کنیم:

اما شروط، شش شرط می باشد:

شرط اول: مقدار اعتبار مسافت باری شکسته در نماز مسافتی است معادل ۴۴ کیلو متر اگر فقط این مسافت را برود (فقط رفت یا فقط برگشت به وطن)، و ۲۲ کیلو متر در صورت رفت و برگشت. اگر مسافت ۲۲ کیلو متر بود و مکلف خواست که در یک روز یا چند روز ولی کمتر از ده روز به خانه خود برگردد باز نماز شکسته می شود. اگر مسافتی کمتر از ۲۲ کیلومتر را طی یک روز برود و بازگردد و دوباره برود نماز مکلف شکسته نمی شود هر چند که نیت چنین کاری را داشته باشد.

اگر برای یک شهر دو راه وجود داشته باشد که یکی از دیگری طولانی تر باشد طوری که موجب شکستن نماز می شود هر چند که برای این نیت راه طولانی تر را برگزیند باز نماز شکسته می شود.

شرط دوم: قصد مسافت است. اگر نیت کم تر از حد شکسته را داشته باشد و بعد از رسیدن به آن مکان بعد تصمیم بگیرد به همان اندازه از محل فعلی خود منتقل شود نماز مکلف شکسته نمی شود هر چند که مجموع مسافت از حد کسر یعنی شکسته خواندن نماز بیشتر شود اگر برگردد نماز کامل است اما آنچه بیشتر از این مسافت باشد باعث نماز شکسته می گردد. همین گونه است اگر مکلف دنبال حیوان گمشده ای برود یا دنبال کسی رفته باشد که آن شخص نسبت به مکلف بدهی دارد و یا دنبال غلام فرار کرده برود. اگر فردی به مکانی برود و منتظر گروهی باشد که اگر ممکن باشد همراه آنان به سفر برود و اگر نیابند به خانه بر می گردد اگر مسافت ۲۲ کیلومتر باشد نماز در این سفر شکسته می گردد و اگر کمتر از آن باشد نماز کامل است تا زمانی که همراهان او برسند و سفر کند.

شرط سوم: در هنگام کسر یا شکسته نماز خواندن شرط است که فرد مکلف در هنگام سفر در میان راه اقامت نکند، اگر مکلف قصد مسافتی کند و بعد در میان راه ملکی داشته باشد که در آن بیش از شش ماه سکونت داشته در راه و در ملک خود نماز را باید کامل بخواند. هم چنین اگر قصد اقامت در مکانی را داشته باشد. اگر میان مکلف و بین ملک او یا مکانی که قصد اقامت در آن دارد بیشتر از مسافت نماز شکسته باشد فقط در طول راه نماز را شکسته می خواند. حال اگر چند وطن داشته باشد اعتبار مسافت میان او و مکان اول در نظر گرفته می شود اگر مسافت بیش از حد ترخص باشد نماز شکسته خوانده می شود. و سفر آن به هنگام ورود به وطن پایان می یابد و نماز کامل می شود. سپس مسافت بین دو وطن را در نظر بگیرد اگر کمتر از حد ترخص باشد و نماز را کامل بخواند و اگر در سفر دوم آن مسافت بیش از حد ترخص باشد نماز را شکسته بخواند تا وقتی که به وطن خود برسد که سفر را از آن آغاز کرده است بدین صورت که اگر به یکی از وطن های خود برسد نمازش کامل می شود.

وطن و جایی که نماز در آن کامل است.

جایی است که محل سکونت و استقرار فرد باشد هم چنین هر جایی که فرد ملک داشته باشد و شبیه آن یعنی زمین زراعتی و یا انفالی که با اجازه امام معصوم از آن بهره بردی می کند اگر بیشتر از شش ماه در آن مکان ساکن شده باشد به شرطی که در آن ملک خانه و اتاق برای سکونت وجود داشته باشد.

شرط چهارم: سفر باید واجب باشد مانند سفر حج در اسلام یا مستحب باشد مثلاً زیارت پیامبر ﷺ یا مباح باشد مانند سفر برای تجارت، در این سفرها نماز شکسته می گردد. اگر به قصد معصیت سفر کند مانند کسی که به پیروی از حاکم ظالم سفر کند یا برای شکار برای سرگرمی نماز شکسته نمی شود، اگر سفر برای شکار برای امرار معاش و یا تجارت باشد نماز شکسته می شود.

شرط پنجم: نباید سفر مکلف از در وطن ماندن او بیشتر باشد مانند کوچ نشینانی که به دنبال مراتع مناسب می روند و کسی که با کرایه باری را حمل می کند و ملاحان و ملوانان کشتی و بازرگانان دورگرد و نامه رسانان.

ضابطه: هر کس که سفرش به شکل مستمر در هفته چهار روز یا در ماه شانزده روز یا در سال شش ماه و یک روز باشد در همه جا باید نماز را کامل بخواند و روزه بگیرد، هر گاه به این وضعیت خود آگاه شد حکم بر او جاری می شود هر چند که در اولین روز سفر باشد.

شرط ششم: برای مسافر جایز نیست نماز را شکسته کند تا زمانی که اذان از او مخفی شود و دیگر صدای آن را نشنود، هر چند که نیت سفر را از شب قبل داشته باشد اجازه نماز شکسته را ندارد. هم چنین در حین بازگشت باید صدای اذان را از انسان و نه از بلند گو در وطن خود بشنود بعد نماز را باید کامل بخواند.

اگر فرد مسافر نیت اقامت ده روز در مکانی کند باید نماز را کامل کند و کمتر از ده روز باید نماز را شکسته کند. حال اگر نیت اقامت ده روزه کند و بعد نیتش تغییر کند و این حالت تغییر به یک ماه طول بکشد باید نماز را شکسته بخواند سپس نماز خود را کامل بخواند حتی اگر یک فریضه باشد. اگر باز دوباره به نیت اقامت برگردد و بعد در نیت تغییر ایجاد شود به نماز شکسته خود برگردد، حتی اگر یک نماز کامل یا بیشتر از یک فریضه و یا اصلاً نماز کامل نخوانده باشد. اگر نیت جدیدی برای اقامت لازم شد نیت ده روزه بگیرد و نماز کامل بخواند.

اما کسریا شکسته در نماز:

نماز مسافر شکسته است مگر در یکی از مواطن چهارگانه یعنی مکه و مدینه و یا مسجد جامع کوفه یا کربلاء (در ضریح امام حسین علیه السلام) برود در کسر یا کامل خواندن نماز مختار است و کامل خواندن در این اماکن بهتر است.

اگر فردی بداند که باید نماز را شکسته بخواند و عمداً کامل نماز خواند باید آن را تکرار کند. و اگر حکم تقصیر نماز را نداند لازم نیست تکرار کند هر چند که وقت باقی باشد. و اگر فراموش کرده باشد در همان وقت نباید نماز را تکرار کند و اگر وقت نماز گذشت نماز قضاء ندارد. اگر مسافر اتفاقی نماز را شکسته کرد نمازش صحیح است. اگر فردی در وطنش بود و وقت نماز آغاز شد و او سفر را شروع کرد و همچنان در وقت نماز بود در حالت اداء نماز را باید شکسته کند و بر عکس اگر وقت نماز آغاز شد و مسافری به وطن رسید در حالت اداء باید نماز را کامل بخواند.

مستحب است کسی که نماز را با شکسته خوانده بعد از هر نماز واجب برای جبران آن سی بار بگوید: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر.

اگر فرد مسافر به یک فرد در وطن خود در نماز اقتداء کند لازم نیست به پیروی از او نماز را کامل بخواند بلکه با وجود حکم شکسته بودن نماز خود را پایان داده و جدا و منفرد از امام نماز خود را سلام دهد.

ملحقات کسر در نماز:

که در آن مسائلی است:

اول: اگر فردی مسافتی را به قصد سفر طی کرد و بعد برای او مانعی پیش آمد در صورتی که اذان و وطنش را نشنود اگر از نیت سفر بر نگردد نماز را شکسته می خواند. اما اگر صدای اذان را بشنود یا از نیت سفر منصرف شود باید نماز را کامل بخواند. در این حکم مسافر دریا و خشکی هم سان هستند.

دوم: اگر مسافر مقداری از راه را رفت و باد او را به وطنش برگرداند اگر صدای اذان را بشنود نماز را باید کامل بخواند و اگر نشنود نماز شکسته می گردد.

سوم: اگر مسافر بخواهد در غیر از شهر خود ده روز بماند سپس از آن مکان به میزان کمتر از مسافت شکسته شدن خارج شد در هر حالت نماز را باید کامل بخواند چه در راه و چه در شهر مورد نظر.

چهارم: اگر فردی با نیت شکسته خواندن نماز خود را آغاز کند و بعد تصمیم اقامت بگیرد نمازش کامل می شود. حال اگر مسافر نیت ده روز اقامت کند و بعد تصمیم به رفتن بگیرد نمازش شکسته می شود. اگر مسافر بعد از پایان نماز کامل تصمیم به سفر بگیرد نمازش کسر می شود.

پنجم: اعتبار در قضاء نماز وضعیت چگونگی فوت شدن و گذشتن وقت آن است نه به حالت و جوب آن. اگر وقت نماز شکسته بگذرد باید به شکل شکسته قضای آن را به جای آورد.

ششم: اگر فردی به نیت سفر خارج شد و گمان کرد که دیگر صدای اذان شهر خود را نمی شنود و نماز را کسر نمود و بعداً فهمید که صدای اذان را می شنود لازم نیست نماز خود را تکرار کند.

هفتم: اگر در وقت نماز نافله ظهر وارد شد و فرد مسافرت کرد مستحب است که قضای آن را حتی در حال سفر به جا بیاورد.



احکام روزه

در احکام روزه باید به چند مورد اشاره نمود:
و نظر در: ارکان، انواع روزه و ملحقات آن.

ارکان روزه چهارتا می باشند:

رکن اول: روزه.

یعنی پرهیز از مفطرات با وجود نیت. و در ماه رمضان و غیر از آن نیت قرب به خداوند کفایت می کند. اگر روزه دار فراموش کند شب نیت روزه کند می تواند تا قبل از زوال در روز نیت روزه را تجدید کند. اگر خورشید زوال کند وقت نیت روزه هم تمام می شود چه روزه واجب باشد و چه روزه مستحب. روزه ماه رمضان بدین جهت ویژه است که جایز است کل ماه را قبل از ورود آن برای روزه نیت کرد. اگر روزه دار سهواً فراموش کند که هنگام ورود برای روزه کل ماه رمضان نیت کند همان نیت شب اول کفایت می کند. همین گونه است که فقط یک نیت برای کل ماه رمضان کفایت می کند.

نمی شود در ماه رمضان روزه دیگری گرفت. اگر در ماه رمضان نیت غیر از روزه ماه رمضان بکند چه نیت روزه واجب باشد چه مستحب فقط برای روزه ماه رمضان کفایت می کند.

جایز نیست که روزه دار بین نیت روزه واجب و مستحب تردید کند بلکه باید فقط یک نیت را تعیین کند یا فقط به قصد قرب به خدا نیت را تعیین نماید.

اگر روزه دار برای روزه ماه مبارک رمضان در آخرین روز ماه شعبان با وجود شک نیت روزه واجب کند و بعد معلوم شود که روز آخر شعبان بوده است نیت او برای هر دو ماه کفایت نمی کند اما اگر به نیت روزه مستحب آخرین روز شعبان روزه گرفت و بعد معلوم شد که روز اول ماه رمضان بوده است این نیت کفایت می کند و روزه صحیح است.

اگر روزه دار با این نیت روز آخر ماه شعبان را روزه بگیرد که اگر از ماه رمضان باشد نیت واجب است و اگر از شعبان باشد روزه مستحب باشد، این نیت کفایت نمی کند و باید روزه را تکرار کند. اگر صبح شد و روزه دار با نیت افطار برخیزد و معلوم شود که این روز از ماه رمضان بوده می تواند در نیت خود تجدید کند و روزه بگیرد و این تجدید کفایت می کند. اما اگر تا بعد از زوال بفهمد که از ماه رمضان بوده و فرد روزه نگرفته باشد باید تا غروب امساک کند و این روز را قضاء کند.

سه فرع:

اول: اگر در ماه رمضان نیت افطار کند و قبل از زوال دوباره به نیت روزه برگردد روزه صحیح است.

دوم: اگر فرد نیت روزه بگیرد و بعداً نیت افطار کند ولی عملاً افطار نکند و بعد به نیت روزه برگردد و روزه را کامل کند، روزه صحیح است.

سوم: نیت کودک ممیز برای روزه درست است و روزه اش صحیح است.

رکن دوه: آن چه روزه دار باید از آن پرهیز کند.

که در آن مقصد هایی است:

اول: پرهیز از هر نوع خوردنی معمولی مانند نان و میوه و چه غیر معمول مانند سنگ ریزه یا برف و هر نوع نوشیدنی چه معمولی باشد مانند آب یا غیر معمول باشد مانند آب گیاهان و عصاره درختان واجب است. همچنین واجب است روزه دار از جماع و نزدیکی با زن چه از قبل و چه از دبر پرهیز کند چرا که هم روزه مرد باطل می شود و هم روزه زن.

هم چنین روزه با عمل ناپاک و زشت لواط و نزدیکی با حیوانات باطل می شود.

واجب است روزه دار دروغ بستن به خدا و بر پیامبر اکرم ﷺ و ائمه علیهم السلام و مهدیین علیهم السلام پرهیز کند چرا که روزه را باطل می کند. ارتماس یا فرو رفتن در آب برای سرگرمی هم حرام است و هم روزه را باطل می کند مگر این که شغل روزه دار در این عمل باشد یا برای خارج کردن چیزی از آب باشد حرام نیست و روزه صحیح است.

هم چنین رساندن غبار به حلق و گلو حرام است و روزه را باطل می کند. سیگار کشیدن و استفاده دخانیات نیز روزه را باطل می کند اما این امر به دلیل این که دود دخانیات غبار غلیظ به شمار می رود نیست. باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح بدون ضرورت و از روی عمد نیز روزه را باطل می کند.

اگر کسی جنب باشد و بدون نیت غسل بخوابد و فجر بر او طلوع کند روزه اش باطل می شود اما اگر با نیت غسل بخوابد و فجر طلوع کند روزه اش صحیح است. اگر بیدار شد و دوباره با نیت غسل بخوابد و صبح شد روزه اش باطل است و باید آن را قضاء کند.

اگر فرد استمناء کند و یا زنی را لمس کند و منی از او خارج شود روزه اش باطل می شود و اگر شخصی بعد از نیت روزه در روز محتلم شد روزه آن باطل نمی شود. هم چنین اگر به زنی نگاه کند یا صدای زنی را بشنود و از او منی خارج شود باز روزه باطل می شود. امله و احقان با جامد جایز است اما امله با مایع هم حرام است و هم روزه را باطل می کند. تزریق دارو در عضله و ورید روزه را باطل نمی کند مگر این که داروی مغذی (سرم تزریقی) باشد که در این صورت روزه را باطل می کند.

دومسأله:

اول: هر آنچه در مورد مبطلات گفته شد در صورتی روزه را باطل می کند که روزه دار از روی عمد اقدام به آنها بکند چه بداند که مبطل روزه هستند و چه نداند. اما اگر سهوی اتفاق بیفتد روزه را باطل نمی کند چه روزه واجب باشد و چه روزه مستحب. هم چنین اگر با اکراه شخص روزه دار را وادار به افطار کرد و یا چیزی را در حلق او گذاشت.

دوم: در دهان گذاشتن انگشتر و جویدن غذا برای کودک و غذا دادن به پرنده و مزه کردن غذا و در آب نشستن مردان اشکالی ندارد. مسواک کردن برای نماز چه با جسم خشک و چه مرطوب مستحب است.

مقصد دوم: آن چه به روزه مربوط می شود، که در آن مسائلی وجود دارد:

مسأله اول: در صورت قضاء روزه در این موارد کفاره هم لازم است: خوردن و آشامیدن غذاها و نوشیدنی های معمولی و غیر معمول، جماع و نزدیکی به شکلی که ختنه گاه آلت مرد

در آلت زن یا دبر زن فرو رود، هم چنین تعمد در باقی ماندن بر جنابت تا طلوع فجر. هم چنین فرد جنب اگر بدون نیت غسل تا طلوع فجر خواب بماند. استمناء و رساندن غبار به گلو و استفاده دخانیات همه علاوه بر قضاء كفاره دارند.

مسأله دوم: كفاره روزه فقط برای روزه ماه رمضان واجب می شود، هم چنین برای قضاء به دلیل گذشتن وقت از زوال خورشید و روزه نذر معین و روزه اعتکاف اگر واجب شود و دیگر روزه ها اگر قضاء شوند كفاره ندارند مانند روزه كفاره و روزه نذر غیر معین و روزه مستحب هر چند که روزه باطل شود.

فروع در احکام كفاره احکام روزه:

اگر روزه دار فراموش کند که روزه است و چیزی بخورد و گمان کند که روزه اش باطل شده است و عمداً افطار کند هم روزه اش باطل شده است و هم باید قضاء کند ولی كفاره ندارد.

اگر در دهان روزه دار بدون رضایتش چیزی گذاشته شود و در این کار اکراهی داشته باشد که اختیار را از او سلب کند روزه اش صحیح است. ولی اگر او را بترسانند و افطار کند قضاء واجب می شود ولی كفاره ندارد.

مسأله سوم: كفاره روزه ماه رمضان عتق یا همان آزاد کردن یک بنده در راه خدا است و یا روزه گرفتن دو ماه پشت سر هم و یا غذا دادن به شصت فقیر به اختیار است. اگر کسی با چیز حرام افطار کند هر سه كفاره بر او واجب می شود اما اگر با چیز حلال افطار کند فقط یک كفاره واجب می شود. اگر فرد روزه دار برای دادن كفاره بنده ای را نیابد که او را عتق کند می تواند هزینه یک بنده را به امام معصوم پردازد.

مسأله چهارم: اگر فردی زمان معینی را برای روزه نذر تعیین کند و در آن زمان افطار کند، هم قضاء واجب می شود و هم یکی از كفارات بزرگ به اختیار واجب می شود.

مسأله پنجم: دروغ بستن به خداوند و پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام و مهدیین علیهم السلام هم بر روزه دار حرام است و بر غیر روزه دار حرام است و اگر این کار از روزه دار موکد شود هم قضاء دارد و هم كفاره واجب می شود.

مسأله ششم: ارتماس در آب (فرو رفتن در آب) نیز هم قضاء را واجب می کند و هم کفاره دارد.

مسأله هفتم: اماله با جامد جایز است اما با مایع حرام است و هم واجب کننده قضاء است.

مسأله هشتم: اگر کسی جنب شد و با نیت غسل خوابید و بعد بیدار شد و باز دوباره خوابید و باز بیدار شد و باز با نیت غسل خوابید و فجر طلوع کرد روزه اش قضاء دارد اما کفاره واجب نیست.

مسأله نهم: با نُه چیز است که قضای روزه واجب معین، واجب می گردد:

انجام عمل موجب افطار قبل از مراعات فجر (سهل انگاری کردن تا طلوع فجر) با وجود توانایی دوری از آن، ادامه افطار بر اساس خیر گرفتن از کسی که فجر هنوز طلوع نکرده است در صورتی که خود می تواند به این امر علم بیابد که فجر طلوع کرده باشد. عمل نکردن به خیر صحیح طلوع فجر، افطار بر اساس گمان دروغ به خیر دهنده صحیح در مورد طلوع، همچنین است اگر کسی از روی تقلید از دیگران با این گمان که شب وارد شده و افطار کند در حالی که چنین نباشد، افطار با دیدن تاریکی و گمان به ورود شب، هر چند که این گمان قوی باشد روزه دار نباید افطار کند، از عمد استفراغ نمودن، اما اگر مایع درون معده ناخواسته بیرون آمد روزه باطل نمی شود. اماله کردن و تزریق مایع، وارد نمودن آب برای خنک کردن دهان بدون مضمضه کردن جهت وضوء، دو باره خوابیدن فرد جنب برای بار دوم بعد از بیداری تا هنگام طلوع با وجود نیت غسل، نگاه کردن به زن نامحرم که موجب خروج منی شود واجب کننده قضاء می شود اما اگر با نگاه به زن خود که بر وی حلال است منی از مرد خارج شود روزه قضاء ندارد.

فروع احکام روزه:

اول: اگر کسی برای درمان با دارویی مضمضه کند یا برای کار صحیح و مباحی دانه یا مهره در دهان خود بگذارد و ناخواسته مقداری را فرو دهد روزه اش باطل نمی شود ولی اگر این کار را بی دلیل انجام دهد روزه اش باطل می شود و باید قضاء کند.

دوم: فرو بردن آنچه از غذا در میان دندان‌ها بماند بر روزه دار حرام است و اگر کسی عمداً چنین کند روزه اش باطل می‌شود و علاوه بر قضاء کفاره هم دارد ولی در صورت سهو اشکال ندارد.

سوم: وارد کردن هر چیز به درون بدن از راه غیر از حلق، غیر از اماله و شیافت با جامد یا تزریق مایع غیر مغذی و تقویت کننده به بدن روزه را باطل می‌کند. وارد کردن دارو به درون آلت مرد موجب بطلان روزه نمی‌شود.

چهارم: روزه با فرو بردن خلط سینه و آب دهان و لو عمدی باشد تا زمانی که از دهان جدا نشده است روزه را باطل نمی‌کند. اما آنچه از سوی سر از فضولات به سمت حلق بیاید روزه دار از روی سهو و بدون قصد آن را فرو برد روزه باطل نمی‌شود اما اگر عمداً آن‌ها را فرو برد روزه باطل می‌شود.

پنجم: آن چه مزه و طعم دارد مانند سقز و آدامس روزه را باطل می‌کند.

ششم: اگر کسی که در دهان غذا دارد و فجر بر او طلوع کند باید هر چه در دهان دارد بیرون بیندازد در غیر این صورت هم روزه اش باطل می‌شود و هم علاوه بر قضاء باید کفاره نیز بدهد.

هفتم: کسی که به تنهایی هلال ماه رمضان را دیده باشد و افطار کند هم قضاء و هم کفاره بر او واجب می‌شود.

مسئله دهم: جایز است فرد قبل از طلوع فجر جماع کند تا زمانی که به طلوع فجر به مقدار یک موعه و نزدیکی و یک غسل وقت باقی باشد. اگر فرد یقین کند وقت چنین کاری را ندارد روزه اش باطل می‌شود و هم قضاء و هم کفاره باید دهد. اما اگر گمان کند وقت چنین کاری را دارد به شرطی که مراعات کند بر او چیزی نیست اما اگر اهمال کند باید قضاء کند.

مسئله یازدهم: کفاره با تکرار دلیل آن در دو روز مختلف تکرار می‌شود اما اگر به خاطر دو دلیل هم سان یا مختلف از لحاظ شکل و سبب در یک روز، بر یک فرد یک کفاره واجب شود.

مسأله فرعی: اگر کسی مرتکب عملی شد که کفاره را بر او واجب کند بعد از آن به دلیلی مانند سفر یا حیض و امور شبیه به آن وجوب روزه از او ساقط شود کفاره از او ساقط نمی شود.

مسأله دوازدهم: هر کس از روی عمد و با آگاهی کامل ماه رمضان را روزه نگیرد باید تعزیر شود و اگر باز تکرار کرد دو باره تعزیر می شود و اگر باز تکرار کرد باید کشته شود.

مسأله سیزدهم: هر کس در ماه رمضان با همسر خود نزدیکی کند در حالی که هر دو روزه باشند به گونه ای که همسرش ناراضی باشد و مرد او را مجبور کند بر مرد کفاره واجب می شود ولی بر زن نه کفاره واجب می گردد و نه قضاء روزه، اما اگر زن در این عمل همکاری کند و از مرد اطاعت کند روزه آنها باطل می گردد و هر دو باید کفاره دهند و هر کدام با بیست و پنج ضربه شلاق تعزیر شوند.

هر کس زن بیگانه ای را با زور مجبور به نزدیکی کند و به او تجاوز نماید روزه زن صحیح است و نه کفاره دارد و نه قضاء و بر مرد هم قضاء و هم کفاره واجب است و باید کشته شود و در قتل زجر ببیند و با شمشیر بر صورتش ضربه بزنند.

مسأله چهاردهم: هر کس که روزه دو ماه پشت سر هم بر او واجب می شود و نتواند اداء کند باید هجده روز متوالی روزه بگیرد و باز اگر نتواند اصلاً روزه بگیرد باید استغفار کند و همین کفاره او خواهد بود.

مسأله پانزدهم: اگر کسی دواطلبانه بخواهد کفاره کسی را که کفاره بر او واجب است پردازد این کار جایز نیست، نخست باید مبلغ یا طعام را به خود شخص بدهد و او برای کفاره شخصی خود از آن استفاده کند. کفاره دادن به جای مرده ای که کفاره بر وی واجب است حتی کفاره روزه باشد جایز است.

مقصد سوم: آن چه برای روزه دار مکروه است.

مکروهات برای روزه دار نه مورد است: مباشرت با زن چه لمس و چه بوسیدن و چه ملاعبت، سرمه کشیدن چشم به آنچه در آن گیاه صبر یا مشک باشد، خارج کردن خون از جسم (با فصدیارگ زدن و حمامت)، حمام نمودن، استنشاق و وارد کردن چیزی به بینی حتی

اگر به حلق نرسد، بو کردن و استشمام گلها و ریاحین خصوصاً گل نرگس، اماله کردن با جسم جامد، خیس کردن لباس و گذاشتن آن بر بدن، نشستن زن در آب.

رکن سوم: زمانی که در آن روزه گرفتن صحیح می باشد.

زمان روزه همانا روز است نه شب، و اگر کسی نذر کند که در شب روزه بگیرد نذر منعقد نمی شود. حتی اگر روزه را ادامه دهد تا روز را هم روزه دار باشد. روزه گرفتن در دو عید قربان و فطر صحیح نیست و اگر کسی نذر کند در عیدین روزه بگیرد نذر منعقد نمی شود. و اگر کسی روز معینی برای روزه نذر کند و معلوم شود که آن روز عید است روزه صحیح نیست و قضاء واجب نیست هر چند بهتر است که قضاء را به جا بیاورد. احکام کسی که در ایام تشریق هنگام حج در منی باشد نیز هم چنین است.

چهارم: روزه از چه کسی پذیرفته می شود.

روزه دار باید عاقل و مؤمن باشد، روزه کافر (کافر به رسول الله ﷺ و ائمه علیهم السلام) و مهدیین (علیهم السلام) صحیح نیست هر چند که بر وی واجب است. روزه مجنون، فردی که در حالت اغماء باشد هر چند از قبل نیت روزه داشته باشد روزه آن صحیح است. روزه خردسال ممیز صحیح است. روزه فرد خواب اگر قبل از خواب نیت روزه نماید هر چند تا ورود شب ادامه داشته باشد صحیح است اما اگر قبل از خواب نیت نکند و آن روزه بروی واجب باشد و فجر در حالت خواب بر او طلوع کند و وی تا هنگام زوال خورشید در خواب باشد باید قضاء به جا بیاورد مگر این که روزه واجب ماه رمضان باشد که همان نیت اول ماه برای کل ماه کفایت می کند.

روزه زن در هنگام حیض (عادت ماهیانه) و در هنگام نفاس و زایمان صحیح نیست چه عذر قبل از غروب ایجاد شود و یا این که بعد از فجر قطع گردد. روزه زن مستحاضه اگر غسل های واجب بر خود را به جا آورد می تواند روزه بگیرد.

روزه مسافری که نمازش شکسته شده صحیح نیست مگر فردی که بدل از هدی در حج سه روز روزه بگیرد یا کسی که هجده روز بدل از بدن به دلیل افاضه عمدی از عرفات قبل از غروب روزه بر او واجب می شود. همچنین روزه نذر مشروط چه در سفر و چه در حالت

اقامت صحیح است. روزه مسافر در سفر مگر در ماه مبارک رمضان مستحب است هم چنین روزه کسی که حکم مقیم را دارد صحیح می باشد. روزه فردی که جنب شده و عمداً با وجود توان تا هنگام طلوع فجر غسل نکند صحیح نیست.

اگر فرد در حالت جنب بعد از فجر بیدار شود در حالی که روزه اش منعقد نمی شود اگر روزه اش قضاء ماه رمضان باشد نه روزه مستحب، اما اگر این فرد در ماه رمضان باشد روزه اش صحیح است همچنین حکم روزه نذر معین اینگونه است. روزه فرد بیمار تا زمانی که روزه به او ضرر نمی رساند نیز صحیح است.

دومسأله:

اول: بلوغ که با آن عبادات واجب می شوند: احتلام یا روییدن مو بر زهار یا پایان چهارده سال و وارد شدن به پانزده سالگی برای مردان و پایان نه سالگی و ورود به ده سالگی برای زنان.

دوم: نوجوانان چه دختر و چه پسر قبل از بلوغ در صورت داشتن توان باید برای روزه گرفتن تمرین داده شوند و در هفت سالگی باید بر این امر تشدید و تأکید نمود.



اقسام روزه:

چهار نوع است: واجب، مستحب، مکروه، محذور.

روزه واجب شش تا می باشند: روزه ماه رمضان، روزه کفاره، روزه بدل از هدی در حج تمتع، روزه نذر و آنچه در این معنا باشد، و روزه اعتکاف از یک جهت و روزه قضای واجب.

اول: ماه رمضان.

در علائم و شروط و احکام روزه ی ماه رمضان.

اول: ورود به ماه مبارک رمضان با مشاهده و رؤیت هلال واقع می شود. هر کس هلال ماه را ببیند روزه بر او واجب می شود هر چند فقط خودش هلال را ببیند. و هم چنین اگر به رؤیت هلال شهادت دهد و شهادتش مورد قبول واقع نشود. هم چنین اگر هلال ماه شوال را ببیند همانا باید افطار کند هر چند فقط خودش هلال را دیده باشد.

هر کس هم هلال را نبیند روزه بر او واجب نمی شود مگر این که از شعبان سی روز کامل بگذرد یا مسئله رزیت هلال شیوع عمومی بیابد اگر شیوع رزیت عمومیت نیابد و دو نفر شهادت به دیدن هلال بدهند و شهادت آنها پذیرفته شود چه گواهان اهل همان سرزمین باشند و چه نباشند روزه واجب می گردد. اگر رؤیت هلال در شهرهای نزدیک به هم مانند کوفه و بغداد در یکی از این دو شهر ثابت شود روزه بر همه مردم آنها واجب می گردد؛ هم چنین است حکم سرزمین هایی دور از هم مانند عراق و خراسان. اگر رؤیت هلال در مکانی ثابت شد روزه در همه شهرها و سرزمین هایی که فاصله زمانی میان آنها بیشتر یک چهارم شبانه روز یعنی بیشتر از شش ساعت نباشد واجب می گردد.

رؤیت با شهادت زن ها نیز ثابت می شود ولی فقط با شهادت یک نفر این امر محقق نمی شود.

در امر ثبوت رؤیت هلال اعتباری برای جداول نجومی و شمارش و غیبت هلال بعد از شفق و دیده شدن هلال در روز سی ام ماه قبل از زوال و حلقه شدن و شمارش تعداد روزها در روز پنجم گذشته از روز اول ماه وجود ندارد.

روزه روز سی ام ماه شعبان مستحب است و اگر ثابت شود که اول ماه رمضان بوده کفایت می کند و روزه صحیح است. اگر هم بنا بر علامت و نشانه ای، آن روز را به نیت روزه واجب روزه بگیرد باز روزه صحیح است.

اگر روزه دار در روز بیست نهم ماه رمضان افطار کند و در آن روز هلال دیده شود باید روزه آن را به جا بیاورد. همچنین اگر بنا بر یک دلیل قطعی ثابت شود که روزی را که روزه بوده سی ام شعبان است باید آن را قضاء کند.

هر ماهی که در رؤیت هلال آن تردید پیش بیاید باید ماه قبل از آن را سی روز در نظر گرفت. اگر تعیین اول ماه های سال با شک و تردید انجام شد، ماه رمضان را باید سی روز

در نظر گرفت هم چنین است که باید ماه های ذی القعدة و ذی الحجه و رجب را سی روز حساب کنیم و ما بقی ماه ها را بین سی و بیست و نه روز حساب کنیم.

اگر کسی نتواند علم حاصل کند که چه وقت ماه رمضان وارد می شود مانند زندانی و اسیر باید یک ماه را به شکل تقریبی روزه بگیرد. اگر در شک و تردید خود بماند که در زمان درست روزه گرفته یا نه روزه وی صحیح است و گناهی نخواهد داشت، اگر بعداً معلوم شود که روزه او هم زمان با ماه رمضان یا بعد از آن بوده روزه صحیح است اما اگر قبل از آن بوده باید قضاء به جا بیاورد.

وقت امساک از طلوع فجر دوم است و وقت افطار غروب خورشید یعنی ناپدید شدن قرص خورشید است اما بهتر است تا از بین رفتن سرخی مشرق صبر نمود تا از ناپدید شدن قرص خورشید مطمئن شد. تأخیر افطار تا بعد از به جا آوردن نماز مغرب مستحب است. بهترین دعاء همانا دعای روزه دار است بعد از نماز مغرب قبل از این که افطار کند، مگر این که نتواند تحمل کند یا کسی برای افطار منتظر روزه دار باشد.

دوم: شروط روزه ماه رمضان .

که دو گونه هستند:

اول: آنچه بدان روزه واجب می شود و هفت چیز هستند: بلوغ، کمال عقل، چرا که روزه بر فرد غیر بالغ و دیوانه و مجنون واجب نیست مگر این که تا قبل از طلوع فجر به کمال عقل یا بلوغ برسند. اما اگر بعد از طلوع فجر به کمال برسند روزه واجب نخواهد بود، هم چنین است حکم کسی که در اغماء و بیهوشی باشد.

سلامتی از بیماری: اگر فرد بیمار قبل از زوال سلامتی بیابد و چیزی نخورده باشد روزه گرفتن واجب می شود ولی اگر چیزی خورده باشد یا بعد از زوال سلامتی خود را باز یابد مستحب است امساک کند ولی باید قضای آن را به جا بیاورد.

اقامت و احکام آن بدین گونه است: روزه بر مسافر واجب نیست و اگر روزه بگیرد صحیح نیست و به جا آوردن قضای آن واجب است. اگر کسی با علم به این امر روزه در سفر روزه بگیرد روزه صحیح نیست اما اگر به حکم روزه در سفر علم نداشته باشد و روزه بگیرد کفایت می کند و قضاء ندارد.

اگر مسافر به وطن خود یا مکانی که می خواهد در آن ده روز اقامت کند برسد حکم او مانند حکم روزه بیمار است یعنی اگر فرد مسافر قبل از زوال به محل اقامت خود یا وطن خود برسد و چیزی نخورده باشد روزه گرفتن واجب می شود ولی اگر چیزی خورده باشد یا بعد از زوال به وطن یا محل اقامت برسد مستحب است امساک کند ولی باید قضای آن را به جا بیاورد.

حکم روزه شخص کثیر السفر مانند کسانی که شتر کرایه می دهند یا ملوانان و افرادی که در کشتی کار می کنند و شبیه آنها مانند روزه فرد مقیم است. پاک بودن از حیض و نفاس: روزه بر زن در حال حیض و در حال نفاس زایمان واجب نیست ولی باید قضای آن را به جا بیاورد.

دوم: آن چه بدان قضای روزه واجب می شود.

این امر سه شرط دارد:

بلوغ و کمال عقل و ایمان، قضای روزه بر فردی که تازه به بلوغ رسیده واجب نیست مگر روزه روزی که در آن قبل از طلوع فجر به بلوغ رسیده است. هم چنین است حکم قضای روزه مجنون و کافر هر چند که بر او واجب است مگر قضای روزه هایی که تا قبل از طلوع فجر آن مسلمان بوده است، اگر در همان روز مسلمان شود مستحب است امساک کند و روزه روزهای آینده بر او واجب می شود.

سوم: ملحقات احکام روزه.

هر کس به دلیل کودک بودن یا جنون و دیوانگی و یا کفر روزه ماه رمضان را از دست دهد قضاء بر او واجب نیست هم چنین است حکم کسی که به دلیل اغماء و بیهوشی روزه نگرفته است.

قضای روزه ماه رمضان بر مرتد چه مرتد فطری و چه مرتد به کفر بعد از ایمان و زن در حال حیض و در حال نفاس و هر کس به هر دلیلی روزه گرفتن را بعد از وجوب آن ترک کند واجب است قضاء کند، اگر کسی نباشد که به جای او قضای روزه را به جا آورد. موالات در قضای روزه مستحب است و فاصله انداختن در قضاء جایز است.

در این امر مسائلی وجود دارد:

اول: اگر کسی مقداری از روزه ماه رمضان را به دلیل بیماری از دست دهد، اگر در آن بیماری بمیرد، روزه اش قضاء ندارد ولی به جا آوردن آن مستحب است.

اگر بیماری تا رمضان سال بعد مستمر باشد قضای روزه ساقط می شود و باید به جای هر روز که روزه آن را نگرفته است یک مُد (۳/۴ کیلو گرم) طعام کفاره بدهد. اما اگر بین دو ماه رمضان سلامتی خود را باز یافت و نیت قضاء داشته باشد باید قضاء کند و کفاره ندارد ولی اگر این کار را سبک بشمارد باید هم قضای آن را بجا بیاورد و هم به جای هر روز یک مُد کفاره بدهد.

دوم: اگر مردی بمیرد به جا آوردن قضای روزهایی که آن ها را روزه نگرفته است بر عهده ولی او (فرزند ارشد او) خواهد بود چه روزه ماه رمضان باشد یا غیر از آن، چه به سبب بیماری باشد یا غیر از آن. ولی میت یعنی فرزند ارشد فقط آن چیزی بر او واجب است که در توان میت بوده و به سبب اهمال آن را به جا نیاورده است مگر آنچه به سبب سفر قضاء شده که باید در هر صورت به جا آورده شود هر چند فرد فوت شده در آن سفر مرده باشد.

ولی میت همانا فرزند ارشد پسر است، اگر فرزند ارشد میت دختر باشد قضاء بر او واجب نیست. اگر میت دو یا چند ولی داشته باشد که در عمر یکسان باشند حتی اگر برای لحظاتی با هم اختلاف نداشته باشند در قضاء به جای فرد متوفی مساوی خواهند بود. اگر کسی داوطلب به جا آوردن قضاء به جای میت باشد از دیگران ساقط می شود.

اگر زنی فوت کند قضای روزه وی بر عهده فرزند ارشد پسر او خواهد بود.

مستحب است که همه فرزندان چه دختر و چه پسر در ادای قضای آنچه بر والدین خود مشارکت داشته باشند و این کار بهترین شکل نیکی به والدین است و ترک آن از عقوبت محرم است.

سوم: اگر فرد متوفی ولی نداشته باشد یا فرزند ارشدش دختر باشد قضاء از او ساقط می شود و باید به جای هر روز روزه که بر میت واجب بوده یک مُد صدقه داده شود.

اگر بر گردن میت روزه دو ماه متوالی واجب باشد ولی او می تواند یک ماه را روزه بگیرد و به جای یک ماه از مال فرد متوفی صدقه بدهد.

چهارم: افطار برای به جای آورنده روزه قضاء ماه رمضان، قبل از زوال خورشید حرام نیست ولی بعد از زوال حرام است. اگر بعد از زوال افطار کند باید کفاره بدهد که این کفاره طعام دادن به ده نفر مسکین و تنگ دست و برای هر کدام یک مُد طعام است. اگر نتواند باید به جای کفاره سه روز روزه بگیرد.

پنجم: اگر کسی فراموش کند که غسل جنابت کند و چند روز یا کل یک ماه روزه از او بگذرد روزه اش صحیح است ولی باید قضای نماز را به جا بیاورد.

ششم: اگر در روز سی ماه رمضان روزه بگیرد و ثابت شود که شب قبل هلال رؤیت شده، اگر قبل از زوال باشد باید افطار کند و نماز عید را به جا بیاورد ولی اگر زوال گذشته باشد نمی تواند نماز عید را به جا بیاورد چرا که وقت آن تمام شده است.

روزه كفاره:

این بخش چهار قسمت است:

اول: روزه هایی که با وجود دیگر کفاره ها واجب است: مانند روزه کفاره قتل نفس عمد که در آن هر سه کفاره باید به جا آورده شوند و هم چنین کسی که عمداً با یک چیز حرام روزه خود را افطار کند.

دوم: آنچه که به دلیل ناتوانی از ادای دیگر کفارات روزه واجب می گردد که شش گونه است: روزه کفاره از قتل غیر عمد،ظهار یعنی شخصی که در جدایی و قهر از همسر خود در منزل قسم خورده باشد، افطار در قضای ماه رمضان بعد از زوال خورشید، کفاره قسم و یمین، افاضه یا خارج شدن عمدی از عرفات قبل از غروب به شکل عمد، کفاره جزای صید در حج، به این کفاره ها باید روزه کفاره مردی که لباس خود را به دلیل مرگ همسر یا فرزند خود پاره کند و روزه کفاره زنی که به دلیل مرگ نزدیکان صورت خود را خراش دهد یا موی سر خود را بکند، اضافه نمود.

سوم: روزه کفاره ای که روزه دار بین آن و کفاره دیگری آزاد کردن بنده، اطعام شصت نفر، روزه دو ماه پی در پی خود مختار باشد:

که پنج گونه است: روزه کفاره از افطار یک روز ماه رمضان به شکل عمدی، کفاره روزه به دلیل بجا نیاوردن نذر یا عهد، اعتکاف واجب، کفاره سر تراشیدن در حال احرام. هم چنین باید روزه کفاره زنی که در ماتم کسی مو سر خود را کوتاه کند و ببرد را نیز اضافه نمود.

چهارم: روزه کفاره که بر دیگری به شکل ترتیبی واجب است ولی بین فرد و دیگری اختیار وجود دارد: مانند کسی که با کنیز محرم بر او با اجازه خودش نزدیکی کند.

در همه روزه ها تتابع و روزه متصل واجب است مگر در چهار نوع روزه: روزه نذری که در آن تتابع قصد نشده باشد، روزه به سبب عهد و یمین و قسم، روزه قضاء، روزه بدل از صید و شکار (در هنگام احرام حج) و روزه هفت روز به جای هدی و قربانی در هنگام حج.

هر روزه ای که در آن تتابع روزه شرط است اگر با عذر شرعی و در میانه ایام معین افطار کند می تواند بعد از زوال عذر روزه را ادامه دهد اما اگر بدون عذر افطار کند باید روزه را از سر بگیرد. مگر در سه مورد: هر کس که روزه دو ماه متوالی بر او واجب شده است اگر یک ماه کامل روزه گرفت و از ماه دوم مقداری و لو یک روز را روزه گرفت و به دلیل عذر افطار کرد می تواند بعد از زوال عذر روزه را ادامه دهد اما اگر قبل از آن بود یعنی از ماه دوم یک روز را هم روزه نگرفته بود باید کل روزه را از نو شروع کند. هر کس روزه یک ماه به دلیل نذر بر او واجب شود و پانزده روز را روزه گرفت و افطار نمود روزه او باطل نمی شود و می تواند ادامه دهد و بر صحت روزه خود بنا کند اما اگر قبل از آن یعنی پانزده روز افطار نمود باید کل روزه را از نو شروع کند.

در روزه سه روز بدل از هدی در حج اگر روز ترویبه و روز عرفه را روزه گرفت و روز عید قربان را افطار کرد می تواند در ایام تشریق روزه را ادامه دهد ولی اگر از دو روز کمتر بود باید روزه را از سر بگیرد همچنین اگر بین دو روز روزه و روز سوم به غیر از افطار عید فاصله انداخت باید روزه را از سر بگیرد.

به این حکم باید موارد زیر را نیز ملحق نمود:

کسی که به عنوان کفاره قتل غیر عمد یا ظهار به این دلیل که بنده و غلام است یک ماه روزه بر او واجب شده است.

هر کس که بر او روزه پیوسته واجب شده باشد اما تا زمانی که مسلمان نشده باشد جایز نیست آن را آغاز کند.

اگر بر فردی روزه دو ماه متوالی واجب شده باشد و بخواهد ماه شعبان روزه بگیرد باید حد اقل یک روز قبل از آن را روزه گرفته باشد در غیر این صورت نمی تواند در شعبان روزه بگیرد. هم چنین ماه شوال حتماً باید یک روز از ذی القعدة را با آن روزه بگیرد تا بتواند بر صحت روزه خود بنا کند. هم چنین است حکم روزه در ماه ذی الحجه که باید یک روز از ماه قبل یا بعد از آن را به ایام روزه افزود.

روزه های مستحب:

روزه هایی که وقت مشخص ندارند مانند روزه کل ایام سال چرا که روزه سپری است از آتش جهنم.

روزه هایی که وقت معین دارند مانند روزه سه روز در ماه، اولین پنجشنبه ماه و آخرین پنجشنبه ماه و اولین چهارشنبه، ده روز دوم ماه و هر کس در این روزه تأخیر کند مستحب است که قضای آن را به جا آورد. تأخیر انداختن این روزه از روزهای تابستان به زمستان جایز است. و اگر نتواند مستحب است که به جای هر روز یک مُد طعام صدقه دهد.

روزه ایام البیض در هر ماه که روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه هستند، همچنین روزه روز غدیر و روز میلاد پیامبر ﷺ و روز مبعث و روز دحو الأرض و روز عرفه اگر برای دعاء ضعف بر فرد عارض نشود و روز تحقق هلال. هم چنین روزه روز عاشورا برای عزاء داری و حزن و روز مباهله و روزه هر پنجشنبه و هر جمعه، روزه روز اول ماه ذی الحجه و روزه ماه رجب و شعبان همه از روزه های مستحب هستند.

امساک تأدیبی و خودداری از طعام گر چه روزه حساب نمی شود در این موارد مستحب است: امساک مسافری که به وطن خود یا به محل اقامت ده روزه خود برسد چه قبل از زوال و چه بعد از آن اما افطار کرده باشد. هم چنین بیماری که شفاء یافته است.

امساک زن در حالت حیض و نفاس اگر در طی روز پاک گردد. و کافری که مسلمان گردد و کودکی که به بلوغ رسد و دیوانه ای که شفاء یابد و فردی که در حالت اغماء و بیهوشی که بیدار گردد نیز مستحب است.

اگر فردی روزه مستحبی گرفته باشد در هر زمان می تواند افطار کند چرا که با ورود به روزه، روزه نافله واجب نمی گردد اما افطار از آن بعد از زوال مکروه است.

روزه های مکروه:

روزه در روز عرفه برای کسی که روزه داری او را برای دعاء دچار ضعف کند، روزه روز شک در دیده شدن هلال و روزه مستحبی در سفر مگر روزه سه روز برای طلب حاجت در مدینه منوره. هم چنین روزه گرفتن مهمان بدون اجازه از میزبان و روزه گرفتن کودک بدون اجازه پدر، و روزه مستحبی برای کسی که او را برای غذا دعوت نموده باشند.

روزه های محظور و حرام:

روزه گرفتن در ایام عید قربان و عید فطر و ایام تشریق برای کسی که در منی باشد و روزه کسی که به نیت واجب روز سی شعبان را روزه بگیرد حرام است.
هم چنین روزه نذر برای معصیت و روزه سکوت و روزه وصال یعنی روزه کسی که دو روز و شب میان آنها را روزه بگیرد حرام است.
روزه مستحب برای زن بدون اجازه شوهر یا با وجود نهی شوهر از این کار، و روزه بنده و غلام بدون اجازه یا با وجود نهی از سوی مالک نیز حرام است.
هم چنین روزه واجب در سفر مگر مواردی که استثناء آنها بیان شد نیز حرام است.



ملحقات احکام روزه:

و در آن مسائل است:

اول: بیماری که با وجود آن افطار کردن لازم است بدین صورت که اگر بیمار روزه بگیرد بیماری اش شدت خواهد یافت واجب است افطار کند. این به شرطی است که خود بیمار این امر را در مورد خود بداند یا از روی علامتی مانند نظر پزشک و طبیب کاردان بدین نتیجه برسد. حال اگر با وجود این امر و با وجود تکلف روزه بگیرد باید روزه را قضاء کند.

دوم: اگر برای مسافری شرایط کسر در نماز کامل گردد واجب است افطار کند و اگر با علم به این امر باز روزه را ادامه دهد باید روزه را قضاء کند ولی اگر حکم را نداند قضاء بر او واجب نیست.

سوم: شرایط افطار و شکستن روزه همان شرایط شکسته خواندن در نماز است و خارج شدن و آغاز سفر قبل از زوال برای افطار از روزه کفایت می کند. هر سفری که در آن نماز شکسته می شود کسر روزه نیز در آن واجب می گردد.

چهارم: کسانی که در حالت سفر نیز نماز آنها کامل است روزه این افراد نیز کامل است مانند کسانی که سفرشان بیشتر از سکونت آنها است.

پنجم: مسافر نمی تواند افطار کند مگر تا زمانی که اذان محل سکونتش از او مخفی شود و آن را نشنود، اگر قبل از آن افطار نمود هم قضاء و هم کفاره بر او واجب می گردد.

ششم: زن و مرد کهنسال و کسی که دچار بیماری تشنگی یا استسقاء است می توانند در ماه رمضان افطار کنند و به جای هر روز باید یک مُد صدقه بدهند. اگر بعد از آن قضاء ممکن گردد باید قضاء کند و اگر نتواند قضاء ساقط می شود.

پیرمرد و پیرزن اگر نتوانند روزه بگیرند نیز همان گونه که روزه گرفتن از آنها ساقط می شود کفاره هم از آنها ساقط می شود.

هفتم: زن بارداری که وضع حملش نزدیک است و زن شیرده که مقدار کمی شیر دارد جایز است در ماه رمضان روزه نگیرند ولی باید علاوه بر قضاء به جای هر روز یک مد کفاره بدهند.

هشتم: اگر کسی در ماه رمضان بخوابد و خوابش طولانی شود اگر قبل از خواب نیت روزه کرده باشد روزه اش صحیح است و قضاء ندارد، اما اگر نیت نکرده باشد باید قضاء به جا آورد. دیوانه و کسی که در حالت اغماء و بیهوشی باشد قضای روزه بر آنها واجب نیست چه از ماه رمضان چند روز یا کل ماه را در آن حال باشد چه نیت روزه نموده باشد و چه نیت نکرده باشد و چه با آنچه موجب افطار است وی را معالجه کرده باشند و چه نکرده باشند در هر حال روزه آنها قضاء ندارد.

نهم: کسی که در ماه رمضان افطار برای او مجاز است مکروه است که در خوردن غذا و نوشیدنی زیاده روی نماید. هم چنین در جماع و نزدیکی نباید زیاده روی نمود.



احکام اعتکاف

که در آن انواع اعتکاف و احکام آن بیان می شود:
اعتکاف: ماندن در یک مکان برای مدتی مستمر جهت عبادت، و صحیح نمی باشد مگر از فرد مکلف مؤمن.

شرایط اعتکاف هفت تا می باشند:

اول: نیت. در اعتکاف واجب است نخست نیت قرب الهی را نمود و پس از آن اگر با نذر واجب شده نیت وجوب نمود و اگر مستحب است نیت استحباب نمود و اگر دو روز از اعتکاف گذشت این امر در روز سوم واجب می گردد.

دوم: روزه، باید در شرایطی اعتکاف نمود که روزه در آن اشکال نداشته باشد و فرد معتکف بتواند روزه صحیح بگیرد، اعتکاف در عید قربان و عید فطر صحیح نیست. هم چنین اعتکاف زن در حالت حیض و نفاس صحیح نیست. فرد مسافر می تواند اعتکاف کند.

سوم: اعتکاف در صورتی صحیح است که سه روز باشد، اگر کسی نذر کند که اعتکاف کند واجب است سه روز اعتکاف را به جا آورد. هم چنین قضاء یک روز از اعتکاف واجب گردد باید سه روز معتکف شود تا قضاء آن روز محقق شود.

اگر کسی اعتکاف مستحب را آغاز کند می تواند ادامه دهد یا از نیت خود باز گردد اما اگر دو روز گذشت به جا آوردن روز سوم واجب می شود.

اگر فردی سه روز اعتکاف نمود و بعد دو روز دیگر نیز معتکف ماند واجب است روز ششم را نیز معتکف بماند.

اگر فردی به فاصله یک یا دو روز به عید قربان یا عید فطر وارد اعتکاف شود عمل او صحیح نیست. اگر کسی نذر کند که فقط سه روز را بدون شب های آنها معتکف می شود نذر او صحیح نیست.

در نذر اعتکاف متوالی آنچه بیش از سه روز است واجب نخواهد بود مگر این که اعتکاف را سه روز سه روز قصد کند و به جا بیاورد و ادامه دهد مگر این که وی بداند که تتابع را باید به جا آورد آنگاه اشتراط این عمل را چه لفظی و چه معنایی قصد کند.

چهارم: اعتکاف فقط در این اماکن صحیح است: مساجد اربعه، مسجد مکه، مسجد النبی در مدینه، مسجد جامع کوفه و مسجد بصره و یا مسجدی که پیامبری یا وصی پیامبر در آن نماز گزارده باشد یعنی پیامبر یا وصی او در آن مسجد نماز را به جماعت برگزار نموده باشد که در این امر زن و مرد یک حکم دارند.

پنجم: داشتن اجازه و اذن فردی مانند بنده و غلام که باید برای اعتکاف از مولی و مالک خود اجازه بگیرد و هم چنین شوهر به همسر خود باید اجازه بدهد.

اگر صاحب ولایت به فرد اجازه اعتکاف دهد می تواند قبل از آغاز اعتکاف یا بعد از آغاز اعتکاف فرد را منع کند تا زمانی که دو روز از ایام اعتکاف نگذشته باشد یا این که اعتکاف با نذر یا شبیه به آن واجب باشد.

دو مسئله فرعی:

اول: اگر مالک با بنده یا غلام خود قراردادی بسته مبنی بر اینکه یک روز در اختیار مالک باشد و یک روز آزاد باشد، می تواند در ایام خود در حین روزهای آزادی اعتکاف کند، حتی اگر مالک اجازه اعتکاف ندهد.

دوم: اگر بنده در حین اعتکاف آزاد گردید و عتق شد می تواند اعتکاف را ادامه ندهد مگر این که با اجازه مالک خود اعتکاف را آغاز کرده باشد باید اعتکاف را ادامه دهد.

ششم: استمرار در ماندن در مسجد:

اگر فرد معتکف بدون یکی از دلایل مباح از محل اعتکاف خارج شد چه به اراده او بوده چه خارج از اراده او، عمل او باطل می شود. اگر سه روز از اعتکاف نگذشته باشد کل اعتکاف باطل می شود ولی اگر سه روز گذشته باشد تا هنگام خروج اعتکاف او صحیح خواهد بود. اگر فردی روزهای معینی را برای اعتکاف نذر کرده باشد اگر تتابع در اعتکاف را بر خود شرط کرده باشد با خروج از مسجد باطل می شود و باید از نو شروع کند.

خروج از مسجد فقط برای ضرورت جایز است مانند خروج برای قضای حاجت، غسل کردن، تشییع جنازه، عیادت بیمار، تشییع مؤمن و حضور برای دادن شهادت. اگر فرد معتکف برای یکی از این امور از مسجد خارج شود، جایز نیست که در جایی بنشیند یا زیر سایه راه برود هم چنین جایز نیست خارج از مسجد نماز بخواند مگر در مکه، چرا که در آن می توان در هر جا نماز خواند. اگر از روی سهو و ندانسته از مسجد خارج شود اعتکاف باطل نمی شود.

فروع:

اول: اگر فردی نذر کند که یک ماه اعتکاف کند و تابع در این کار را شرط نکند و مقداری از ماه را معتکف شد و در بقیه ماه خلل ایجاد کرد آنچه را که به جا آورده صحیح است و آنچه را اهمال کرده باید قضاء کند. ولی اگر تابع را در لفظ آورده باشد باید کل ماه را از سر بگیرد.

دوم: اگر فردی نذر یک ماه اعتکاف کند در حالی که علم به آغاز ماه ندارد مانند زندانی و فراموش کار باید قضای آن را به جا بیاورد.

سوم: اگر فردی نذر چهار روز اعتکاف کند و در یک روز از آن خلل ایجاد نماید باید آن را قضاء کند ولی در هر صورت نیاز به دو روز دیگر اعتکاف دارد تا بتواند اعتکاف صحیح نماید.

چهارم: اگر فردی نذر کند که فقط یک روز معتکف شود صحیح نیست و نذر او منعقد نمی شود ولی اگر اعتکاف دیگری نذر کند و یک روز بدان اضافه کند صحیح است ولی باید دو روز به آن اضافه نماید.

انواع اعتکاف:

اعتکاف دو نوع است: واجب و مستحب.

اعتکاف واجب آن است که با نذر یا مثل آن واجب می گردد. و مستحب اعتکافی است که فرد داوطلبانه به آن اقدام کند.

اعتکاف واجب با آغاز آن واجب می شود و اعتکاف مستحب استمرار آن واجب نمی شود مگر این که دو روز از شروع گذشته باشد چرا که روز سوم واجب می گردد. اگر در هنگام نذر شرط کند که هر گاه بخواهد از نیت خود بر گردد می تواند چنین کند و قضاء ندارد. ولی اگر شرط نکند اگر در حین ادای اعتکاف نذر آن را قطع کند باید آن را از سر بگیرد و کل آن را به جا بیاورد.

احکام اعتکاف:

احکام اعتکاف دو قسم است:

اول: شش چیز بر معتکف حرام است:

زنان: چه لمس و چه بوسیدن و چه جماع و نزدیکی، بوییدن عطر و استمناء و خرید و فروش، جدال و منازعه لفظی، پوشیدن لباس دوخته شده و زایل نمودن مو از بدن، خوردن شکار و عقد نکاح بر معتکف حرام نیست. جایز است که معتکف در مورد امور مربوط به معاش و ما یحتاج زندگی خود نظر کند و هم چنین جایز است که به آنچه مباح است اقدام کند.

همه محرمات بر معتکف در طی روز، در شب هم بر او حرام است مگر افطار کردن. هر کس قبل از پایان اعتکاف واجب بمیرد بر ولی او واجب است که آن را به جا بیاورد.

دوم: آنچه باعث باطل شدن اعتکاف می شود:

هر چه که باعث باطل شدن روزه می شود اعتکاف را نیز باطل می کند مانند جماع و خوردن و آشامیدن و استمناء. اگر معتکف در روز اول و دوم افطار نمود کفاره بر او واجب نیست اما اگر در روز سوم افطار کرد این عمل کفاره دارد. اگر معتکف در هنگام شب جماع کند بر او یک کفاره واجب می شود و اگر در روز جماع کند نیز کفاره دارد. اگر معتکف در ماه رمضان در طی روز جماع کند دو کفاره بر او واجب می شود.

دوم: مرتد شدن باعث باطل شدن اعتکاف می شود و هم واجب شدن خروج از مسجد.

سوم: اگر مردی همسر خود را با اکراه و ادار به جماع کند و هر دو معتکف باشند و در هنگام روز در ماه رمضان این کار را بکند باز بر او دو کفاره واجب می شود.

چهارم: اگر زن در حین اعتکاف طلاق رجعی گرفت می تواند به خانه برگردد و اگر اعتکاف واجب بود یا دو روز از آن گذشته بود واجب است قضاء کند در غیر این صورت مستحب است که قضاء کند.

پنجم: معتکف اگر خرید و فروش کند گناه نموده ولی عمل او باطل نمی شود.

ششم: معتکف نمی تواند به صورت متفرق سه روز جدا جدا اعتکاف کند.



فهرست کتاب

این کتاب:	۵
احکام طهارت	۹
رکن اول: اقسام آنها	۹
مورد اول: احکام آب مطلق	۹
مورد دوم: آب مضاف	۱۲
مورد سوم: آب باقی مانده از آشامیدن	۱۲
رکن دوم: طهارت با آب	۱۳
فصل اول احکام وضوء:	۱۳
دوم: احکام تخلی:	۱۴
سوم: طریقه ی وضوء گرفتن	۱۶
سنت های وضوء:	۲۰
چهار: احکام وضوء	۲۰
اما احکام غسل: که در آن واجب و مستحب وجود دارد .	۲۱
بخش اول: جنابت .	۲۱
بخش دوم: حیض	۲۳
فصل سوم: در استحاضه .	۲۶
بخش چهارم: نفاس .	۲۹
فصل پنجم: احکام اموات .	۲۹
دوم: در احکام غسل .	۳۰
رکن سوم: طهارت با خاک (تیمم)	۳۸
رکن چهارم: نجاسات و احکام آنها	۴۱

- انواع نجاستها: ۴۱
- احکام نجاسات: ۴۳
- احکام ظرف ها: ۴۴
- احکام نماز ۴۶
- بخش اول: مقدمات نماز ۴۶
- مقدمه اول: تعداد نماز ۴۶
- مقدمه دوم: مواقیت و زمان نماز ۴۶
- مقدمه سوم: احکام قبله ۵۰
- مقدمه چهارم: احکام لباس نماز گزار ۵۲
- مقدمه پنجم: محل نماز گزار ۵۴
- مقدمه ششم: در آنچه می توان بر آن سجده نمود ۵۶
- مقدمه هفتم: در اذان و اقامه ۵۶
- رکن دوم: در اعمال نماز ۵۹
- اول: نیت ۵۹
- دوم: تکبیرة الاحرام ۶۰
- سوم: قیام ۶۰
- چهارم: قرائت ۶۱
- پنجم: رکوع ۶۴
- ششم: سجود ۶۵
- هفتم: تشهد ۶۷
- هشتم: سلام یا تسلیم ۶۷
- خاتمه: قطع کننده های نماز ۶۹
- رکن سوم: دیگر نماز ها ۷۰

- ۷۰ اول: نماز جمعه .
- ۷۵ فصل دوم: نماز عیدین (عید فطر و عید قربان) .
- ۷۷ فصل سوم: در نماز کسوف (نماز آیات) .
- ۷۹ فصل چهارم: نماز بر میت .
- ۸۲ فصل پنجم: نماز های مرغبات (نماز های مستحب) .
- ۸۴ رکن چهارم: مشتمل بر چند فصل است .
- ۸۴ فصل اول: اشکالات واقع در نماز .
- ۸۹ خاتمه : دو سجده ی سهو .
- ۸۹ فصل دوم: در قضاء نماز .
- ۹۱ فصل سوم: نماز جماعت .
- ۹۶ خاتمه: احکام مسجد .
- ۹۷ نماز خوف و مطارده (هنگام جنگ):
- ۱۰۰ فصل پنجم: نماز مسافر .
- ۱۰۵ احکام روزه .
- ۱۰۵ رکن اول: روزه .
- ۱۰۶ رکن دوم: آن چه روزه دار باید از آن پرهیز کند .
- ۱۱۲ رکن سوم: زمانی که در آن روزه گرفتن صحیح می باشد .
- ۱۱۲ چهارم: روزه از چه کسی پذیرفته می شود .
- ۱۱۳ اقسام روزه:
- ۱۱۳ اول: ماه رمضان .
- ۱۱۸ روزه كفاره:
- ۱۲۰ روزه های مستحب:
- ۱۲۱ روزه های مکروه:

۱۲۱ روزه های محظور و حرام:

۱۲۱ ملحقات احکام روزه:

۱۲۴ احکام اعتکاف

۱۲۴ شرایط اعتکاف شش تا می باشند:

۱۲۶ انواع اعتکاف:

۱۲۷ احکام اعتکاف:

۱۳۰ فهرست کتاب